

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقش سازمان یونسکو در حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی

مؤلفین:

محمود رشنواز

محمد علی میرزایی

سرشناسه	: رشنواز، محمود، ۱۳۵۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: نقش سازمان یونسکو در حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی / مولفین محمود رشنواز، محمدعلی میرزایی.
مشخصات نشر	: تهران : سخنوران، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ج، ۱۶۱ ص.
شابک	: 978-600-455-736-8
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: یونسکو-- تاریخ
موضوع	: Unesco-- History
موضوع	: یونسکو -- هدف‌ها و نقش‌ها
موضوع	: Unesco -- Aims and objectives
موضوع	: صلح
موضوع	: Security, International
موضوع	: امنیت بین‌المللی
موضوع	: Peace
شناسه افزوده	: میرزایی، محمدعلی، ۱۳۵۵ -
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷ ۵۹۳/ی/AS۴
رده بندی دیویی	: ۰۰۱/۰۶۰۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۱۷۱۴۶۳

شماره تماس: ۰۲۱۶۶۹۱۶۳۷۱ - ۰۹۱۰۹۴۹۰۷۵۳

آدرس: کارگر شمالی، بعد از ادوارد براون، شماره ۱۴۰۷، طبقه اول، انتشارات سخنوران

آدرس الکترونیکی: thesis.pub2014@gmail.com

آدرس سایت: www.thesispublication.com

نقش سازمان یونسکو در حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی

مؤلف:	محمود رشنواز، محمد علی میرزایی
ناشر:	سخنوران
صفحه آرا و طراح جلد:	پیشگامان مسیر دانش
نوبت چاپ:	اول
سال چاپ:	۱۳۹۷
شمارگان:	۱۰۰۰ جلد
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۴۵۵-۷۳۶-۸
قیمت:	۳۲۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

مقدمه	۱۱
فصل اول: آشنایی با سازمان یونسکو و تاثیر اقدامات آن بر صلح و امنیت بین‌المللی	
مبحث اول: بررسی شکل‌گیری یونسکو و تشکیلات آن	۲۲
گفتار اول: چگونگی شکل‌گیری یونسکو	۲۲
بند اول: پیش از جنگ جهانی اول	۲۳
بند دوم: دوران بین دو جنگ جهانی	۲۳
بند سوم: دوران پس از جنگ جهانی دوم	۲۵
گفتار دوم: تشکیلات یونسکو و نحوه رأی‌گیری در این ارکان	۲۸
بند اول: کنفرانس عمومی	۲۹
بند دوم: شورای اجرایی	۳۱
بند سوم: دبیرخانه	۳۳
مبحث دوم: نگاهی به اهداف، فعالیت‌ها و اهم اقدامات یونسکو	۳۴
گفتار اول: بررسی اهداف و حوزه فعالیت‌های یونسکو	۳۴
بند اول: آموزش	۳۵
بند دوم: فرهنگ	۳۸
بند سوم: علوم طبیعی	۴۱
بند چهارم: علوم انسانی و اجتماعی	۴۳
بند پنجم: ارتباطات و اطلاع‌رسانی	۴۵
گفتار دوم: بررسی اهم اقدامات یونسکو	۴۷
بند اول: حفاظت از میراث فرهنگی	۴۷
بند دوم: یونسکو و نابودی آ‌پارتاید	۵۱
بند سوم: یونسکو و آموزش حقوق بشر	۵۳
بند چهارم: بهبود وضعیت زنان	۵۶

- بند پنجم: یونسکو و جوانان ۵۸
- بند ششم: یونسکو، آفریقا و کشورهای کمتر توسعه یافته ۶۰

فصل دوم: مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی و نهادهای تضمین‌کننده آن

- مبحث اول: مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی و ارتباط آن با مفاهیم بنیادین حقوق بشر ۶۶
- گفتار اول: مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی ۶۶
- بند اول: صلح منفی ۶۸
- بند دوم: صلح مثبت ۶۹
- بند سوم: میثاق جامعه ملل و صلح و امنیت بین‌المللی ۷۱
- بند چهارم: مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی در منشور سازمان ملل متحد ۷۶
- گفتار دوم: ارتباط صلح و امنیت بین‌المللی با مفاهیم بنیادین دموکراسی و حقوق بشر ۷۸
- بند اول: ارتباط صلح و امنیت بین‌المللی با دموکراسی ۷۹
- بند دوم: ارتباط صلح و امنیت بین‌المللی با حقوق بشر ۸۷
- مبحث دوم: نهادهای تضمین‌کننده صلح و امنیت بین‌المللی ۹۲
- گفتار اول: سازمان ملل متحد و ارکان اصلی آن ۹۳
- بند اول: شورای امنیت ۹۴
- بند دوم: مجمع عمومی ۹۹
- بند سوم: دبیرخانه (دبیرکل) ۱۰۱
- بند چهارم: دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) ۱۰۲
- گفتار دوم: گزیده‌ای از موسسات تخصصی سازمان ملل متحد ۱۰۵
- بند اول: سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (UNESCO) ۱۰۶
- بند دوم: سازمان بین‌المللی کار (ILO) ۱۰۸
- بند سوم: سازمان بهداشتی جهانی (WHO) ۱۱۳

فصل سوم: راهکارها و چالش‌های یونسکو در حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی

- مبحث اول: راهکارهای یونسکو برای حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی ۱۲۱
- گفتار اول: جهانی کردن جامعه اطلاعاتی و توسعه آن ۱۲۲
- گفتار دوم: گفتگو و تعامل میان تمدن‌ها ۱۲۶
- گفتار سوم: ایجاد کمیسیون‌های ملی در کشورهای عضو ۱۳۰
- بند اول: نقش مشورتی ۱۳۲
- بند دوم: نقش ارتباطی ۱۳۳

بند سوم: نقش اجرایی	۱۳۳
بند چهارم: نقش اطلاع‌رسانی	۱۳۳
گفتار چهارم: ارتباط با سازمان‌های غیردولتی	۱۳۴
مبحث دوم: چالش‌های سازمان یونسکو	۱۳۷
گفتار اول: اصل عدم مداخله	۱۳۸
گفتار دوم: فقر توسعه فرهنگی	۱۴۲
گفتار سوم: فقدان فرهنگ دموکراسی در کشورها	۱۴۶
نتیجه‌گیری	۱۵۱
منابع و مأخذ	۱۵۳

نشانه‌های اختصاری

UNESCO: United Nation Educational Scientific Cultural Organization	سازمان تربیتی، علمی فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو)
IIIC: International Institute for Intellectual Cooperation	موسسه بین‌المللی همکاری‌های معنوی
CAME: Conference of Allied Ministers of Education	کنفرانس وزرای آموزش کشورهای متفق
ASP net: Associated Schools Project Network	مدارس مرتبط با پروژه شبکه یونسکو
IBC: International Bioethics Committee	کمیته بین‌المللی اخلاق زیستی
ICT: Information Communication and Technologies	فناوری‌های اطلاع‌رسانی و ارتباطات
ISTC: International Student Travel Confederation	کنفدراسیون بین‌المللی مسافرت دانشجویان
FIYTO: Federation of International Youth Travel Organization	فدراسیون سازمان‌های بین‌المللی مسافرت جوانان
UNMD: United Nations Millennium Declaration	اعلامیه هزاره سازمان ملل متحد
ICJ: International Court of justice	دیوان بین‌المللی دادگستری
PCIJ: Permanent Court of international justice	دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی
ILO: International Labour Organization	سازمان بین‌المللی کار
C.G.T: Confederation General du Travail	اتحادیه عمومی کار
WHO: World Health organization	سازمان بهداشت جهانی

مقدمه

یونسکو، سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد، یکی از مهم‌ترین سازمان‌های تخصصی سازمان ملل متحد است. تأسیس و شکل‌گیری این سازمان به کنفرانسی برمی‌گردد که در آن نمایندگان ۴۴ کشور، طی فراخوان مشترکی که توسط دولت‌های بریتانیای کبیر و فرانسه انجام شده بود، در ۱۶ نوامبر سال ۱۹۴۵ در شهر لندن گرد هم آمدند و اساسنامه آن را امضا کردند.^۱ اساسنامه مزبور با امضای کشور یونان در تاریخ ۴ نوامبر ۱۹۴۶ به‌عنوان بیستمین کشور امضا کننده، الزام‌آور شده و یونسکو متولد شد.^۲ این سازمان در حال حاضر بیشتر از سازمان ملل متحد، که نقش سازمان مادر را برای آن دارد، دارای عضو می‌باشد و اعضای آن در حال حاضر به ۱۹۵ کشور می‌رسد. این سازمان از ۳ رکن زیر تشکیل می‌شود:

- ۱- کنفرانس عمومی: عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری یونسکو است که خط مشی و جهت کلی حرکت سازمان را تعیین و هر ۲ سال یکبار با شرکت نمایندگان کشورهای عضو تشکیل جلسه می‌دهد. برنامه‌ها و بودجه یونسکو توسط این رکن تعیین می‌شود.^۳
- ۲- شورای اجرایی: که ارگان نظارتی یونسکو در اجرای برنامه‌ها و تصمیمات کنفرانس عمومی است، مقدمات کار کنفرانس عمومی را تهیه و بر اجرای کامل تصمیمات کنفرانس عمومی نظارت می‌کند. این شورا از ترکیب نمایندگان ۵۱ کشور عضو که برای دوره‌ای ۴ ساله توسط کنفرانس عمومی انتخاب می‌شوند، به وجود می‌آید و سالانه ۲ بار تشکیل جلسه می‌دهد.

1- FEDERICO MAYOR, "The Role of UNESCO in the Construction of Peace", UNESCO Lib, pp 1-3, at 1.

۲ - نادری قطب‌الدینی، عباس و حمید زنگنه، یونسکو، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۹.

۳- نوروزیان، مهدی، آشنایی با سازمان آموزشی علمی و فرهنگی ملل متحد، مجله حقوقی رهیافت، شماره ۳۴، زمستان ۱۳۸۳، ص ۲.

۳- دبیرخانه: که مسئول اجرای برنامه‌های یونسکو بوده و شامل مدیر کل و کارکنان می‌باشد. دبیر کل، مدیر اجرایی سازمان می‌باشد و هر ۴ سال یکبار براساس توصیه‌های شورای اجرایی توسط کنفرانس عمومی انتخاب می‌شود. به‌طور کلی آموزش، علوم طبیعی، علوم انسانی و اجتماعی، فرهنگ، ارتباطات و اطلاعات جزء دستور کار و اولویت‌های سازمان یونسکو می‌باشد که نیل به صلح و امنیت بین‌المللی از طریق همین اولویت‌ها امکان‌پذیر است و شکل می‌گیرد.

صلح و امنیت بین‌المللی از آرزوهای همیشگی بشر است و همیشه نیز از سوی پدیده‌های مختلف تهدید شده است.^۱ اصطلاح صلح به‌طور سنتی به‌عنوان "آزادی از جنگ و ستیز" تعریف شده است، این مفهوم ایده‌آلیستی، به‌ویژه از جنگ جهانی دوم به بعد، به عقیده‌ای تبدیل شده است که طبق آن، صلح، تنها در غیاب جنگ وجود دارد.^۲ در سطح بین‌المللی اقدامات بسیاری جهت نیل به صلح و آرامش در قالب سازمان‌های بین‌المللی صورت گرفته که نمونه بارز آن تشکیل سازمان ملل متحد می‌باشد که وظیفه اصلی آن حمایت از صلح و امنیت بین‌المللی است. صلحی که منظور سازمان ملل می‌باشد، صلح بین‌المللی است نه داخلی، مگر در موارد اتفاقی و در جهت اجراء اعمال بین‌المللی، خصوصاً صلحی که مطابق با اصول عدالت و حقوق بین الملل باشد.^۳ در همین راستا، سازمان ملل اقدام به ایجاد کمیته‌هایی نمود که موسسات تخصصی سازمان ملل متحد از دل آنها بیرون آمد. سازمان یونسکو که یکی از این موسسات تخصصی می‌باشد، در سال ۱۹۴۶ به‌وجود آمد که نقش مهمی را در ایجاد و حفاظت صلح و امنیت بین‌المللی ایفا می‌کند.

مهم‌ترین فعالیت یونسکو در زمینه آموزشی در سطح جهان، مبارزه با بیسوادی و ریشه‌کنی این مساله بوده است. برنامه یونسکو در سطح فرهنگ، سه مرحله اصلی و به هم پیوسته را پیگیری می‌کند که عبارتند از: آفرینش آثار اصیل، حفظ آثار موجود و نشر و نقد بین‌المللی فرهنگ‌ها. همچنین در زمینه توسعه علوم گوناگون، برنامه‌هایی دارد که شامل توسعه

۱- بیگ زاده، ابراهیم، در تکاپوی صلح پایدار، مجله تخصصی الهیات و حقوق/ پژوهش‌ها، شماره ۲۸، تابستان ۱۳۸۷، ص ۱.

۲- ولی، وهاب، جنگ و صلح، مجله فرهنگ، شماره ۱۴، ص ۳۳۵.

۳- امین زاده، الهام، مبانی اساسی منشور سازمان ملل در مورد ایجاد و حفظ صلح، نشریه دیدگاه‌های حقوقی قضایی، شماره ۴، زمستان ۵۷، ص ۱.

ساختار اساسی علوم در کشورهای عضو، ترغیب همکاری بین‌المللی برای پیشرفت پژوهش‌ها و مدارک علمی و به کار بردن علوم و تکنولوژی در کارهای عمرانی است. یونسکو به منظور جلوگیری از بروز جنگ و درگیری در جهان و دستیابی به صلح و تأمین هدف‌های منشور سازمان ملل متحد که خود زیرمجموعه‌ای از آن سازمان می‌باشد، از راه آموزش، علوم، فرهنگ و ارتباطات تأسیس گردید که هم‌اکنون ۱۹۵ کشور در این سازمان عضویت دارند. این سازمان از آموزش، علوم طبیعی و اجتماعی، فرهنگ و ارتباطات همچون ابزاری برای ایجاد صلح و آرامش در سطح بین‌المللی استفاده می‌کند. قانون اساسی (اساسنامه) یونسکو صراحت دارد که: "براساس تجربه بشر، تنها تمهیدات سیاسی و اقتصادی برای ایجاد صلح پایدار و آنچه لازمه عدالت و کرامت انسانی است، کفایت نمی‌کند. از این رو کلیه برنامه‌های یونسکو باید در راستای ساختن صلح در اذهان انسان‌ها، به‌ویژه از رهگذر برنامه‌ریزی آموزشی جهت یابد."^۱ همان‌طور که در دیباچه این سازمان آمده که: «جنگ‌ها نخست در اذهان بشر آغاز می‌شود و لذا دفاع از صلح نیز باید نخست در اذهان انسان‌ها شکل بگیرد.»^۲

پس رسالت اصلی یونسکو رسالتی اخلاقی است که تأمین کننده صلح و امنیت بشری از طریق همکاری فکری و معنوی است. یونسکو از بدو تأسیس، بیشتر جایگاه بحث و تبادل نظر نخبگان علمی، فرهنگی و روشنفکران جهان قلمداد می‌شود، جایگاهی که اندیشمندان و دانشمندان در آن به هم‌اندیشی و مشورت درباره راه‌های تحقق صلح و امنیت پایدار می‌پردازند و با تأکید بر عرصه‌های فرهنگی و آموزشی سعی دارند یونسکو را به آزمایشگاه عقاید و تدوین کننده استانداردها تبدیل کنند تا توافقات جهانی درباره موضوعات رو به تزاید اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی را پیش ببرند و از این طریق است که یونسکو با توسل به توافقات جهانی درباره موضوعات مذکور و ایجاد تعامل و گفتگو میان ملت‌ها، آن‌ها را به لحاظ فرهنگی و اجتماعی به هم نزدیک و حتی وابسته می‌کند و از وقوع جنگ و به مخاطره افتادن صلح و امنیت جلوگیری می‌کند. این مهم دربند یکم ماده یک اساسنامه آن سازمان نیز درج گردیده است. آنجا که می‌گوید:

۱- دهشیری، محمدرضا، یونسکو از مذاکره تا تصمیم‌گیری، تهران- شرکت انتشارات علمی و فرهنگی- سال ۱۳۸۸، ص ۱۸.

۲- نادری قطب‌الدینی، منبع پیشین، ص ۲۰۱.

"سازمان بر آن است تا با نزدیک‌تر کردن همکاری بین ملل از طریق آموزش، علم و فرهنگ، در صلح و امنیت مشارکت داشته باشد و به این ترتیب احترام به عدالت، قانون، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان پیش‌بینی شده در منشور ملل متحد را بدون تبعیض و در نظر گرفتن نژاد، جنسیت، زبان یا مذهب تضمین کند."

واضح است که هدف اساسی این سازمان کمک به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و ارتقاء روابط بین‌المللی میان کشورهای عضو از طرق مختلف به‌ویژه از طریق فرهنگی و آموزشی است. فرهنگ مایه اصلی مباحثه‌های مربوط به هویت، انسجام اجتماعی است. احترام به تنوع فرهنگی، بردباری، گفتگو و همکاری در محیطی از اعتماد متقابل و تفاهم از مهم‌ترین عناصر تضمین‌کننده صلح و امنیت بین‌المللی است^۱ که این مهم از اصلی‌ترین اهداف یونسکو می‌باشد. در واقع علت اصلی ایجاد این سازمان «تأسیس سازمانی با هدف نهادینه ساختن فرهنگ صلح به معنای واقعی کلمه است»^۲

آرمان صلح در جوامعی دست‌یافتنی است که همبستگی و پیشرفت خود را در حالی تأمین کنند که حقوق بشر را مراعات، ساختارهای دموکراتیک را برقرار و توسعه را به تعهد مشترک مبدل کرده‌اند. در این خصوص یونسکو نیروی ذهن بشر را در رسیدن به هدف بسیج می‌نماید. بر این اساس، در آن سازمان بر خلاقیت انسان در اکتساب، انتقال و گردآوری دانش که کلید هر روند رهایی‌بخش فردی و جمعی است، سرمایه‌گذاری می‌شود.^۳

رسالت یونسکو بیش از هر چیز اخلاقی است و با روح و روان انسان‌ها سروکار دارد و مأموریت دارد که در مقام سازمانی برای همکاری فکری بین‌المللی خدمت کند و از این طریق به نزدیک کردن ملت‌ها به لحاظ فرهنگی تلاش نماید. این سازمان جهت مقابله با فرهنگ جنگ، اصولی مثل اصول آزادی، عدالت و دموکراسی، تساهل و همبستگی و رعایت حقوق بشر را شالوده فرهنگ صلح قرار داده است. فرهنگی که مدنظر این سازمان است، فرهنگ همزیستی مسالمت‌آمیز است که براساس آن هرگونه خشونت‌گرایی طرد شده و

۱- کمیسیون ملی یونسکو- ایران، پاییز ۱۳۹۰، ص ۲.

۲- نوروزیان، منبع پیشین، ص ۱.

۳- مژگان‌پور، جلال، جایگاه یونسکو در تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل، پایان‌نامه اخذ مدرک کارشناسی ارشد به استاد راهنمایی دکتر فضل‌الله موسوی دانشگاه تهران، سال ۱۳۷۶، ص ۳۸.

گفتگو و مذاکره جانشین آن می‌شود، به گونه‌ای که با مذاکره و گفتگو صلح جاودان به جامعه بشری بازگردد.

به عبارت دیگر، هدف سازمان مشارکت در تأمین صلح و امنیت جهانی به واسطه پیشبرد همکاری ملت‌ها در زمینه‌های آموزشی، علمی و فرهنگی است که رفاه عمومی بشریت را جایگزین وحشت همیشگی انسان از نابودی حیات و حیثیتش می‌نماید. صلح مورد نظر این سازمان، اتحاد و تلاش هماهنگ مردم آزاد برای کسب امنیت و خوش‌بختی می‌باشد.



فصل اول

آشنایی با سازمان یونسکو
و تاثیر اقدامات آن بر صلح
و امنیت بین المللی

صلح و آرامش و زیستن در محیطی دوستانه و سرشار از امنیت و آسایش، از دیرباز جزو آمال و آرزوهای بشریت بوده که در برهه‌های مختلف تاریخی و به دست سودجویان و طمع‌خواران خدشه‌دار شده است. ستیزه‌هایی که پس از پایان جنگ سرد پدید آمده‌اند، پیامدهای جدید آزادی نیستند بلکه در پاسخ به بیدادها و ستم‌های پیشین سر بر آورده‌اند.^۱ جهل و عدم اطلاع ملل از طرق و ترتیبات زندگی یکدیگر در تمامی ادوار تاریخی بشر موجب سوءظن‌ها و عدم اعتمادهایی بین آنها بوده که غالباً باعث شده اختلافات میان آنها، منجر به جنگ شود.^۲ این سوءظن‌ها و دیگر ناپذیری‌ها و نفرت‌ها، نه تنها در خلال چندین دهه بلکه چندین سده شکل گرفته‌اند. اما در این کشمکش‌های مسلحانه و جنگ‌های سال‌های اخیر، بشر مهارت تازه‌ای را برای حل ستیزها و ایجاد صلح از خود نشان داده است؛ ابتکار صلح را می‌توان به کمک گفتگو، میانجی‌گری‌ها و مذاکرات از پیش برد نه با زور و جنگ.

گسترده صدمات انسانی و خساراتی مالی جنگ جهانی دوم نه تنها برای اروپائیان بلکه برای جهانیان به حدی بالا بود که همه دولت‌ها در تلاش جستجوی راه‌هایی جهت جلوگیری از وقوع دوباره جنگ و برقراری صلح بودند. مذاکرات و گفتگوی میان ملت‌ها برای نیل به صلح بالاخره با تصویب اساسنامه سازمان ملل متحد به ثمر نشست و یک سازمان بین‌المللی با هدف اولیه و اساسی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به وجود آمد. سازمانی که در نوع خود بی‌نظیر است. اما از آنجا که صلح مبتنی بر قراردادهای اقتصادی و سیاسی دولت‌ها، نمی‌تواند از پشتیبانی و حمایت همگانی پایدار و صمیمی مردم برخوردار باشد؛ لذا شالوده چنین صلحی می‌بایست بر همبستگی فکری و اخلاقی بشریت استوار باشد. در همین راستا سازمان

۱- فدریکو مایور، آموزش مسئولیتی همگانی، مجله پیام یونسکو، شماره ۳۴۱، سال سی‌ام، اسفند ۱۳۷۱، ص ۷.

۲- صمصامی، غلامعلی، سازمان ملل متحد و موسسات تخصصی بین‌المللی، انتشارات تابان، تهران، ۱۳۳۱، ص ۷۹.

ملل متحد در چارچوب منشور خود اقدام به تأسیس سازمان یونسکو، به‌عنوان یکی از موسسات تخصصی خود نمود.

یونسکو (UNESCO)^۱، سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد، یکی از مهمترین نهادهای تخصصی ملل متحد در زمینه علمی و فرهنگی است. تأسیس و شکل‌گیری این سازمان به کنفرانسی برمی‌گردد که در آن نماینده ۴۴ کشور، طی فراخوان مشترکی که توسط دولت‌های بریتانیای کبیر و فرانسه انجام شده بود، در ۱۶ نوامبر سال ۱۹۴۵ میلادی در شهر لندن گرد هم آمدند و اساسنامه آن را تنظیم کردند.^۲ اساسنامه مزبور با امضای کشور یونان در تاریخ ۴ نوامبر ۱۹۴۶ یعنی یکسال بعد، به‌عنوان بیستمین کشور امضاء کننده الزام‌آور شده و یونسکو متولد شد. این سازمان در حال حاضر بیشتر از سازمان ملل متحد که نقش سازمان مادر را برای آن دارد، دارای عضو می‌باشد و دارای ۱۹۵ عضو می‌باشد.^۳

مقدمه اساسنامه یونسکو به کرات به‌عنوان نماد تفکر اصلی سازمان و انجام فعالیت‌های آن مورد استناد قرار می‌گیرد و اشعار می‌دارد: «از آنجایی که جنگ‌ها در اذهان مردم به وجود می‌آید، دفاع از صلح نیز باید در ذهن مردم بنا گردد». همچنین مقدمه اساسنامه یونسکو بر همبستگی معنوی و اخلاقی بشریت برای برقراری صلح تکیه می‌کند و می‌خواهد که از طریق ایجاد روابط تربیتی، علمی و فرهنگی ملل جهان در جهت درک متقابل و معرفت واقعی‌تر و کامل‌تر از یکدیگر به اهداف صلح بین‌المللی و رفاه بشریت کمک نماید.^۴ اساسنامه یونسکو صراحت دارد که براساس تجربه بشر، تنها تمهیدات سیاسی و اقتصادی برای ایجاد صلح پایدار و آنچه لازمه عدالت و کرامت انسانی است، کفایت نمی‌کند. از این رو کلیه برنامه‌های یونسکو باید در راستای ساختن صلح در اذهان انسان‌ها به‌ویژه از رهگذر برنامه‌ریزی آموزشی صورت پذیرد. براساس نتایج بررسی‌های یونسکو، جهان نیاز فوری به یافتن دیدگاهی جهانی درباره موضوع‌های توسعه پایدار مبتنی بر رعایت حقوق بشر، احترام

1 - United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.

2 - Federico Mayor, "The role of UNESCO in the construction of peace", UNESCO Lib, pp 1-3, at 1.

۳- نادری قطب‌الدینی، عباس و حمید زنگنه، یونسکو، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۹.

۴- مصفا، نسرين، سازمان ملل متحد و حصول همکاری‌های اجتماعی، فرهنگی بین‌المللی، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۰، صص ۸۴ و ۸۵.

متقابل و زدودن فقر دارد. از این رو، یونسکو باید این موارد را در رأس رسالت‌ها، فعالیت‌ها و برنامه‌های خود قرار دهد.^۱

یونسکو با توجه به زمینه‌های وسیع فعالیت، یکی از مهمترین موسسات نظام ملل متحد است که به علت موضوع اصلی کاری خود یعنی «فرهنگ»، مفهومی موسع، پیچیده و پرچالش در عرصه علوم اجتماعی، همواره محل برخورد آراء و عقاید، دیدگاه‌ها و موضع‌گیری‌های متفاوت دولت‌ها و مردم بوده است. یونسکو در زمینه‌های آموزش، فرهنگ، علوم، علوم انسانی و اجتماعی، و ارتباطات با شاخه‌های گسترده‌تر در هر کدام فعال است و در طلب آن است که از طریق ترویج همبستگی اجتماعی، تقویت کثرت‌گرایی اجتماعی، گفتگوی میان فرهنگی از طریق ایجاد روابط علمی، تربیتی و فرهنگی دولت‌ها و ملل جهان به اهداف اساسنامه که همانا صلح و امنیت بین‌المللی است، کمک کند. این سازمان در حال حاضر نه تنها ابزاری برای همکاری میان دولت‌ها و همچنین نظام ملل متحد است، بلکه از سازوکار ویژه خود یعنی «کمیسیون‌های ملی یونسکو» برای ارتباط با مردم و جوامع علمی و فرهنگی برای تحقق هدف خود، بهره می‌جوید.

ماده یک اساسنامه صراحت دارد که هدف یونسکو، کمک به صلح و امنیت در جهان از طریق ترویج تشریک مساعی میان ملل در امور تعلیم و تربیت و علوم و فرهنگ به منظور تقویت احترام جهانی به عدالت، حاکمیت قانون، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی می‌باشد که به موجب منشور ملل متحد برای مردم جهان بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، یا مذهب مورد تأیید قرار گرفته است.

در این فصل برآنیم تا به معرفی سازمان یونسکو، نحوه شکل‌گیری آن و ارکان آن، حوزه فعالیت‌ها و اهم اقدامات آن بپردازیم.

۱- دهشیری، محمدرضا، یونسکو از مذاکره تا تصمیم‌گیری، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۸، ص ۱۸.

مبحث اول: بررسی شکل‌گیری یونسکو و تشکیلات آن

سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد، یونسکو، به‌منظور ایجاد صلح پایدار از طریق همبستگی فکری و معنوی انسان‌ها در سال ۱۹۴۵ به‌وجود آمد. این سازمان که اندیشه‌های ایجاد تأسیس آن به قبل از جنگ جهانی اول برمی‌گردد که برای اولین بار در اندیشه‌های «کمینیوس» و توصیه‌ها و آراء «هرمن مولکنبیر» مطرح شد، بعد از جنگ جهانی دوم و در تاریخ ۱۶ نوامبر ۱۹۴۵ در فراخوان مشترکی که به دعوت کشورهای بریتانیای کبیر و فرانسه در شهر لندن برگزار شده بود، تأسیس شد. این سازمان دارای ۳ رکن اصلی می‌باشد که عبارتند از:

۱- کنفرانس عمومی: که نمایندگان کلیه کشورها در این کنفرانس دارای نماینده می‌باشند. این رکن برنامه‌ها و بودجه سازمان را تعیین می‌کند و هر ۲ سال یکبار تشکیل جلسه می‌دهد.

۲- شورای اجرایی: شورای اجرایی یا به عبارتی شورای اداری یونسکو، مقدمات کار کنفرانس عمومی را تهیه و بر اجرای کامل تصمیمات کنفرانس عمومی نظارت می‌کند. این شورا سالانه ۲ بار تشکیل جلسه می‌دهد و از نمایندگان ۵۱ کشور عضو تشکیل می‌شود که توسط کنفرانس عمومی، با توجه به تنوع جغرافیایی و فرهنگی، انتخاب می‌شود.^۱

۳- دبیرخانه، که مسئول اجرای برنامه‌های یونسکو بوده و شامل دبیرکل و کارکنان می‌باشد. دبیرکل که مدیر اجرایی سازمان می‌باشد، توسط کنفرانس عمومی و براساس توصیه‌های شورای اجرایی برای مدت ۶ ساله انتخاب می‌شود.

گفتار اول: چگونگی شکل‌گیری یونسکو

همانطور که قبلاً ذکر شد، ایده شکل‌گیری یونسکو به قبل از جنگ جهانی اول برمی‌گردد. در واقع شکل‌گیری یونسکو به سه دوره تقسیم می‌شود:

- ۱- پیش از جنگ جهانی اول
- ۲- دوران بین دو جنگ جهانی
- ۳- دوران بعد از جنگ جهانی دوم

۱- نوروزیان، مهدی، آشنایی با سازمان آموزشی علمی و فرهنگی ملل متحد، مجله رهیافت، شماره ۳۴، سال ۱۳۸۳، ص ۷۷.

بند اول: پیش از جنگ جهانی اول

ایده تأسیس یک سازمان آموزشی و فرهنگی با هدف دفاع از صلح و اعتلای تفاهم بین المللی مربوط به قبل از جنگ جهانی اول که برای اولین بار در اندیشه‌های دانشمندانی چون «کمینیوس» و توصیه‌ها و آراء «هرمن مولکنبویر» مطرح شد. «کمینیوس» تشکیل نوعی وزارت بین المللی آموزش را مجسم و وظایف یک «شورای دانش» مرکب از دانشمندان زمان را به منظور اعتلای دانش، صلح و سعادت توصیف کرده بود، که وظیفه داشت اکتشافات علمی گوناگون را بررسی کند و وسایل ترویج آنها را به موثرترین وجه به نفع کلیه انسان‌ها مورد تأکید قرار دهد. همچنین در پایان قرن بیستم، «هرمن مولکنبویر» تأسیس یک شورای دائمی بین المللی آموزش را به منظور ترغیب مربیان سرتاسر جهان به دفاع از صلح و اعتلای تفاهم بین المللی توصیه کرد.^۱ اما نخستین تلاش عملی در مورد تأسیس یک شورای دائمی بین المللی آموزش را باید در اقدامات دولت هلند در سال ۱۹۱۳ جستجو کرد که کشورها را برای شرکت در یک کنفرانس بین المللی در مورد آموزش فراخواند و طرحی برای اساسنامه یک سازمان بین المللی آموزش تدارک دید که این کنفرانس در سال ۱۹۱۳ تشکیل نشد و به سال ۱۹۱۴ موکول شد که در سال ۱۹۱۴ هم به دلیل شروع جنگ جهانی اول منتفی شد.^۲

بند دوم: دوران بین دو جنگ جهانی

با پایان یافتن جنگ جهانی اول و پیدایش جامعه ملل، این تفکر که باید بین کشورهای جهان در امور معنوی و فرهنگی و آنچه با کرامت انسانی سروکار دارد، ارتباط و همراهی و همدلی وجود داشته باشد، قوت گرفت. بر همین اساس، در اولین اجلاس جامعه ملل در نوامبر ۱۹۲۰، ضرورت این همکاری در کنار فعالیت‌های سیاسی دولت‌ها مطرح شد. مجمع عمومی جامعه ملل، پیرو پیشنهاد کشورهای بلژیک، رومانی و ایتالیا، قطعنامه‌ای را به تصویب رساند و براساس آن تلاشی پیگیر را به منظور ایجاد این سازمان در دستور کار خود قرار داد. در سال ۱۹۲۱ به پیشنهاد دولت بلژیک و فرانسه یک «کمسیون همکاری‌های

۱- گاستون میالاره و یال ژان، تاریخ جهانی آموزش و پرورش، ترجمه محمدرضا شجاع رضوی، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۱، جلد دوم، ص ۲۶۱.

۲- موسی‌زاده، رضا، سازمان‌های بین المللی، نشر میزان و نشر دادگستر، چاپ اول، تهران، پائیز ۱۳۷۸، ص ۲۱۳.

علمی» به ریاست «هنری لوئیس برگسون»^۱ در جامعه ملل ایجاد شد که دارای ۱۲ عضو بود و وظیفه داشت به پرسش‌های مربوط به همکاری بین‌المللی پاسخ دهد. انتخاب برگسون و سایر اعضای کمیسیون که از شخصیت‌های علمی و فرهنگی بودند، نشان از اهمیتی داشت که متفکران برجسته آن روز برای همدلی میان اهل علم در زمینه جلوگیری از بروز جنگ و مصائب ناشی از آن قائل بودند. از اولین برنامه‌های این کمیسیون، ایجاد رابطه بین فرهنگستان‌ها و متخصصانی بود که از جنگ آسیب دیده بودند. لزوم و اهمیت ایجاد هماهنگی میان فعالیت‌های گوناگون ملی، منجر به تشکیل کمیته‌های ملی در سطح کشورها شد که این کمیته‌ها وظیفه ایجاد مناسبت‌ها بین مراکز ملی و کمیته بین‌المللی فرهنگی و معنوی را به عهده گرفتند. اما به‌علت کمبود منابع مالی نتوانستند بیش از مکاتبه و گردهمایی سالانه و شرکت در بحثی که عملاً کسی آن را دنبال نمی‌کرد، کاری انجام دهد. در سال ۱۹۲۴، دولت فرانسه در پاسخ به درخواست کمک برگسون و به منظور کمک برگسون و به منظور کمک به مقاصد کمیسیون مذکور، یک «موسسه بین‌المللی همکاری‌های معنوی»^۲ (IIIC) را بنیاد کرد و آن را در اختیار جامعه ملل قرار داد که این مهمترین ارمغان دولت فرانسه به جامعه ملل بود. به دنبال شناسایی موسسه و استقبال موسسات و درخواست آنها در اجلاس‌های موسسه، فعالیت‌های موسسه گسترش چشم‌گیری داشت که این تحولات بازنگری در نحوه همکاری‌های معنوی را ضروری می‌ساخت. سرانجام این موسسه در سال ۱۹۳۱ براساس قطعنامه مجمع عمومی جامعه ملل و با هدف ایجاد ارتباط و همکاری بین‌المللی برای پیشرفت عمومی تمدن و دانش بشری، خصوصاً مبادله علوم، ادبیات و فرهنگ و نیز ایجاد زمینه فکری مساعد برای حل مسالمت‌آمیز مسائل بین‌المللی در چارچوب جامعه ملل موجودیت رسمی یافت که برخی از برنامه‌های پیش‌بینی شده در این موسسه عبارت بودند از: ایجاد تسهیلات برای سفرهای مطالعاتی، تنظیم موافقتنامه‌های چندجانبه معنوی، تخصیص بورس و کمک هزینه‌های تحصیلی.^۳ سرانجام بروز جنگ جهانی دوم، ادامه کار موسسه را متوقف کرد.

1 - Henri-Louis Bergson, 1865-1941.

25- IIIC: International Institute for Intellectual Cooperation.

۳- کمیسیون ملی یونسکو- ایران، گزارش یونسکو و کمیسیون ملی یونسکو در ایران، اسفند ۱۳۷۵، صص ۹

به هر حال جامعه ملل به سبب گرایش دولت‌ها مبنی بر حق تسلط مسلم در درون مرزهای خویش بر فرآیند آموزش و پاسداری از آن، فعالیت‌های آموزشی موسسه را آشکارا در حد پرداختن به موضوعات نظری آموزشی محدود کرد. اما از طرف دیگر پافشاری و اصرار افرادی از آموزشگران و روشنفکران برای ایجاد سازمانی بین‌المللی که همکاری میان کشورها را در زمینه آموزش ترویج نماید، سبب شکل‌گیری اقدامی مستقل شد که تحت عنوان «دفتر بین‌المللی آموزش» به‌عنوان سازمانی غیردولتی در ژنو نمود یافت. اما این دفتر هم به‌دلیل عدم سرمایه‌گذاری کافی ناکام ماند. در خلال دومین جنگ جهانی، فعالیت‌های این دفتر محدود شد و تلاش‌های آن در اقدام انسان‌دوستانه، عرضه کمک‌های فکری به اسیران جنگی ملت‌های جهان تمرکز یافت و روی هم رفته ۶۰۰ هزار جلد از آثار علمی و ادبی را به اردوگاه‌های اسیران جنگی فرستاد. با تشکیل یونسکو، دفتر بین‌المللی آموزش در وضعیتی بهتر قرار گرفت به‌گونه‌ای که در سال ۱۹۴۷ سازمان یونسکو و این دفتر، موافقت‌نامه‌ای را بین خود تنظیم نمودند و در سال ۱۹۴۸، یونسکو تمامی وظایف این دفتر را به‌عهده گرفت.^۱

بند سوم: دوران پس از جنگ جهانی دوم

پس از جنگ جهانی دوم، تلاش‌هایی برای تأسیس یک سازمان جدید بین‌المللی آموزش آغاز شد که دعوت آقای «ریچارد باتلر»^۲ از وزرای آموزش و پرورش کشورهای متفق برای شرکت در کنفرانس لندن و برگزاری نخستین «کنفرانس وزرای آموزش کشورهای متفق»^۳ در سال ۱۹۴۲ با هدف بازسازی نظام آموزشی کشورهانشان بعد از جنگ جهانی دوم نمونه‌ای از آنها بود که این کنفرانس زمینه تأسیس سازمانی برای آموزش و فرهنگ را پی‌ریزی کرد. در آن هنگام، شمار معینی از سازمان‌های مستقل بین‌المللی به تشویق عده‌ای از روشنفکران اروپایی در تبعید، در لندن گردهم آمده بودند و به شناختن صورت‌های مختلف نظام‌های تربیتی که در دنیای بعد از جنگ شکل می‌گرفت، علاقمند شده بودند. تقریباً همه این تلاش‌ها و مباحثات بر لزوم ایجاد یک یا چند سازمان بین‌المللی که شکل و

۱- نادری قطب‌الدینی، منبع پیشین، صص ۵ و ۶.

2 - Richard A. Butler.

3 - Conference of Allied Ministers of Education (CAME).

یا اشکال مختلف تربیتی را قبول کنند و بر سازمان‌های دولتی تأثیر فراوانی داشته باشند، تأکید می‌کردند.^۱

فعالیت کنفرانس وزرای آموزش کشورهای متفق توجه روزافزون کشورهای جهان را به سوی خود معطوف داشت. به‌گونه‌ای که در سال ۱۹۴۳ چندین نشست داشت. در اواخر سال ۱۹۴۳، کنفرانس تصمیم گرفت تا به بسط و تطبیق قانون مشارکت کامل حقوقی در کشورهایی که هنوز به کنفرانس معرفی نشده و فقط ناظر جریان آن بودند بپردازند. لذا کنفرانس در دعوت نامه‌ای که برای آمریکا فرستاد، اعلام کرد که یکی از مسائل ملموس کنفرانس، رویارویی با بنیانگذاران سازمانی است که در آینده باید به‌طور دائمی زیر پوشش یک شخصیت عام و کلی قرار بگیرد و مبلغ اعتلای همکاری‌های بین‌المللی در مسائل تربیتی بعد از جنگ باشد. این دعوت با پذیرش ایالات متحده آمریکا واقع شد. دولت آمریکا در پاسخ خود تأکید کرد که کنفرانس وزیران آموزش کشورهای متفق، یک امر مهم و مقدماتی را به انجام رسانده و در ترغیب همکاری‌های بین‌المللی به‌منظور تجدید بنای آموزش و فرهنگ، نقشی مفید داشته است و دولت‌های علاقمند باید برای بنیانگذاری یک سازمان تربیتی و فرهنگی طبق قواعد دموکراسی، تشریک مساعی کنند.^۲

ایالات متحده که در کنفرانس ۱۹۴۲ شرکت نکرده بود، در کنفرانس ۱۹۴۴ شرکت نمود و با پیشنهادهایی در مورد سازمان ملل متحد برای تجدید بنای تربیتی و فرهنگی وارد لندن شد. در مجموع واکنش‌ها نسبت به پیشنهادات ایالات متحده مساعد بود، اما لازم بود که کنفرانس «دمبارتن اوکس»^۳ این پیشنهادها را تنفیذ کند. کنفرانس «دمبارتن اوکس»، وثیقه‌ای احتیاطی برای تحقق آرمان تشکیل یک سازمان تربیتی و فرهنگی بود. اما هنگامی که منشور سازمان ملل متحد در آستانه تصویب نهایی بود، همه چیز به کنفرانس «سانفرانسیسکو»^۴ وابسته شد. این کنفرانس در پایان کار خود نه تنها منشور سازمان ملل متحد را مورد تصویب قرار داد، بلکه به پیشنهاد فرانسه، برگزاری کنفرانسی عمومی برای ایجاد سازمانی بین‌المللی در زمینه «همکاری‌های فکری و معنوی» را توصیه کرد. واژه‌های

1 - Peter Lengyel, International Social Science: The UNESCO Experience, Transaction Books: New Brunswick (USA) and Oxford (UK) 1986, First Edition P. P 8-9.

۳۱- نادری قطب‌الدینی، منبع پیشین، ص ۷.

32- Dumbarton Aoks Conference.

33-San Francisco Conference.

این پیشنهاد، نمایانگر تمایل فرانسه نسبت به احیاء و تجدید «موسسه بین المللی همکاری های معنوی» و ادامه فعالیت های آن به عنوان سازمانی جدید بود.^۱ سرانجام گردهمایی تأسیس یونسکو از یکم تا شانزدهم نوامبر ۱۹۴۵ با شرکت ۴۴ کشور در لندن و طی فراخوان مشترکی که دولت های بریتانیای کبیر و فرانسه انجام داده بودند، برگزار گردید.^۲ کشور ایران نیز یکی از شرکت کنندگان در این کنفرانس بود. در این کنفرانس علاوه بر نمایندگان کشورها، نمایندگان سازمان های بین المللی از جمله سازمان بین المللی کار، کمیسیون همکاری علمی جامعه ملل، اتحاد پان آمریکن، دفتر بین المللی تعلیم و تربیت و موسسه بین المللی همکاری های معنوی نیز حاضر بودند.^۳ ریاست این کنفرانس را آقای «الن ویلکنسون»^۴، وزیر آموزش بریتانیا بر عهده داشت. آقای «کلمنت اتلی» نخست وزیر بریتانیا در نطق افتتاحیه خود چنین اظهار داشتند که: «امروز مردم جهان همانند جزایی هستند که از ورای اقیانوس های عدم تفاهم یکدیگر را می خوانند... یک ضرب المثل قدیمی هست که می گوید: تو خود را بشناس، اما از این پس باید گفت که همسایه خود را بشناس و تمامی مردم جهان همسایه ما هستند.»^۵

دولت آمریکا که از دول با نفوذ در این کنفرانس بود، بیشتر به تأسیس یک سازمان صرفاً آموزشی^۶ با هدف بازسازی مراکز آموزشی نظر داشت. اما دیری نپایید که فرهنگ^۷ نیز به عنوان بخشی از برنامه های این سازمان در نظر گرفته شد. همچنین شایان ذکر است که در لوایح اولیه ای که به این کنفرانس فرستاده شده بود، نامی از «علم» به عنوان یکی از حوزه های صلاحیت این سازمان آورده نشده بود، اما اصرار برخی دانشمندان به خصوص «ژوزف نیدهام» و «جولیان هاکسلی»، واقعه بمباران اتمی هیروشیما به موازات این ها، توجه

۱- میشل کونیل لاکوست، چهل و پنج سال فعالیت یونسکو، بخش اول، مجله پیام یونسکو، سال ۲۳، شماره ۲۵۷، آبان ۱۳۷۰، ص ۴.

2- Federico Mayor, I bid, p1.

۳- مشیر سلیمی، علی اکبر، کمیسیون ملی یونسکو در ایران و خدمات فرهنگی آن، انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران، تهران، اردیبهشت ۱۳۷۷، ص ۲.

4-Ellen Wilkinson, 1891-1947.

۵- مشیر سلیمی، علی اکبر، چهل و پنج سال فعالیت یونسکو، بخش اول، کمیسیون ملی یونسکو-ایران، ۱۳۷۸، ص ۴.

6- Educational.

7 - Culture.

اذهان بشری به نقش مهم یافته‌های علمی در حیات بشری باعث شد تا حرف S به نمایندگی از صلاحیت «علمی»^۱ در نام این سازمان گنجانده شود تا تأکیدی باشد بر مسئولیت دانشمندان در قبال جوامع بشری.^۲ در سومین نشست کامل، بالاخره علامت اختصاری UNESCO به تصویب نهایی رسید. این کنفرانس، در ۱۶ نوامبر ۱۹۴۵، در مورد تأسیس یک سازمان آموزش و علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)، معاهده را به امضا رساند. بدین ترتیب، سازمان یونسکو با هدف کمک به صلح و امنیت بین‌المللی از طریق ترویج تشریک مساعی میان ملل در امور تعلیم و تربیت و علوم و فرهنگ، فعالیت خود را آغاز نمود.

در واقع در روز ۱۶ نوامبر، اساسنامه یونسکو توسط ۳۷ کشور به امضا رسید و تصویب‌نامه نهایی توسط ۴۴ کشور به امضا رسید.^۳ در این کنفرانس رقابت سختی بین بریتانیا و فرانسه برای تعیین مقر دائمی این سازمان درگرفت که نهایتاً فرانسه توانست بحث را به سود خود پایان دهد و نتیجتاً شهر پاریس به‌عنوان مقر دائمی این سازمان در نظر گرفته شد. همچنین در نخستین اجلاس شورای اجرایی، آقای «جولیان هاکسلی» از کشور بریتانیا به‌عنوان نخستین دبیرکل سازمان انتخاب شد و بدین ترتیب سازمان آموزشی و علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو) شروع به کار خویش را آغاز نمود.

گفتار دوم: تشکیلات یونسکو و نحوه رأی‌گیری در این ارکان

طبق ماده ۱ اساسنامه سازمان، هدف یونسکو کمک به استقرار صلح و امنیت در جهان از طریق ترویج تشریک مساعی میان ملل در امور تعلیم و تربیت و علوم و فرهنگ و همچنین تقویت احترام جهانی به عدالت، حاکمیت قانون، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی می‌باشد. لازم به ذکر است که این اهداف نیز به‌موجب منشور ملل متحد برای مردم جهان بدون تمایز

1- Scientific.

۲- مشیر سلیمی، علی‌اکبر، گزارش همایش آشنایی با یونسکو، کمیسیون ملی یونسکو در ایران و بررسی راه‌های همکاری آنها، ۱۳۸۷، ص ۳۸.

۳- البته شایان ذکر است که آقای «فدریکو مایور»، دبیرکل سابق یونسکو، در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش یونسکو در ساختار صلح» در صفحه ۱، تعداد کشورهای امضا کننده تصویب نامه نهایی را ۴۴ کشور ذکر کرده است، اما سایر نویسندگان از جمله آقایان عباس نادری قطب‌الدینی و حمید زنگنه در کتاب یونسکو، چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۲، در صفحه ۹ تعداد این کشورها را ۴۱ کشور ذکر کرده است.

از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب مورد تأیید قرار گرفته است.^۱ یونسکو در راستای اجرای اهدافش، دارای ساختار و تشکیلاتی می‌باشد که این اهداف به وسیله این ارکان اجرا می‌شود. که این ارکان عبارتند از:

۱- کنفرانس عمومی

۲- شورای اجرایی

۳- دبیرخانه.

بند اول: کنفرانس عمومی

کنفرانس عمومی مرکب از نمایندگان دول عضو، اعضای وابسته، ناظران دول غیرعضو، سازمان‌های بین‌الدولی و سازمان‌های غیردولتی است که هر ۲ سال یک بار تشکیل می‌شود.^۲ مطابق بند ۱ ماده ۱۴ اساسنامه یونسکو: «کنفرانس عمومی از نمایندگان دول عضو سازمان تشکیل می‌شود. هر یک از دول عضو پس از مشورت با کمیته ملی، در صورت وجود آن، یا با موسسات و هیأت‌های آموزشی، علمی و فرهنگی، حداکثر ۵ عضو انتخاب می‌کند.»^۳ کنفرانس عمومی در راستای اجرای اهداف اصلی یونسکو دارای یک سری وظایف می‌باشد که این وظایف مطابق قسمت «ب» ماده ۴ اساسنامه سازمان از این قرار است:

۱- کنفرانس عمومی خط‌مشی و جهت کلی حرکت سازمان را تعیین و نظر خود را درباره برنامه پیشنهادی شورای اجرایی ابراز می‌کند.

۲- در صورت لزوم، کنفرانس عمومی، طبق مقرراتی که خود وضع کرده است، کنفرانس‌های بین‌المللی دولت‌ها را در مورد آموزش، علوم، مسائل انسانی و یا نشر دانش تشکیل می‌دهد. کنفرانس عمومی و یا شورای اجرایی مطابق مقررات کنفرانس عمومی می‌توانند کنفرانس‌های غیردولتی با موضوعات مشابه تشکیل دهند.

۳- هنگام اعلام‌نظر در مورد تصویب طرح‌های پیشنهادی به دول عضو، لازم است کنفرانس عمومی توصیه‌های ارائه شده به کشورهای عضو را از کنوانسیون‌های بین‌المللی - که باید به تصویب اعضا برسد - جدا کند. در مورد اول، تنها اکثریت ساده کفایت می‌کند؛ در مورد دوم،

۱- موسی‌زاده، منبع پیشین، ص ۲۱۴.

۲- مصفا، منبع پیشین، ص ۸۶.

۳- اساسنامه تأسیس سازمان یونسکو، بند ۱ ماده ۴.

دو سوم آرا لازم است. هر کدام از اعضا پیشنهادها یا کنوانسیون‌ها را در ظرف یکسال از تاریخ خاتمه اجلاس کنفرانس عمومی که طی آن تصویب شده‌اند، به مقامات صلاحیت‌دار کشور خود ارائه می‌دهد.

۴- با توجه به مفاد بند «ج» شماره ۶ ماده پنج^۱، طبق شرایط و روند تعیین شده از سوی مقامات صلاحیت‌دار دو سازمان^۲ کنفرانس عمومی در زمینه‌های آموزشی، علمی، فرهنگی و مسائل مورد علاقه ملل متحد، طرف مشورت سازمان ملل متحد قرار می‌گیرد.

۵- کنفرانس عمومی گزارش‌های دول عضو به سازمان را مورد پی‌گیری‌های پیشنهادها و کنوانسیون‌های مورد نظر بند ۴ بالا، و یا اگر بخواهد خلاصه تحلیلی از این گزارش‌ها را دریافت و بررسی می‌کند.

۶- کنفرانس عمومی، اعضای شورای اجرایی را برمی‌گزیند و با معرفی شورای اجرایی، کنفرانس عمومی مدیر کل را نیز منصوب می‌کند.

در واقع کنفرانس عمومی عالیترین مرجع تصمیم‌گیری یونسکو است که همانطور که در اساسنامه آورده شده است با شرکت نمایندگان کشورهای عضو سازمان‌های وابسته به ناظران بین‌المللی به‌منظور تعیین سیاست‌ها و خط‌مشی‌های سازمان و موارد دیگری که در اساسنامه تعیین شده، تشکیل می‌شود.^۳ از دیگر وظایف کنفرانس عمومی، تنظیم برنامه‌ها و بودجه سازمان است. همچنین کنفرانس عمومی، اعضای شورای اجرایی را برای مدت ۴ سال و مدیر کل سازمان را برای مدت ۶ سال انتخاب می‌نماید. مصوبات کنفرانس در ارتباط با کنوانسیون‌ها به دو سوم اکثریت آرا نیاز دارد در حالی که در مورد توصیه‌نامه‌ها و اعلامیه‌ها اکثریت ساده کافی است.^۴

آئین کار کنفرانس عمومی بدین ترتیب است که اجلاس عادی کنفرانس عمومی هر ۲ سال یکبار تشکیل می‌شود. با فراخوان کنفرانس عمومی یا با فراخوان شورای اجرایی و یا

۱ - طبق بند «ج» شماره ۶ ماده پنج اساسنامه یونسکو: «در فاصله دو اجلاس عادی کنفرانس عمومی، شورا می‌تواند نقش مشورتی در سازمان ملل پیش‌بینی شده در بند ۵ ماده چهار را ایفا نماید. به شرط آنکه موضوع مورد مشورت اساساً در کنفرانس عمومی مطرح شده باشد یا راه حل ارائه شده در تصمیم‌گیری‌های کنفرانس دخیل باشد.»

۲- منظور از دو سازمان، سازمان ملل متحد و سازمان یونسکو می‌باشد.

۳- کمیسیون ملی یونسکو- ایران، آشنایی با کمیسیون ملی یونسکو- ایران- دیماه ۱۳۸۷- ص ۵.

۴- مصفا، منبع پیشین، ص ۸۶.

درخواست حداقل یک سوم دول عضو، اجلاس فوق العاده نیز تشکیل خواهد شد. اجلاس عادی کنفرانس عمومی معمولاً در مقر یونسکو در پاریس و با شرکت هیأت‌های نمایندگی کشورها و سازمان‌های وابسته تشکیل می‌شود و بنا به رویه جاری ۳ هفته به طول می‌انجامد. اما چنانچه کنفرانس عمومی خواستار برگزاری اجلاس فوق العاده باشد، محل برگزاری آن را خود مشخص می‌کند در غیر اینصورت شورای اجرایی این کار را انجام می‌دهد.^۱ در کنفرانس عمومی هر عضو تنها یک رأی دارد. در تصمیم‌گیری‌های عادی اکثریت ساده کافی است اما در مواردی مانند ذیل، اکثریت دو سوم رای دهندگان لازم است:

- ۱- پذیرش اعضای جدید غیرعضو سازمان ملل متحد، طبق پیشنهاد شورای اجرایی،
 - ۲- پذیرش اعضای پیوسته،
 - ۳- تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی که برای تصویب از سوی دول عضو تصویب می‌شوند،
 - ۴- پذیرش ناظرانی از سوی سازمان‌های غیردولتی یا نیمه دولتی،
 - ۵- اضافه کردن اصلاحات و تبصره‌هایی به اساسنامه، و
 - ۶- تصویب مقررات حاکم بر روند کار انجام اصلاحات در اساسنامه.
- در این مورد اکثریت دو سوم اعضای حاضر و رأی دهنده لازم است.^۲ همچنین عضویت در یونسکو منوط به نظر موافق شورای اقتصادی اجتماعی و موافقت دو سوم اعضای شرکت کننده در کنفرانس عمومی است. هر دولت عضو هم می‌تواند با یک پیش آگهی یکساله از سازمان خارج شود. به عنوان مثال، به دلیل سیاست‌های مستقل یونسکو نسبت به قدرت‌های بزرگ، ایالات متحده در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۸۴ و دولت انگلستان و سنگاپور یک سال بعد در ۳۱ دسامبر ۱۹۸۵ از عضویت یونسکو خارج شدند.^۳

بند دوم: شورای اجرایی

شورای اجرایی، مهم‌ترین رکن سازمان پس از کنفرانس عمومی است. فعالیت‌های شورای اجرایی زیر نظر کنفرانس عمومی انجام می‌شود و لذا شورا در مقابل اجرای برنامه‌های مصوبه کنفرانس عمومی مسئول است. همچنین شورا، مسئولیت نظارت بر برنامه‌های مصوب

۱- نادری قطب‌الدینی، منبع پیشین، صص ۱۶ و ۱۷.

۲- در اینجا اعضای که دارای رأی ممتنع هستند، رأی دهنده محسوب نمی‌شوند. بلکه فقط اعضا دارای رأی مثبت و منفی رأی دهنده محسوب می‌شوند.

۳- موسی‌زاده، منبع پیشین، ص ۲۱۴.

کنفرانس عمومی را توسط مدیر کل برعهده دارد. به عبارت دیگر، مدیر کل نسبت به اجرای مطلوب برنامه‌ها در مقابل شورای اجرائی مسئول و پاسخگو است. شورا سالانه ۲ بار در فصل‌های بهار و پائیز تشکیل جلسه می‌دهد.

شورای اجرایی از ترکیب ۵۱ عضو تشکیل می‌شود که کنفرانس عمومی از میان نمایندگان دولت‌های عضو انتخاب می‌کند. هر چند اساسنامه اولیه یونسکو پیش‌بینی کرده بود که اعضای شورای اجرایی نماینده دولت‌های متبوع خود نخواهند بود و به نمایندگی از طرف کنفرانس عمومی در شورا فعالیت خواهند داشت، اما در سال ۱۹۵۴ اساسنامه شورا به پیشنهاد ایالات متحده تغییر کرد و از آن پس اعضای شورا به نمایندگی از طرف دولت‌های متبوع خویش در شورا شرکت می‌کنند.^۱ اصلاح اساسنامه موجب این تأسف شد که شورای اجرایی به جای اینکه انجمنی از شخصیت‌های علمی برجسته جهان باشد، به صورت مجمعی بین‌الدولی درآمد.^۲

هر یک از اعضا و شورای اجرایی، نماینده دولت کشوری هستند که آنها تبعه آن کشور هستند. همچنین رئیس کنفرانس عمومی به اعتبار سمت و مقامی که دارد به عنوان مشاور در شورای اجرایی حضور می‌یابد. کنفرانس عمومی در انتخاب اعضاء شورای اجرایی کوشش به عمل خواهد آورد که شورا شامل اشخاصی باشد که در قلمرو هنر، ادبیات، علوم، تربیت و نشر افکار صلاحیت داشته و برای انجام وظایف اداری و اجرایی شورا دارای تجربه باشند. همچنین کنفرانس عمومی باید تنوع فرهنگ‌ها و تقسیم عادلانه جغرافیایی را مورد توجه قرار دهد. هیچ‌گاه در یک زمان، بیش از یک نفر از اتباع یک کشور عضو نمی‌تواند انتخاب شود با این حال رئیس کنفرانس از این حیث مستثنی است.^۳ شورای اجرایی وظایف دیگری را پی آمد موافقت‌نامه‌های یونسکو با سازمان ملل متحد، کارگزاری‌های تخصصی و دیگر سازمان‌های بین‌الدولی انجام می‌دهد.^۴

۱- همان، ص ۲۱۵.

۲- کلییار، کلود آلبر، سازمان‌های بین‌المللی از آغاز تا به امروز (همبستگی بین‌المللی) ترجمه هدایت الله فلسفی، نشر فاخته، تهران ۱۳۷۱، ص ۶۲۷.

۳- اساسنامه تأسیس سازمان یونسکو، بندهای ۱ و ۲ قسمت الف ماده ۵.

۴- مصفا، منبع پیشین، صص ۸۶ و ۸۷.

بند سوم: دبیرخانه

سومین رکن اصلی یونسکو، دبیرخانه است که مرکب از دبیرکل و تعداد زیادی از کارمندان بین‌المللی است. دبیرخانه یونسکو در سال ۱۹۴۶ با ۶۰۰ نفر پرسنل کار خود را آغاز نمود. گسترش فعالیت‌های یونسکو در سال‌های بعد موجب افزایش تعداد کارکنان شد.^۱ دبیرکل یونسکو در رأس دبیرخانه دائمی قرار گرفته که بیش از ۲۵۰۰ کارمند بین‌المللی در آن به کار اشتغال دارند و براساس معیارهای جغرافیایی بسیار گسترده به استخدام سازمان درآمده‌اند.^۲ مدیرکل که به پیشنهاد شورای اجرایی و تصویب کنفرانس عمومی برای مدت ۶ سال انتخاب می‌شود، مسئول اجرای برنامه‌های یونسکو است.

علاوه بر ارکان فوق‌الذکر، اساسنامه یونسکو به منظور همکاری‌های آموزشی، علمی و فرهنگی اهل علم و دانش کشورها، تشکیل کمیسیون‌های مرکب از نمایندگان دولت‌ها، سازمان‌های غیردولتی و دانشجویان ممتاز را توصیه می‌کند.^۳ همچنین یونسکو دارای دفاتر منطقه‌ای و کمیسیون‌های ملی نیز می‌باشد. دفاتر منطقه‌ای یونسکو به‌عنوان بخشی از دبیرخانه سازمان و به‌منظور جلوگیری از تمرکز بیش از حد کارها در دبیرخانه مرکزی، در چهار منطقه آسیا-اقیانوسیه (بانکوک)، آفریقا (داکار)، آمریکای لاتین (سانتیاگو) و کشورهای عربی (بیروت) تأسیس شده است. این دفاتر در عین برخورداری از استقلال داخلی، تحت نظارت دبیرخانه یونسکو قرار دارند. اما کمیسیون‌های ملی یونسکو در کشورهای عضو تشکیل می‌شود و این کمیسیون‌ها رابط بین یونسکو و سازمان‌های تربیتی، فرهنگی و آموزشی کشورهای عضو می‌باشند. این کمیسیون‌ها، مسئول پیگیری اجرای هدف‌ها و برنامه‌های یونسکو در کشورهای ذیربط و مرکز عمل و اداره و هماهنگی برنامه‌های یونسکو در محدوده جغرافیایی صلاحیت خود هستند. تأسیس کمیسیون ملی در هر کشور عضو، اقدام دولتی است که به اقتضای تصمیم دولت مربوطه ممکن می‌شود و از لحاظ حقوقی، کاملاً مستقل، نیمه دولتی و یا کاملاً وابسته به دولت می‌باشد.^۴

۱- نادری قطب‌الدینی، منبع پیشین، ص ۲۵.

۲- کلییار، منبع پیشین، ص ۶۲۷.

3 - U. N., Everyone's United Nations, A Handbook on the Work of the United Nations, Public of New York Department Information, 1986, p 408.

۴- گزانی، مهین، نقش کمیسیون‌های ملی یونسکو، فصلنامه ملی یونسکو در ایران، شماره ۱۳ و ۱۲، ۱۳۶۷، ص ۲۱.

در مورد زبان کاری و رسمی یونسکو باید گفت که در هر سه رکن سازمان، زبان‌های فرانسوی و انگلیس به‌عنوان زبان کاری مطرح هستند.

مبحث دوم: نگاهی به اهداف، فعالیت‌ها و اهم اقدامات یونسکو

اصولاً هر سازمان بین‌المللی برای دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده‌ای پا به عرصه وجود می‌گذارد و فعالیت‌هایش را در این راستا انجام می‌دهد و اساساً فلسفه تشکیل یک سازمان بین‌المللی از این امر ناشی می‌گردد. این اهداف، معمولاً خط‌مشی‌ها و مسیر فعالیت‌های آن سازمان را ترسیم می‌نماید و همین اهداف موجب گرایش اعضای بیشتری از جامعه بین‌المللی به آن سازمان می‌شود. این اهداف باید فراتر از اهداف و منافع یک یا چند کشور باشد.

سازمان یونسکو، به‌عنوان یک سازمان بین‌المللی که دربرگیرنده قریب به اتفاق کشورهای دنیا می‌باشد، دارای یک سری اهداف و اصولی می‌باشد که در راستای همین اصول و آرمان‌های خویش به فعالیت می‌پردازد.

گفتار اول: بررسی اهداف و حوزه فعالیت‌های یونسکو

اساسنامه هر سازمان بین‌المللی، در برگیرنده اهداف آن می‌باشد و با بررسی و مقایسه اهداف و فعالیت‌های هر سازمان می‌توان به میزان درجه موفقیت آن سازمان پی برد.^۱ اساسنامه یونسکو نیز مانند هر سازمان بین‌المللی دیگر، دربرگیرنده اهدافی است که سازمان براساس آن تشکیل شده است.

براساس ماده ۱ اساسنامه یونسکو هدف اصلی یونسکو کمک به صلح و امنیت در جهان از طریق نزدیک‌تر کردن همکاری بین ملل از طریق آموزش، علم و فرهنگ و همچنین ترویج تشریک مساعی میان ملل در امور تعلیم و تربیت و علوم و فرهنگ و همچنین تقویت احترام جهانی به عدالت، حاکمیت قانون، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی می‌باشد. این اهداف به‌موجب منشور سازمان ملل متحد برای مردم جهان بدون تمایز از حیث نژاد، جنسی، زبان یا مذهب مورد تأیید قرار گرفته است.^۲ در واقع یونسکو، همکاری بین ملت‌ها را برای رسیدن

۱- هانس جی، موگنتا، سیاست میان ملت‌ها، ترجمه حمیرا مشیرزاده، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۴، چاپ اول، صص ۸۱۷-۸۱۸.

۲- موسی زاده، منبع پیشین، ص ۲۱۴.

تدریجی به هدف آرمانی امکان استفاده برابر از آموزش همگانی، بدون در نظر گرفتن نژاد، جنسیت و شروط اقتصادی یا اجتماعی پایه‌ریزی می‌کند، به حفظ، پیشبرد و انتشار دانش کمک می‌کند که به این منظور در حفظ و حمایت از میراث جهانی، کتاب، آثار هنری و دیگر بناهای با اهمیت تاریخی یا علمی می‌کوشد و همکاری بین ملت‌ها در تمامی شاخه‌های فرهنگی، تبادل بین‌المللی نمایندگان در حیطه آموزش، علم و فرهنگ را تشویق می‌کند. یونسکو چارچوبی را برای بررسی مشکلات جهانی انسان براساس برابری کشورهای عضو ارائه می‌دهد که بر مبنای اصول جهان شمول، تنوع و کرامت انسانی استوار شده است. این سازمان به‌طور جدی در پی تقویت ارکان منسجمی است که صلح، توسعه پایدار و حقوق بشر را تشکیل می‌دهد و در زمینه فقرزدایی و ترویج گفتگو میان ملت‌ها (تمدن‌ها)، فرهنگ‌ها و مردم مشارکت می‌کند.^۱ ملاحظه می‌گردد که یونسکو تشریک مساعی و همکاری‌های بین‌المللی میان اعضا و سایر ملل را جزء وظایف اصلی در اساسنامه منظور کرده است.

در مورد حوزه‌های فعالیت یونسکو باید گفت که یونسکو اهتمام خویش را به فعالیت در زمینه‌های آموزش، فرهنگ، علوم طبیعی، علوم انسانی و اجتماعی و ارتباطات و اطلاعات مصرف داشته است که در هر کدام از زمینه‌های مذکور، علاوه بر استمرار فعالیت‌های گذشته، موضوعات مبتلا به امروز بشری و به بیانی علائق مشترک بشری را دنبال می‌کند.^۲ که ذیلاً به‌طور مختصر بیان می‌گردند:

بند اول: آموزش

ستیزه‌هایی که پس از پایان جنگ سرد پدید آمده‌اند، پیامد آزادی‌های جدید نیستند، بلکه در پاسخ به بیداد و ستم‌های پیشین سر بر آورده‌اند. سوءظن، دیگرناپذیری و نفرت در خلال چند دهه و حتی چند سده شکل گرفته‌اند. اما در کنار کشمکش‌های مسلحانه سال‌های اخیر، بشر مهارت تازه‌ای را برای حل ستیزها از خود نشان داده است. ابتکار صلح را می‌توان به مدد گفتگو، میانجی‌گری و مذاکره و نه با زور از پیش برد، که در اینجا باید بر نقش محوری آموزش در ترویج فرهنگ صلح تأکید ویژه‌ای داشت. منظور از آموزش، تنها تعلیمات

۱- کمیسیون ملی یونسکو- ایران، آشنایی با کمیسیون ملی یونسکو- ایران، پیشین، ص ۵.

۲- مصفا، منبع پیشین، ص ۸۹.

رسمی مدارس نیست؛ بلکه آموزش غیررسمی در چارچوب تمامی طیف نهادهای فرهنگی، از جمله بیش و پیش از هر جای دیگر در خانواده و رسانه‌ها است.^۱

آموزش از جمله بخش‌های مهم یونسکو است که از آغاز تأسیس این سازمان مورد توجه بوده است؛ در نخستین ملاقات‌هایی که هسته اصلی این سازمان را تشکیل داد، وزیرای آموزش کشورهای اروپایی فکر برپایی یک تشکیلات بین‌المللی براساس روح همبستگی و برای پیشبرد صلح را عنوان کردند. به باور این افراد، همان‌طور که جنگ در ذهن افراد به وجود می‌آید، دفاع از صلح نیز باید نخست در ذهن افراد به وجود آید و لازمه انجام این کار، توجه جدی به امر آموزش است. از این رو یونسکو طی سال‌های حیاتش، بالاترین اولویت را به برنامه‌های آموزشی و پیشبرد سوادآموزی داده است. به اذعان خود یونسکو در یکی از قطعنامه‌های مصوب کنفرانس عمومی در سال ۱۹۷۴، نقش یونسکو در امر آموزش، مهم‌ترین نقش یونسکو است، آنجا که می‌گوید: «در هیچ کجا، نقش یونسکو به‌عنوان آینده‌ساز، بهتر و روشن‌تر از آموزش نمایانگر نمی‌شود.»

آموزش برای کشورهای عضو یونسکو در عین حال که حقوقی انسانی و وسیله‌ای برای نیل به دستاوردهای فردی به شمار می‌رود، به‌عنوان ابزاری اساسی در ساخت بنای جوامع بشری نیز نقش بسزایی دارد. فعالیت‌های یونسکو در زمینه آموزش گستردگی بسیار دارد که شامل مبارزه با بی‌سوادی، آموزش تغذیه، آموزش گروه‌های خاص مانند آوارگان، معلولان، نابینایان و مواردی از این قبیل می‌شود.^۲ آموزش، کانون توسعه پایدار انسانی است و ابزاری اساسی برای تحقق اهداف توسعه هزاره به شمار می‌رود. توسعه و شکوفایی اقتصادی جوامع به توانایی کشورها در امر آموزش همه اعضای جامعه بستگی دارد. آموزش، فرهنگ‌ها را غنی می‌سازد، درک متقابل را فراهم می‌کند و منجر به شکل‌گیری جوامع صلح‌طلب می‌شود. یونسکو بر امر آموزش به‌عنوان یک حق و عامل اصلی توسعه کامل ظرفیت‌های انسانی صحنه می‌گذارد.^۳ این سازمان از طریق برپایی کنفرانس‌های بین‌المللی و اعزام کارشناسان جهت راهنمایی کشورها برای تهیه پروژه‌های آموزشی به کشورهای عضو در سازمان‌دهی و تدوین

۱- مایور، منبع پیشین، ص ۷.

۲- نادری قطب‌الدینی، منبع پیشین، ص ۴۴.

۳- کمیسیون ملی یونسکو- ایران، آشنایی با کمیسیون ملی یونسکو- ایران، پیشین، ص ۱۲.

سیاست‌های آموزشی کمک می‌کند. بهره‌گیری از اندیشه‌های صاحب‌نظران و علمای تعلیم و تربیت و انتشار آثار و افکار آنان از دیگر برنامه‌هایی است که یونسکو به آن توجه داشته است. یونسکو از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵، عهده‌دار مدیریت جنبش جهانی برای تحقق برنامه "آموزش برای همه" شده که هدف آن، تامین آموزش ابتدایی با کیفیت برای همه کودکان، کاهش پنجاه درصدی از شمار بزرگسالان بیسواد، و ایجاد فرصت‌های برابر برای دختران و پسران، مردان و زنان بوده است. از سایر اهداف عمده آن، می‌توان به گسترش امکانات مراقبتی برای خردسالان و توسعه آموزش بزرگسالان اشاره کرد. البته دو چالش بسیار مهم بر سر راه این جنبش، یکی دستیابی به برابری جنسیتی در امر آموزش و دیگری تضمین کیفیت یادگیری به موازات شمار نوآموزان بوده است.^۱

به‌علاوه، یونسکو در زمینه صلح، تفاهم و همکاری بین‌المللی نیز پروژه‌های آموزشی را پیش برده است. یکی از برنامه‌های یونسکو در رابطه با موضوع آموزش، ایجاد مدارس مرتبط با شبکه پروژه یونسکو (ASP net)^۲ می‌باشد. این شبکه یک هماهنگ کننده بین اعضا دارد که مقر آن در پاریس است. همچنین هر کشور عضو دارای یک هماهنگ کننده ملی در ارتباط با این مدارس است. مدارس علاقمند ممکن است برای پیوستن به شبکه اقدام کنند که باید یک یا هر ۴ مورد زیر را مورد مطالعه قرار دهند:

۱- نگرانی‌های جهانی و نقش سازمان ملل در آنها

۲- آموزش برای توسعه پایدار

۳- صلح و حقوق بشر

۴- آموزش بین فرهنگ‌ها

دلیل برای داشتن عنوان «پروژه» جهانی این است که این مدارس مرتبط با پروژه با دعوت به ایجاد برنامه‌های آزمایشی ابتکاری، طراحی مواد و روش‌های جدید آموزشی و توسعه مبادلات بین دانش‌آموزان و معلمان در سطح بین‌المللی، تلاش در گسترش آموزش و در نهایت به ایجاد صلح از طریق آموزش اقدام نمایند.^۳

۱- اومالی، به راندان، آموزش برای همه کلید آینده، مجله پیام یونسکو، شماره ۳۸۹، سال سی و هفتم، بهمن ۱۳۹۱، ص ۱.

2 - Associated Schools Project Network.

3- Lynn Davies, UNESCO Assocceated Schools Project Network (ASPnet) and Peace Education, Center International Education and Research (CIRP), University of Birmingham. Uk.

از دیگر برنامه‌ها و اولویت‌های یونسکو در امر آموزش، آموزش همگانی می‌باشد. گسترش برخورداری همه مردم از حق آموزش به صورتی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر ذکر شده است، یکی از رسالت‌های اصلی یونسکو می‌باشد. تحقق آموزش رایگان، اجباری و همگانی دوره ابتدایی به‌منظور تأمین این حق انسانی، مسئولیتی است که کشورهای عضو یونسکو خود را متعهد به آن می‌دانند.^۱ آموزش و پرورش برای وظیفه دستیابی به ظرفیت زندگی مسالمت‌آمیز در کنار هم ضروری است. به‌گونه‌ای که می‌تواند در جلوگیری کردن از ناامنی و خشونت و پیشرفت به‌سوی توسعه پایدار و صلح کمک کند.^۲ همچنین یونسکو برای پیشبرد و بهبود وضعیت حقوق بشر، علاوه بر اقدامات عملی، همواره درصدد گنجاندن مفهوم حقوق بشر در محتوای آموزشی کشورها بوده است. مبادله اطلاعات برای تحول در امر آموزش از طریق مشارکت در سازمان‌های آموزشی جهانی و انتشار اسناد و اطلاعات معتبر در این زمینه، آموزش و ترویج روح شهروندی جهانی به کودکان و جوانان، ارتقای کیفیت آموزشی از طریق متنوع ساختن محتوا و شیوه‌ها و ارتقای ارزش‌های مشترک جهانی نیز در همین قالب آموزش دنبال می‌شود.

شایان ذکر است یکی از برنامه‌هایی که در کشور خودمان برای جدال با بیسوادی صورت گرفته، ایجاد مدارس عشایری است که توسط پدر آموزش عشایر ایران، زنده یاد "محمد بهمن بیگی" صورت گرفته است. وی که در این راه با موانع و محدودیت‌های بی‌شماری روبرو بود، سرانجام در این راه موفق شد و هزاران دکتر و مهندس امروزی، از جمله دکتر سید علی ملک حسینی که در دنیا در پیوند کلیه شهرت دارد، به اذعان خودشان مدیون این حرکت پیامبر گونه ایشان هستند. همچنین جایزه "پیکار با بیسوادی" از طرف سازمان یونسکو به‌خاطر کار پر ارج ایشان در آموزش عشایر و ابتکاری که در تربیت معلمان این زمینه مهم نشان داده‌اند، به ایشان اعطاء گردید. (روحشان شاد)

بند دوم: فرهنگ

فرهنگ به تعبیر گسترده آن، عبارت است از نظام مشترکی از باورها، ارزش‌ها، رسوم، رفتارها و مصنوعات که اعضای یک جامعه در انطباق با جهان و با یکدیگر به کار می‌برند و از راه

۱- کمیسیون ملی یونسکو- ایران، آشنایی با کمیسیون ملی یونسکو- ایران، پیشین، ص ۱۳.

2- UNESCO and Education/ <http://www.unesco.org/New/en/social-and-human-science/themes/philosophy/PP.1-3>, at 2.

آموزش از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. فرهنگ، نیروی محرک توسعه و وسیله‌ای برای تحقق زندگی فکری، عاطفی، اخلاقی و معنوی رضایت‌بخش برای تمام افراد جامعه است. احترام به اصل نسبیت‌گرایی فرهنگی و تنوع فرهنگی پیام جهانی یونسکو را در این بخش تشکیل می‌دهد. امروزه بر همگان مسلم شده است که تنوع فرهنگی، سرمایه لازم برای فقرزدایی و تحقق توسعه پایدار است.^۱ شکل‌گیری تمدن‌ها و سازمان‌یابی دولت‌ها و باروری فرهنگی آنها نه تنها نتیجه درآمیختگی با سایر سرزمین‌های متمدن است بلکه به برکت مبادلات فرهنگی و تفاهم و داد متقابل بین ملت‌ها، شکوفا گردیده است.^۲

احترام به فرهنگ‌ها، حفظ آنها و تضمین اینکه فرهنگ‌های مختلف به یکدیگر احترام گذارند و برای حفظ یکدیگر بکوشند، به گونه‌ای که در عین تعامل و نزدیکی، تنوع وحدت آنها حفظ شود، به عهده سازمان یونسکو می‌باشد. که این مهم همان رسالت اصلی یونسکو در تحقق بخشیدن به نزدیکی هرچه بیشتر ملت‌ها به هم و در نهایت حفظ صلح و امنیت بین المللی است.^۳

با نگاهی به اساسنامه یونسکو می‌توان به اهمیت فرهنگ در فعالیت‌های این سازمان پی برد. در مقدمه اساسنامه یونسکو ذکر شده که: "ترویج فرهنگ در سطوح گسترده آموزش انسان‌ها در جهت نیل به عدالت و آزادی و صلح در دستیابی به کرامت انسانی دارای اهمیت بوده و از اجزای جدایی ناپذیر آن هستند و با توجه به اینکه عمل به این مهم وظیفه‌ای مقدس است که جز در سایه همکاری‌های متقابل و اهداف مشترک دست یافتنی نیستند". همچنین ماده ۱ اساسنامه یونسکو در کنار سایر اهداف و فعالیت‌ها، توصیه به "توافق‌های بین‌المللی برای ترویج جریان آزاد اندیشه‌ها را در کلام و تصویر بر حسب ضرورت" را از جمله اهداف و فعالیت‌های یونسکو برشمرده است.^۴

فعالیت‌های فرهنگی یونسکو طی سال‌هایی که از حیات این یگانه نهاد بین‌المللی فرهنگی در نظام ملل متحد می‌گذرد، هم از نظر مفهومی و هم از نظر دامنه، گسترش چشمگیری داشته

۱- کمیسیون ملی یونسکو- ایران، آشنایی با کمیسیون ملی یونسکو- ایران، پیشین، ص ۲۴.

۲- نراقی، احسان، یونسکو و نخستین مجمع جهانی گفتگوی فرهنگ‌ها، نشریه بخارا، شماره ۱۴، بهمن ۱۳۷۷، ص ۲۱.

۳- کمیسیون ملی یونسکو- ایران، آشنایی با کمیسیون ملی یونسکو- ایران، پیشین، ص ۷.

۴- پیروزی، مهرانز، اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی یونسکو، کمیسیون ملی یونسکو- ایران، پاییز ۱۳۹۰، ص ۲.

است. یونسکو که زمانی با اقدامات بین‌المللی مربوط به حفظ میراث فرهنگی و انتشار مجموعه آثار ادبی برگزیده جهان شهرت یافته بود، اکنون با مفاهیمی اساسی‌تر از حیات بشری، یعنی فرهنگ و توسعه پایدار، سروکار دارد. توجه به ابعاد فرهنگی توسعه، تأکید و تقویت هویت‌های فرهنگی، تشویق مشارکت در حیات فرهنگی، ترویج همکاری‌های بین‌المللی فرهنگی، حفظ میراث فرهنگی بین‌المللی، حفظ میراث فرهنگی زیر آب از جوانب فعالیت‌های فرهنگی یونسکو به شمار می‌روند.

مطابق ماده ۱ اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی یونسکو، تنوع فرهنگی به‌عنوان میراث مشترک بشریت شناخته شده است. فرهنگ‌ها در طول زمان و در مکان‌های متفاوتی ظهور یافته‌اند که این تنوع فرهنگی ریشه در یگانگی و تکثر هویت‌های گروه‌ها و جوامع انسانی دارد. به‌عنوان منبعی برای تبادل، نوآوری و خلاقیت، تنوع فرهنگی به همان اندازه برای بشریت مفید است که تنوع زیستی برای طبیعت. به این ترتیب، تنوع فرهنگی میراث مشترک بشری است و باید به نفع نسل‌های حال و آینده، به رسمیت شناخته شود و تایید شود.

در جوامع بی‌نهایت متفاوتی که در آن زندگی می‌کنیم، تضمین تعامل‌های هماهنگ و مسالمت آمیز میان مردم و گروه‌های دارای هویت‌های فرهنگی متنوع، متکثر و پویا، ایجاد اشتیاق در آنان برای زندگی در کنار هم، بسیار مهم و الزامی است. اتخاذ سیاست‌هایی برای افزایش حضور و مشارکت همه شهروندان، ضامن انسجام اجتماعی، سرزندگی و شور و نشاط جامعه مدنی و در نهایت صلح و امنیت است.^۱ در راهبردها و طرح‌های برنامه فرهنگ بر کاربرد مفاد اسناد مصوب سازمان در مورد تنوع فرهنگی در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست گذاری‌های فرهنگی و اجتماعی، آگاه سازی نهادهای سیاسی و جامعه مدنی تأکید و همچنین بر شناخت بهتر رابطه میان تنوع فرهنگی و شناسایی الزامات، روش‌ها و ظرفیت‌های گفتگوی فرهنگ‌ها برای محترم شمردن تنوع فرهنگی و کثرت گرایی فرهنگی تصریح شده است. تأکید یونسکو بر تنوع فرهنگی با گفت‌وگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها و قابلیت رسیدن به تفاهم متقابل، همبستگی و همکاری واقعی ارتباط مستقیم دارد؛ بدین صورت که هدف چنین گفتگویی درک بهتر اثرات پویای تمدن‌ها و فرهنگ‌ها و غنای متقابل آنها در سراسر تاریخ است.^۲

۱- پیروznیک، منبع پیشین، ص ۳

۲- کمیسیون ملی یونسکو-ایران، آشنایی با کمیسیون ملی یونسکو-ایران، پیشین، ص ۲۵.

صیانت و حفاظت از تنوع فرهنگی به عنوان " میراث مشترک بشری"، التزامی اخلاقی است و مجموعه‌ای از اسناد بین‌المللی نیز اجرای آن را تضمین می‌کنند. پذیرش کثرت گرایی و تنوع فرهنگی و احترام به حقوق بشر، رکن اصلی برنامه فرهنگ یونسکو به شمار می‌رود. کنوانسیون حفظ و ترویج بیان‌های فرهنگی، تعهد یونسکو را به حفظ تنوع فرهنگی در فضایی از گفتگو و تساهل و بردباری، در برابر چالش‌های جهانی شدن از جمله یکسان سازی فرهنگی نشان می‌دهد.

بند سوم: علوم طبیعی

علم و فناوری، از عوامل اصلی تحقق توسعه پایدار، فقرزدایی و ایجاد صلح و امنیت است. فعالیت‌های علمی بین‌المللی برای بشریت دارای اهمیت فراوانی است و به همین دلیل بنا به مفاد تصمیمات کنفرانس عمومی در سال ۱۹۶۴، علوم نیز همانند آموزش در برنامه‌های سازمان یونسکو اولویتی ویژه دارد. اجرای پروژه‌های تحقیقات علمی بین‌المللی در زمینه‌های آب‌شناسی، برنامه انسان و کره مسکونی، اقیانوس‌نگاری و زمین‌شناسی از جمله فعالیت‌های علمی شاخص یونسکو بوده است.^۱ به عنوان مثال، برنامه انسان و کره مسکون، بخش مهمی از فعالیت‌های یونسکو در مورد محیط زیست است که به ترویج رهیافت‌هایی برای برقراری ارتباط بین روش‌های سازگار شونده مدیریت اکوسیستم و ایجاد مشارکت بین تمام بخش‌های جامعه می‌پردازد. این برنامه از طریق شبکه جهانی ذخیره‌گاه‌های زیست کره، توانایی جهانی نظارت بر تغییرات بوم شناختی را افزایش می‌دهد و مردم را از اهمیت و ارزش تنوع زیستی و ارتباط آن با تنوع فرهنگی آگاه می‌سازد. این برنامه با مشارکت جامعه جهانی و با در نظر گرفتن دانش سنتی و بومی، رهیافتی منسجم در زمینه مدیریت اکوسیستم‌ها- به‌ویژه اکوسیستم‌های موثر در تولید و حفاظت آب شیرین - ارائه می‌کند. این برنامه از طریق آموزش و تربیت نیروی انسانی و افزایش ظرفیت‌ها عمل می‌کند.^۲ یونسکو در این برنامه‌ها بر همکاری بین‌المللی در زمینه پژوهش‌های علمی و فنی، علوم اجتماعی و رفتاری و نیز همکاری مستقیم با کشورهایی که در معرض خطر بلایای طبیعی هستند یا بدان دچار شده‌اند، تاکید ویژه داشته است. یونسکو در این حوزه به توانمند سازی

80- UN Everyone's United Nation, Department of Public information, New York, 1980, p, 408.

۲- یونسکو، برنامه میان مدت ۲۰۰۲-۲۰۰۷ سازمان یونسکو، کمیسیون ملی یونسکو-ایران، سال ۱۳۸۲، ص ۴۱.

ظرفیت کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته در زمینه علوم، مهندسی و فناوری کمک می‌کند. یونسکو با این پیش فرض که اختلاف بین کشور فقیر و غنی، اختلافی ناشی از دسترسی آنان به علم و فناوری است، و با احتساب این نظر که در صورتی که تبادلات علمی و فناوری بین این کشورها صورت نگیرد، توسعه پایدار ممکن نخواهد بود که همین امر موجب بروز تنش میان ملت‌ها خواهد شد که نهایتاً باعث ورود صدمه به پیکر صلح و امنیت بین‌المللی خواهد شد.^۱ یونسکو به برابری ملت‌ها معتقد است و ایمان دارد همان‌طور که کشورهای غنی حق بهره‌برداری و پیشرفت در زمینه علوم را دارند، کشورهای فقیر و توسعه نیافته به طریق اولی از این حق برخوردارند. لذا یونسکو تلاشی گسترده را برای تعدیل این اختلافات آغاز کرده و در همین راستا پروژه‌هایی را به‌منظور توسعه و پیشرفت علوم به اجرا درآورده است.^۲ بنابراین علاوه بر پروژه‌هایی که به منظور پیشرفت عمومی علوم اجرا می‌شوند، برنامه‌های جاری یونسکو می‌کوشند تا آموزش علوم را توسعه بخشند؛ علاقه به علوم را در جوامع مختلف ترویج دهند؛ با برپایی همایش‌ها و دوره‌های آموزشی، مراکز همکاری علمی را متحول نمایند، اسناد علمی و دانش اصطلاحات را تقویت بخشند و به کشورهای مختلف کمک کنند تا سیاست‌های علمی و فنی خویش را تدوین نمایند و بتوانند توانایی‌های علمی خویش را افزایش دهند. این برنامه در ضمن شامل پروژه‌هایی در خدمت کاربرد علم و فن در توسعه و ارائه خدماتی برای کمک به کشورهای عضو است؛ به این ترتیب که کارشناسانی در دسترس کشورهای عضو قرار می‌گیرند که می‌توان با آنها در مورد اثرات اجتماعی پیشرفت‌های علم و فن به مباحثه و مشورت نشست. این کارشناسان همچنین قادرند در این موارد مطالعاتی انجام داده و مسائل اخلاقی آن را پیش بینی کنند.^۳ شایان ذکر است که بخش علوم یونسکو، "کمیته بین‌المللی اخلاق زیستی"^۴ را در خود جای دارد که هدف این کمیته ارزیابی پرسش‌های اخلاقی در مورد پیشرفت‌های علمی و فنی و ارتقای اصول و هنجارهای اخلاقی برای هدایت توسعه علوم و فناوری‌ها و تحولات

۱ - کمیسیون ملی یونسکو- ایران، آشنایی با کمیسیون ملی یونسکو- ایران، پیشین، ص ۷.

۲ - نادری قطب الدینی، منبع پیشین، ص ۴۶.

۳- صدر، امین، دوسالانه یونسکو در مورد تحقیقات علمی و فنی در جهان، فصلنامه گفتگو، شماره ۵، پاییز ۱۳۷۳، ص ۱۱۱.

4 International Bioethics Committee(IBC).

اجتماعی است. این کمیته نخستین گردهمایی خود را در سال ۱۹۹۳ برگزار نمود که از مهمترین اقدامات آن می‌توان به تدوین پیش‌نویس بیانیه‌ای در مورد حفاظت از ژنوم انسانی اشاره نمود.^۱

بند چهارم: علوم انسانی و اجتماعی

قرن بیست و یکم که با تحولات سریع و رشد فزاینده علوم و فناوری‌های و شکل‌گیری متحدان پر قدرت صنعتی و اقتصادی در سطح بین‌المللی همراه بوده است، انواع جدیدی از فقر، نابرابری، تبعیض و طرد اجتماعی را ایجاد کرده که زبان‌های جبران‌ناپذیری بر تفاهم و همزیستی انسانی و توسعه اجتماعی وارد آورده است. یونسکو اعتقاد دارد که تحقیقات علوم اجتماعی مانند دیگر علوم، باید ابعادی کاربردی داشته باشد. زیرا هدف بنیادی همه علوم، مشارکت در تحقق پیشرفت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. یونسکو از بدو تأسیس تاکنون همواره کوشیده است در حل معضلات و مسائل حاد جهانی و دستیابی به رهیافت‌های واقع بینانه و سازگار با توسعه پایدار انسانی در کشورهای مختلف، علوم اجتماعی و انسانی را ارتقا بخشید و جایگاه آن را در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها تحکیم بخشید.

نگاهی به روند فعالیت‌های یونسکو در حوزه علوم اجتماعی و انسانی بیانگر تحول مضاعف و دوگانه است. این سازمان در عین مساعدت به پیشرفت کمی و کیفی این حوزه از معرفت و شناخت و تلاش در حفظ استقلال آن، با ابتکار قرار دادن علوم اجتماعی و انسانی در کنار سایر علوم و با استفاده از رویکردهای چند رشته‌ای و میان رشته‌ای، نقش درخور اهمیتی را در شناخت، درک و تحلیل دگرگونی‌های سریع و پیچیده اجتماعی، فرهنگی و تکنولوژیکی و اتخاذ سیاست‌های موثر و کارا ایفا می‌نماید.^۲

از سوی دیگر، با توجه به اینکه طبق اساسنامه یونسکو، صلح باید بر مبنای تشریک مساعی معنوی و اخلاقی استوار باشد، سازمان هماهنگ با این ایده برای روشن کردن مفاهیم علوم اجتماعی فعالیت می‌کند و مبارزه با هر نوع تبعیض، به‌وسیله پروژه‌هایی چون «به سوی

۱- کمیسیون ملی یونسکو-ایران، گزارش کمیسیون ملی یونسکو در ایران و بررسی راه‌های همکاری آنها، تهران، اسفند ۱۳۷۵، ص ۱۰۵.

۲- کمیسیون ملی یونسکو-ایران، گزارش همایش آشنایی با یونسکو، تهران، اسفند ۱۳۷۵، صص ۱۱۰-۱۰۹.

رهایی از تبعیض نژادی» و نیز توزیع اطلاعات علمی، رکن اصلی این فعالیت‌ها را تشکیل می‌دهد. این اصل که یونسکو می‌بایست کمک‌های شایانی به یافتن راه‌حلی برای مسائل کنونی جهان از خود نشان دهد، این نکته را یادآور می‌شود که برای این کار باید به منابع علوم اجتماعی تکیه کرد. زیرا بخشی از علوم اجتماعی به مسأله زندگی انسان‌ها در کنار یکدیگر می‌پردازد و یونسکو طبق اساسنامه‌اش موظف است در خدمت حرمت، تساوی و احترام متقابل میان انسان‌ها باشد. زنان، جوانان و کشورهای کمتر توسعه یافته، سه جامعه آماری همواره مورد توجه این سازمان هستند که در تمامی برنامه‌ها و حوزه‌های اصلی فعالیت سازمان از اولویت برخوردارند.

امروزه اختراعات، اکتشافات، نوآوری‌های علمی و کاربرد فناوری‌های آنها، پیشرفت‌های علوم زیستی به ویژه پژوهش درباره سلول‌های بنیادی، آزمایش‌های ژنتیکی، همانند سازی و غیره باعث مسائل اخلاقی و حقوقی و اجتماعی پیچیده‌ای شده است. یونسکو برای پاسخگویی به این مسائل بحث برانگیز، برنامه اخلاق علوم و فناوری به‌ویژه اخلاق زیستی را در دستور کار خود قرار داده است. هدف یونسکو از این برنامه، تعریف، تدوین و اجرای چارچوب‌های اخلاقی برای پیشرفت‌های علوم و فناوری بر مبنای حفظ ارزش‌ها، احترام و رعایت حقوق بشر و کرامت انسانی است. نمونه‌ای از این فعالیت‌ها "جایزه ابن سینا" برای اخلاق در علم هست که به ابتکار جمهوری اسلامی ایران و با همکاری یونسکو در سال ۲۰۰۲ پایه‌گذاری شد. این جایزه هر دو سال یکبار به افراد و گروه‌هایی که تحقیقات و فعالیت‌های شاخص و برجسته‌ای در زمینه اخلاق علمی و فناوری انجام داده‌اند، اعطا می‌شود.^۱ جایزه شامل یک مدال طلا مزین به تصویر ابن سینا، ده هزار دلار و یک هفته سفر علمی به ایران است که طی آن، برنده جایزه در جلسات بحث و سخنرانی در دانشگاه‌ها و نهادهای تحقیقاتی کشور و ملاقات با اساتید و متخصصان ایرانی شرکت می‌کنند.^۲

جهانی شدن، مهاجرت‌های بین‌المللی، توسعه شهرها، تغییرات پرشتاب، بروز تنش‌های قومی و منطقه‌ای از مهمترین واقعیات جهان در حال تحول امروز است. برای مقابله با این

۱ - کمیسیون ملی یونسکو- ایران، آشنایی با کمیسیون ملی یونسکو- ایران، پیشین، ص ۲۱.

۲ - تاکنون خانم پروفسور مارگارت. آ. سامرویل (Margaret A. Somerville)، استاد دانشگاه مک‌گیل کانادا در سال ۱۳۸۳ و استاد عبدالله دار (Abdollah A. Daar)، استاد بهداشت عمومی و جراحی و رئیس برنامه بیوتکنولوژی و اخلاق کاربردی دانشگاه تورنتو کانادا در سال ۱۳۸۵ از برندگان این جایزه بوده‌اند.

چالش‌های اجتماعی، برنامه "مدیریت دگرگونی‌های اجتماعی یونسکو"، موضوع‌هایی مانند دموکراسی، توسعه شهرها، ورزش، مهاجرت بین‌المللی، پیوند بین پژوهش و سیاست‌گذاری اجتماعی را مورد بحث قرار می‌دهد. بر این اساس، موضوع علوم اجتماعی و انسانی در برنامه‌ریزی‌های این سازمان همواره در دو چشم‌انداز مطرح بوده است:

- ۱- تقویت توان علوم اجتماعی و انسانی به‌عنوان یک رشته علمی برای پاسخ‌گویی به چالش‌های اجتماعی در سطوح ملی، محلی و جهانی و استفاده از یافته‌های تحقیقاتی آن در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، و
- ۲- به خدمت گرفتن این علوم در جهت تحقق اهداف یونسکو که همانا صلح، امنیت، توسعه، حقوق بشر و دموکراسی است.^۱

بند پنجم: ارتباطات و اطلاع‌رسانی

رسانه‌ها و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، ابزارهای اصلی برای تأمین دسترسی گسترده‌تر به دانش علمی و فنی و انتشار گسترده آن در جهان در حال توسعه به‌شمار می‌رود. رویکرد یونسکو در حوزه ارتباطات و اطلاعات، ایجاد جوامع دانش‌مدار با کمک اطلاعات و ارتباطات و نیز مقابله با چالش‌های جدید اجتماعی است که از طریق پیشرفت‌های علمی در عرصه ارتباطات و اطلاعات ایجاد شده است.^۲ موضوع ارتباطات به مفهوم رسانه‌های همگانی در کنار موضوعات اطلاع‌رسانی و انفورماتیک، تشکیل دهنده یکی از پنج برنامه اصلی یونسکو هستند که تشکیلاتی تحت عنوان «ارتباطات» در یونسکو، هماهنگ‌کننده مباحث مربوط به این سه موضوع است. سه برنامه مهم «توسعه بین‌المللی ارتباطات»، «برنامه بین‌الدول انفورماتیک» و «برنامه بین‌الدول اطلاع‌رسانی» پشتیبان‌کننده این موضوعات هستند. وظیفه ارتقای جریان آزاد اطلاعات و همچنین آزادی هر چه بیشتر مطبوعات و استقلال رسانه‌ها یکی از جنبه‌های اصلی فعالیت یونسکو در این زمینه به‌شمار می‌رود. امروزه تعدادی کمیته بین‌المللی از جمله «برنامه بین‌المللی برای توسعه ارتباطات» زیر نظر یونسکو، خدمات زیادی برای آموزش خبرنگاران در کشورهای جهان سوم ارائه می‌دهد.^۳

۱- کمیسیون ملی یونسکو- ایران، آشنایی با کمیسیون ملی یونسکو- ایران، پیشین، ص ۲۰.

۲- همان، ص ۲۸.

۳- شیخ زین‌الدین، حسین، نقش اداره اطلاعات عمومی سازمان ملل متحد، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۲.

پیرامون ارتباطات و اطلاع رسانی، اقدامات یونسکو با اهداف مندرج در قطعنامه شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد (ژوئیه ۲۰۰۰) درباره نقش فناوری اطلاع رسانی در زمینه اقتصاد جهانی دانش پایه، و اعلامیه هزاره سازمان ملل متحد (سپتامبر ۲۰۰۰) همسو خواهد بود. این اسناد، خواستار ایجاد یک مشارکت راهبردی بین‌المللی برای پر کردن "شکاف دیجیتال" و تشکیل یک "جامعه دانش" باز و غیر انحصاری است. از نظر یونسکو، هدف اصلی در این زمینه، تشکیل یک جامعه دانش مبتنی بر تقسیم دانش و مشارکت تمام ابعاد قوی اجتماعی- فرهنگی توسعه پایدار است. و رای جنبه‌های تکنولوژیک، چالش اصلی عبارت است از در نظر گرفتن بعد انسانی شکاف دیجیتال. از آن دیدگاه، آموزش و پرورش همچنان یک هدف اولویت‌دار محسوب می‌شود. زیرا بدون آموزش همگان، اطلاع‌رسانی برای همگان وجود نخواهد داشت. فناوری‌های اطلاع‌رسانی و ارتباطات (ICT)^۱ بر اقدامات یونسکو بی‌تأثیر نیست. نحوه این تأثیر در راهبرد میان‌بر مربوط به این درون‌مایه، که با تشریک مساعی از جمله در جنبه‌های اجتماعی آن این فناوری‌ها در زمینه توسعه آموزش و پرورش، علوم، فرهنگ و ایجاد یک جامعه دانش سروکار دارد، منعکس می‌شود.^۲ متحول کردن فناوری‌های ارتباطی و وسایل جمعی، رفع موانع در جریان آزاد اطلاعات در سطح بین‌المللی و جستجوی راه‌های تسهیل جریان اطلاع رسانی در جهان در این زمینه از فعالیت یونسکو دنبال شده است.

در این حوزه، نقش یونسکو عبارت خواهد بود از تقویت همکاری معنوی در سطح بین‌المللی و سازماندهی افکار عمومی جهان و همه شرکای آن به منظور پیشبرد و دفاع از آزادی بیان و حق اطلاع رسانی- که با حق تحصیل علم- ارتباط نزدیک دارد. بدین منظور، یونسکو تنظیم و تدوین اصول مطرح در سطح جهانی و معیارهای اخلاقی مشترک مربوط به کاربری فناوری‌های اطلاع رسانی و ارتباطات را تقویت خواهد کرد. همچنین یونسکو، از طریق تشویق کار سازمان‌های تخصصی و غیردولتی فعال در این زمینه، همچنان در راستای حفظ و گسترش اطلاع رسانی خواهید کوشید.^۳

1-Information Communication and Technologies

۲- بهادر، مریم، نگاهی به برنامه راهبردی میان مدت یونسکو و مساله ارتباطات و اطلاع رسانی، نشریه رسانه، سال دوازدهم، شماره سوم، ص ۵۱.

۳- همان، ص ۵۲

گفتار دوم: بررسی اهم اقدامات یونسکو

با توجه به پراکندگی حوزه فعالیت یونسکو، این یک امر عادی است که اقدامات آن بر صلح و امنیت بین المللی، چه به صورت مستقیم و چه غیر مستقیم تاثیرگذار باشد. در این گفتار برآنیم تا با معرفی و بررسی برخی از مهمترین اقدامات یونسکو که نشان دهنده تنوع کاری یونسکو می باشد، تلاش این سازمان در حل و فصل معضلات جامعه جهانی را تجزیه و تحلیل کنیم.

بند اول: حفاظت از میراث فرهنگی

یونسکو، طبق اساسنامه اش خود را متولی و حافظ میراث فرهنگی و طبیعی بشریت می داند و در این زمینه اقدامات بسیاری را انجام داده است که به ۲ دسته اقدامات هنجاری و اقدامات عملی تقسیم می شوند:

الف- اقدامات هنجاری^۱: در این حوزه، یونسکو اسنادی چون «کنوانسیون حفظ اموال فرهنگی در زمان جنگ»^۲ سال ۱۹۵۴، «کنوانسیون منع صدور، ورود و انتقال غیرقانونی مالکیت اموال فرهنگی»^۳ سال ۱۹۷۰، «کنوانسیون حفظ میراث طبیعی و فرهنگی جهان»^۴ سال ۱۹۷۲، «کنوانسیون حفظ میراث فرهنگی زیرآب»^۵ سال ۲۰۰۱ و چندین توصیه نامه را تهیه و تصویب نموده است که در زیر به طور اختصار به آنها و نقشی که در حفظ صلح بین المللی دارند اشاره می شود:

در این میان، کنوانسیون حفظ میراث طبیعی و فرهنگی جهان حائز اهمیت است. سازمان یونسکو در سال ۱۹۷۲ با تصویب و تنظیم این کنوانسیون در واقع قدم در راهی نوین برای توسعه تعاون و ثبات میان ملت ها گذارد و زمینه ای به وجود آورد که مفهوم میراث طبیعی و فرهنگی در ورای مرزهای سیاسی و جغرافیایی گسترش یابد. این کنوانسیون که توسط

۱- منظور از اقدامات هنجاری، اقداماتی است که سازمان یونسکو در قالب کنوانسیون ها و اعلامیه ها و توصیه نامه ها به محافظت از صلح و امنیت بین المللی پرداخته است.

2-Convention on the protection of cultural property during war-1954.

3- Convention on the Prohibition of Entry and Illegal Transfer of Ownership of Cultural Property-1970.

4-Convention on the Conversation of Natural and Cultural Heritage of the World-1972.

5-Convention on the protection of Underwater Cultural Heritage-2001.

کنفرانس عمومی یونسکو به تصویب رسید، دارای کمیته‌ای است که موظف است برطبق ضوابطی، میراث طبیعی و فرهنگی شایسته منضم شدن به فهرست میراث جهانی را با دقت بررسی و در صورت دارا بودن ارزش مورد نظر، آن‌ها را در فهرست میراث جهانی ثبت نماید. این کمیته، در حوادث طبیعی، حمایت خاصی را در اختیار کشورهای عضو قرار می‌دهد. بر اساس کنوانسیون مزبور، تا سال ۲۰۰۶ میلادی حدود ۸۱۲ سایت در فهرست میراث جهانی قرار گرفته‌اند. وظیفه این کنوانسیون، ایجاد هماهنگی و همکاری بین‌المللی در راستای حفاظت و ایمن سازی میراث مشترک جهانی است.^۱

همچنین کنوانسیون حفظ میراث فرهنگی زیر آب که در تاریخ ۱۵ نوامبر تا ۳ اکتبر ۲۰۰۱ در پاریس برگزار شد، با تاکید بر اهمیت میراث فرهنگی زیر آب، به‌عنوان بخش جدایی ناپذیر از میراث فرهنگی بشری و عاملی فوق العاده و مهم در تاریخ آدمیان، ملت‌ها و روابطشان با یکدیگر در زمینه میراث مشترک خود، با درک اهمیت حفظ و نگهداری میراث فرهنگی زیر آب و مسوولیتی که در این مورد به عهده تمامی دولت‌هاست، و همچنین با توجه به توجه علاقه روزافزون جامعه بین‌المللی به میراث فرهنگی زیرآب و ارجی که برای آن قائل است و با اعتقاد به اهمیت تحقیق، اطلاعات و آموزش در زمینه حفظ و نگهداری میراث فرهنگی زیرآب و نیز حق جامعه بین‌المللی برای بهره‌مندی از منافع آموزشی و تفریحی دسترسی مسوولانه و غیرمداخله گرایانه به میراث فرهنگی زیرآب و ارزش آموزش عمومی برای کمک به میراث فرهنگی زیرآب، و با آگاهی از این حقیقت که این میراث مشترک، بر اثر فعالیتهای غیر مجازی که متوجه آن‌است در خطر است و اتخاذ اقداماتی شدیدتر برای جلوگیری از چنین اقداماتی ضروری است، به همکاری بین دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، موسسات علمی، سازمان‌های حرفه‌ای باستان شناسی، غواصان و دیگر افراد، تا حد زیادی برای حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب معتقد است. با توجه به اینکه نقشه برداری، حفاری و حفاظت از این میراث مشترک لزوم وجود و کاربرد روش‌های خاص علمی و استفاده از فنون و تجهیزات مناسب و در سطح بالایی از تخصص حرفه‌ای را نیازمند است، که همگی نیاز به شاخص‌های هماهنگی حاکم را مشخص می‌نماید، واضح است که در این موارد نقش سازمان یونسکو به‌عنوان یک مرجع هماهنگ کننده ارتباطات بین ملل با

۱ -ارشاد، سیاوش، "یونسکو در یک نگاه"، موسسه ارتباطات فرهنگی چشم انداز، شماره ۲۵، مرداد ۱۳۸۵، ص ۲۳.

فرهنگ‌های متفاوت و نزدیک کردن هرچه بیشتر ملت‌ها و ایجاد همکاری بین آنها چه نقش بی بدیلی است.

کنوانسیون منع صدور، ورود و انتقال غیرقانونی مالکیت اموال فرهنگی که بر اساس آن کشورهای عضو متعهد می‌گردند که از ورود اثر فرهنگی سرقت شده از یک کشور عضو دیگر کنوانسیون خودداری کنند نیز از دیگر اقدامات سازمان یونسکو جهت حمایت از اموال فرهنگی است. بر اساس این کنوانسیون کشورها می‌توانند آثار فرهنگی مسروقه خود را که بعد از امضاء این کنوانسیون به صورت غیرقانونی از کشورشان خارج شده، باز پس گردانند. از قرن ۱۶ به بعد، که بر اثر جنگ‌های پیش آمده، آثار تاریخی اعم از منقول و یا غیر منقول در جنگ‌ها، مورد تخریب یا تصرف کشورهای فاتح قرار می‌گرفتند، با توجه به اینکه وظیفه اصلی یونسکو حفظ نظم، صلح جهانی و رفاه همگانی است، این سازمان به دنبال راهکاری برای جلوگیری از این معضلات بود که در نهایت منجر به تصویب کنوانسیون ۱۹۵۴ با هدف جلوگیری از تخریب اشیاء و اموال فرهنگی در جنگ‌ها و بعد از آن در سال ۱۹۷۰، کنوانسیون منع صدور، ورود و انتقال غیر قانونی مالکیت اموال فرهنگی به تصویب رسید.^۱ بررسی‌های به عمل آمده حاکی از آن است که این کنوانسیون به دو دلیل به تصویب می‌رسد: ۱- کشورهای عضو، ورود صدور و انتقال غیر قانونی مالکیت آثار فرهنگی را یکی از علل اساسی فقر میراث فرهنگی کشور مبدا اثر، و همکاری‌های بین‌المللی در این زمینه را یکی از موثرترین شیوه‌های محافظت از آثار فرهنگی هر کشور در برابر کلیه خطرات ناشی از آنها می‌دانند. در واقع، با توجه به اینکه اثر فرهنگی یکی از عناصر اساسی تمدن و فرهنگ ملت‌هاست و ارزش واقعی و حقیقی آن را تنها با آگاهی هرچه کامل‌تر از منشا و بستر تاریخی و محیطی آن می‌توان شناخت و اینکه ورود، صدور و انتقال غیر قانونی مالکیت اثر فرهنگی مانعی بر سر راه تفاهم متقابل و همکاری‌های ملت‌هاست، به همین منظور کشورهای عضو با هر وسیله‌ای که با تمام قدرت، با متوقف کردن این اعمال و کمک به جبران خسارت وارده به این اعمال، با این عمل مقابله می‌کنند.^۲

۱ - شایان ذکر است که این کنوانسیون فقط شامل آن دسته از اموال فرهنگی می‌شود که بعد از تصویب این کنوانسیون از یک کشور عضو خارج می‌شود و آثار فرهنگی خارج شده قبل از معاهده را در بر نمی‌گیرد.

۲ - کمیسیون ملی یونسکو-ایران، "مبارزه با انتقال غیر قانونی اموال فرهنگی"، ترجمه افسانه وثوق روحانی، ۱۳۸۹، ص ۸.

۲- با توجه به اینکه محافظت از میراث فرهنگی تنها هنگامی موثر خواهد بود که با همکاری و تفاهم متقابل و تنگاتنگ میان کشورها هم در سطوح ملی و هم بین‌المللی سازماندهی شود، لذا با ایجاد تفاهم و همکاری بین کشورهای عضو است که نهایتاً ارتباطات حسنه بین کشورها به صلح همگانی می‌انجامد که خواست اصلی سازمان ملل متحد و همه کشورهاست.^۱ در این میان نقش سازمان یونسکو در تصویب این کنوانسیون، که باعث ایجاد همکاری و تفاهم بین ملت‌ها می‌شود، دارای تاثیری چشمگیر در ایفای وظیفه اصلی خویش، یعنی حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی، می‌باشد.

ب) اقدامات عملی: در این راستا نیز اقدامات سازمان قابل توجه و گسترده بوده است. از جمله این اقدامات می‌توان به طرح‌های احیای آثار طبیعی و فرهنگی، حفاری‌های باستان‌شناسی، کمک‌های فنی و تحقیقاتی، فناوری‌های جدید باستان‌شناسی فضایی و رسانه‌های چندگانه، آموزش‌های مؤثر در زمینه تکنیک‌های حفظ میراث فرهنگی، همکاری‌های علمی و فرهنگی و مواردی از این قبیل اشاره نمود.^۲

میراث مستند و مکتوب جهانی، به علل متعدد در معرض خطر است و نیاز شدید به مراقبت و حفاظت دارد. برنامه "حافظه جهانی" یونسکو، میراث‌های مستند واجد ارزش‌های جهانی کشورها را ثبت و مسائل مربوط به حفاظت میراث مستند را بررسی و پیگیری می‌کند.^۳ این برنامه در تلاش است تا توجه دولت‌ها، مسولان افکار عمومی را در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی به اهمیت حفظ آثار نفیس جلب کند و با برگزاری سمینارها و جلسات مختلف، علاوه بر آشنا کردن ملت‌ها با فرهنگ، ادبیات و آثار باستانی و مستند سایر کشورها، هم به نزدیکی و ایجاد روابط دوستانه بین ملل با فرهنگ‌های مختلف بپردازد و هم شرایط بهتری را برای حفاظت و مراقبت از این آثار فراهم سازد.^۴

شایان ذکر است که با ظهور فرآیند جهانی شدن، توجه به میراث معنوی به عنوان منشأ هویت فرهنگی، خلاقیت و تنوع بیشتر از سوی کشورهای عضو یونسکو مطرح گردید. اهمیت

۱ - همان، ص ۹.

۲- کونیل لاکوست، منبع پیشین، ص ۶.

۳ - شایان ذکر است که با تلاش و پیگیری کمیسیون ملی ایران، تا کنون دو اثر ایرانی "شاهنامه بایسنقری" و "وقفنامه ربع رشیدی" در فهرست حافظه جهانی یونسکو ثبت شده است.

۴ - کمیسیون ملی یونسکو-ایران، آشنایی با کمیسیون ملی یونسکو-ایران، پیشین، ص ۳۰.

این میراث در برنامه‌های یونسکو همچون «نظام سرمایه‌ها یا ذخایر زنده» در سال ۱۹۹۳ و «شاهکارهای میراث شفاهی و معنوی» در سال ۱۹۹۷ تبلور یافت. علاوه بر این، فعالیت‌های دیگری برای حفظ و اشاعه میراث فرهنگی معنوی از سوی یونسکو اجرا شد که برخی از این فعالیت‌ها عبارتند از: «حفظ و اشاعه میراث معنوی اقلیت‌ها و بومیان»، «برگزاری جشنواره‌های فرهنگ‌های سنتی»، «تولید و انتشار مجموعه موسیقی سنتی جهان»، و مواردی از این قبیل.

در کشور ما، سازمان یونسکو با ثبت کردن آثاری همچون تخت جمشید فارس، میدان نقش جهان اصفهان، و مواردی از این قبیل، به عنوان میراث مشترک فرهنگی جهان، سهمی شگرف در تبلیغ و ترویج ایرانی در سراسر جهان داشته است. چرا که سالانه میلیون‌ها توریست برای دیدن این آثار به کشور ما آمده و با فرهنگ ایرانی آشنا می‌شوند و این امر باعث ترویج فرهنگ ایرانی در سراسر دنیا می‌شود. در این میان نقش سازمان یونسکو در نزدیک کردن فرهنگ‌های مختلف به هم از طریق فرهنگی، ستودنی است.

بند دوم: یونسکو و نابودی آپارتاید

نظر به اینکه منشور ملل متحد مبتنی بر اصول حیثیت ذاتی و تساوی کلیه افراد انسانی و کلیه دول عضو ملل متحد متعهد شده‌است که منفرداً و مشترکاً با همکاری سازمان برای نیل به یکی از اهداف ملل متحد یعنی توسعه و تشویق احترام جهانی و واقعی به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بدون تمایز نژاد یا جنس یا زبان و یا مذهب اقدام نمایند و همچنین اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام می‌دارد که کلیه افراد انسانی به طور آزاد و یکسان از لحاظ حیثیت و حقوق متولد می‌شوند و باید بتوانند از کلیه حقوق و آزادی‌های مندرج در آن اعلامیه بدون تمایز به خصوص از حیثیت نژاد و رنگ و یا ملیت برخوردار شوند، همچنین با توجه به اینکه کلیه افراد بشر در پیشگاه قانون برابر بوده و حق دارند علیه هر نوع تبعیض و هر نوع تحریک به تبعیض از حمایت یکسان قانون برخوردار شوند و اینکه ملل متحد استعمار و کلیه روش‌های تفکیک و تبعیضی را که به همراه دارد به هر شکل و در هر محلی که موجود باشد محکوم نموده و اعلامیه مورخ چهاردهم دسامبر ۱۹۶۰ راجع به اعطای استقلال به کشورها و ملل مستعمره (قطعنامه ۱۵۱۴ دوره پانزدهم مجمع عمومی) لزوم

ختم سریع و بی‌قید و شرط استعمار را تأیید و رسماً اعلام نموده است،^۱ لذا سازمان یونسکو به تبعیت از سازمان ملل متحد، راجع به رفع هر نوع تبعیض نژادی رسماً لزوم رفع سریع کلیه اشکال و همه مظاهر تبعیضات نژادی را در سراسر گیتی و همچنین لزوم تأمین تفاهم و احترام به حیثیت شخص انسانی را مورد تأیید قرار داده است.

بر اساس ماده ۱ کنوانسیون بین‌المللی "رفع هرگونه تبعیض نژادی"^۲:

"تبعیض نژادی به هر نوع تمایز و محدودیت و ممنوعیت یا محدودیت و یا رجحانی که بر اساس نژاد، رنگ یا نسبت و یا منشا ملی و یا قومی مبتنی بوده هدف یا اثر آن از بین بردن و یا در معرض تهدید و مخاطره قرار دادن شناسایی و یا تمتع و یا استیفاء در شرایط متساوی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و یا در هر زمینه دیگر از حیات عمومی باشد، اطلاق می‌گردد."

در همین راستا سازمان یونسکو طبق اساسنامه‌اش، خود را موظف می‌داند که در خدمت تساوی و احترام متقابل میان انسان‌ها باشد و در همین راستا به سهم خود در مبارزه علیه آپارتاید شرکت نموده است و در سال ۱۹۵۰ برنامه‌ای برای نابودی آپارتاید طرح‌ریزی کرد. در سال ۱۹۶۴، بیست و دو مردم‌شناس و زیست‌شناس از ۱۶ کشور جهان در اجلاسی که به‌وسیله یونسکو در مسکو ترتیب داده شده بود، یک بیانیه ۱۳ ماده‌ای تصویب کردند که در آن جنبه‌های زیست‌شناختی مسأله نژادی ذکر شده بود.^۳ در سال ۱۹۶۵، یونسکو به درخواست کمیته ویژه سازمان ملل برای مبارزه با آپارتاید، برای روشن کردن پیامدهای آپارتاید و تهیه اطلاعات عینی و موثق از واقعیت رویدادهای آفریقای جنوبی یک برنامه پژوهشی علوم اجتماعی را آغاز کرد. انتشار آپارتاید و آثار آن بر آموزش، علم، فرهنگ و اطلاعات در سال ۱۹۶۷، نخستین کتاب از سلسله آثاری بود که یونسکو طی سال‌ها در زمینه مسائل آپارتاید در آفریقای جنوبی و نامیبیا منتشر کرد.^۴

یونسکو سیاست فرهنگی خود در قاره آفریقا را بر قرار دادن فرهنگ در قلب روند توسعه آموزشی، فرهنگی و اجتماعی آفریقا استوار ساخته است؛ چراکه تنها ضامن بقای صلح پایدار

۱- فرازهایی از مقدمه کنوانسیون بین‌المللی "رفع هرگونه تبعیض نژادی"، مصوب ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

96-The International Convention on the Elimination of Racial Discrimination of Any Kind.

۳- کونیل لاکوست، منبع پیشین، ص ۶.

۴- همان، ص ۸.

در قاره سیاه را خروج از جهالت‌ها و پیش فرض‌ها، ارتقای چند زبانی و احترام فرهنگ‌ها به یکدیگر می‌داند.

از این رو، یونسکو به‌عنوان کارگزار تخصصی سازمان ملل متحد در ساختن صلح، توسعه بشری و گفتگوی میان فرهنگی در عصر جهانی شدن، سعی دارد از طریق آموزش، علوم، فرهنگ، ارتباطات و اطلاعات به صلح سازی و صلح بانی در قاره سیاه بر اساس همبستگی ذهنی و روحی انسان‌ها مبادرت نماید.^۱ چرا که یونسکو معتقد به برابری کلیه ابناء بشر فارغ از جنس و مذهب و رنگ می‌باشد.

بند سوم: یونسکو و آموزش حقوق بشر

جامعه جهانی همواره به‌دنبال راه‌حل‌ها و گزینه‌هایی است که از رهگذر آنها بتواند به تقویت صلح و همچنین افزایش و گسترش توسعه بپردازد. یکی از گزینه‌های مطرح در این زمینه، آموزش حقوق بشر است که بر پایه دانش و مهارت حقوق بشری استوار شده است و به‌دلیل تاثیری که بر اطلاعات و مهارت‌های اقشار مختلف جامعه می‌گذارد، دارای توان بالقوه‌ای برای تغییر در جامعه، دگرپذیری، درک سایر ملت‌ها و در نهایت صلح و امنیت می‌باشد. هنگامی یک جامعه به توسعه پایدار می‌رسد، که در همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود رشد یافته باشد که آموزش حقوق بشر با توجه به محتوای خود می‌تواند در این زمینه موثر باشد. آموزش حقوق بشر همچنین در جریان توسعه به تحقق کامل حقوق بشر کمک می‌کند و از سوء استفاده‌ها و تضييع‌های حقوق بشری که ممکن است در فرآیند توسعه اتفاق افتد، جلوگیری می‌نماید.^۲

چالش بزرگ و کلیدی برای آینده، تقویت سازی حقوق بشر از طریق پایه‌گذاری این حقوق در سنت‌های فرهنگی مختلف است و آموزش در این زمینه وسیله بسیار مهمی در جهت جهانی ساختن فرهنگ حقوق بشر می‌باشد. فرهنگ جهانی حقوق بشر یک هدف دراز مدت است که از طریق ایجاد یک نظام جامع تعلیم و تربیت آموزشی و اطلاعات عمومی هدف‌دار

۱۰۰- دهشیری، محمدرضا، سیاست فرهنگی یونسکو در آفریقا، فصلنامه مطالعات آفریقا، شماره ۱۵، بهار و تابستان ۱۳۸۶، صص ۱۹۴ و ۱۹۵.

۲- رنجبریان، امیرحسین و فریبا نواب دانشمند، "بررسی تاثیر آموزش حقوق بشر بر صلح و توسعه"، مجله اندیشه‌های حقوقی، سال پنجم، شماره ۱۲، بهار ۱۳۸۶، ص ۹۷.

برای تمام گروه‌های جمعیتی به‌ویژه بانوان، کودکان، اقلیت‌ها، بومیان و معلولان شامل تمام سطوح تعلیم و تربیت اعم از رسمی و غیر رسمی قابل دسترسی است.^۱

ایده فرهنگ صلح برای نخستین بار در برنامه‌های یونسکو در سال ۱۹۸۹ در کنگره بین‌المللی "صلح در اذهان انسان‌ها"، در ساحل عاج مطرح شد. فرهنگ صلح در پی تحقق بخشیدن به امور زیر است:

۱- دگرگونی جایگزینی ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها، رفتارهای موجود با گرایش‌ها و رفتارهای مروج صلح و نفی خشونت،

۲- توانمندسازی مردم در همه سطوح با مهارت‌های گفتگو، میانجیگری، مدارا و همدلی،

۳- از میان برداشتن ساختارهای سلطه‌جو و استثمارگر از طریق مشارکت دموکراتیک و توانمند سازی مردم برای ایفای نقش فعال در فرایند توسعه،

۴- امحای فقر و نابرابری تبعیض آمیز در بین ملت‌ها و ترویج توسعه پایدار انسانی مبتنی بر مشارکت اجتماعی، و

۵- توانمندسازی اقتصادی و سیاسی زنان و فراهم کردن فرصت‌ها و زمینه‌های حضور برابر با مردان در همه سطوح تصمیم‌گیری.

به منظور اشاعه فرهنگ صلح باید از همه سازوکارهای موجود به‌ویژه آموزش حقوق بشر استفاده نمود. ایجاد فرهنگ صلح مستلزم اقدامات جامع آموزشی، اجتماعی و مدنی برای مردم در هر سنی است. یونسکو با الهام از اساسنامه خود فرهنگ صلح را ترویج می‌کند و دستیابی به آن را هدف راهبرد میان مدت خویش برای سال‌های ۱۹۹۶-۲۰۰۱ از طریق همه فعالیت‌های خود قرار داد در این راهبرد فرهنگ صلح شامل ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها و رفتارهایی است که گویا الهام بخش اعمال افراد در مشارکت متقابل اجتماعی مبتنی بر اصول آزادی، عدالت و دموکراسی، رعایت حقوق بشر، دگرپذیری و همبستگی، نفی خشونت، تلاش برای پیشگیری از جنگ و حل مشکلات از طریق گفتگو و مذاکره و مشارکت کامل انسان‌ها در فرایند توسعه جوامع است.^۲ یونسکو در این برنامه بر آموزش حقوق بشر در ایجاد

۱- سیمونیدس، جانوس، "حقوق بشرابعاد نوین و چالش‌ها، دستورالعمل آموزش حقوق در دانشگاه‌ها"، جلد ۱، ترجمه محمدعلی شیرخانی، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۳، صص ۴۳ و ۴۴.

۲- رنجبریان و نواب دانشمند، منبع پیشین، ص ۱۰۲.

صلح تاکید ویژه داشته، به صورتی که راهبردهای مشارکت در ایجاد صلح را به شرح زیر بیان کرده است:

- ۱- تشویق آموزش حقوق بشر، صلح، دموکراسی، دگرپذیری و تفاهم بین المللی،
 - ۲- ترویج حقوق بشر و مبارزه با تبعیض های نژادی،
 - ۳- حمایت از آموزش حقوق بشر و تحکیم روندهای دموکراتیک،
 - ۴- تشویق کثرت گرایی فرهنگی و گفتگوی بین فرهنگ ها، و
 - ۵- مشارکت در پیشگیری از مناقشات و تحکیم صلح پس از درگیری.^۱
- در سال ۱۹۵۰، شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل از یونسکو درخواست کرد تا از طریق رسانه های جمعی، امکان آموزش «اعلامیه جهانی حقوق بشر» که دو سال پیش از این به تصویب رسیده بود را برای همگان فراهم آورد. در سال ۱۹۵۱ اولین کمک آموزشی به نام «بیانیه حقوق بشر، اسناد و رهنمودهای آموزش» زیر نظر سازمان یونسکو انتشار یافت. در سال ۱۹۵۳، یونسکو نظام مدارس وابسته را برای ایجاد همکاری و صلح جهانی مطرح کرد که در همین راستا بیش از سه هزار موسسه آموزش ابتدایی و متوسطه در سطح جهان آغاز به کار کرد که تاکنون احترام به حقوق بشر و آزادی های بنیادین را آموزش می دهند.
- در سال ۱۹۷۸، «کنگره جهانی آموزش حقوق بشر» در وین برگزار شد. ۹ سال بعد، در سال ۱۹۸۷، «کنگره جهانی آموزش، آگاهی رسانی و اسناد حقوق بشر» در مالت، آرمان های مورد بحث در کنگره وین را بسط داد و به آن عمق بیشتری بخشید. در سال ۱۹۹۳ «کنگره جهانی آموزش حقوق بشر و دموکراسی» که گام دیگری از این فرایند به شمار می رفت، طرح فعالیت جهانی در زمینه آموزش حقوق بشر و دموکراسی را به ارمغان آورد. از دیگر اقدامات یونسکو در این زمینه، ایجاد مرکز «گفت و شنودها» توسط شورای اجرایی است که این مرکز به یونسکو این امکان را می دهد که به حل مسائل مربوط به رعایت حقوق فرهنگی و آموزشی که از سوی افراد یا موسسه ها طرح شده اند، یاری رساند. آموزش صلح از آموزش حقوق بشر هم می تواند بهره مند باشد. آموزش صلح بدون آموزش حقوق بشر بر اعمال منفی نظیر کاهش، اجتناب و حذف جنگ تمرکز می کند و به این ترتیب از پتانسیل مثبت آموزش حقوق بشر که بر شناسایی و اجرا و جهانی سازی منزلت انسانی استوار است، نمی تواند

۱ - یونسکو، "فرهنگ صلح و یونسکو"، ترجمه کمیسیون ملی یونسکو-ایران، کمیسیون ملی یونسکو-ایران، تهران، ۱۳۷۸، ص ۳.

بهره‌مند شود.^۱ به‌طور کلی آموزش حقوق بشر به عنوان یک عنصر تجربه واقعی، آموزش‌های صلح را قابل فهم‌تر می‌کند و جنبه تجویزی و هنجارهای مورد نیاز آموزش صلح را فراهم می‌آورد.^۲

بند چهارم: بهبود وضعیت زنان

یونسکو در راستای رسالت خود در حوزه برنامه‌های سازمان در آموزش، علوم، فرهنگ، ارتباطات و علوم اجتماعی، از دیرباز سعی در بهبود وضعیت زنان داشته است. این امر از طریق تشکیل یا مشارکت در برگزاری سمینارها، گردهمایی‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی، کارگاه‌های آموزشی، انجام بررسی یا مشارکت در آنها، گردآوری اطلاعات، چاپ و انتشار کتاب و نشریات، تدوین میثاق‌ها و ارائه به دول عضو صورت گرفته است. از نخستین برنامه‌های میان مدت ۶ ساله یونسکو (۱۹۸۲-۱۹۷۷) که به سه برنامه دو ساله اجرایی تقسیم می‌شد، هدف‌ها و طرح‌های ویژه زنان، برای رفع تبعیض از آنها و پیشرفت همه جانبه آنان به چشم می‌خورد. دیرینه‌ترین توصیه یونسکو در خصوص بهبود وضعیت زنان، توصیه، «رفع تبعیض از زن در امر آموزش» می‌باشد که در سال ۱۹۶۰ صورت گرفته است. همچنین از قدیمی‌ترین نشریات یونسکو که به‌طور ویژه به وضعیت زنان پرداخته است، می‌توان «کتابشناسی آموزش فنی و حرفه‌ای» در سال ۱۹۵۹، «بررسی تطبیقی زنان در جهان به آموزش حرفه‌ای» در سال ۱۹۶۱، و «دسترسی به آموزش ابتدایی» در سال ۱۹۶۲ را نام برد.

خط‌مشی‌های اصلی یونسکو درباره آخرین برنامه میان مدت این سازمان، با الهام از کنفرانس‌های بین‌المللی اخیر و جهت‌گیری‌های کنفرانس پکن در خصوص زنان را می‌توان به صورت زیر برشمرد:

الف) استفاده کامل از نظرات، تخصص‌ها، تجربیات و توان زنان در برنامه‌های سازمان که از طرق مختلف از قبیل تهیه فهرست زنان، متخصص و سرشناس جهان، تقویت شبکه‌های وابسته به زنان، همکاری با سازمان‌های بین‌المللی زنان نظیر «صندوق سازمان ملل برای

119-Stone, Adam, Human Rights Education and Public Policy in the United States: mapping the Road Ahead", human Rights Quarterly, 2002, Vol. 24. PP. 534-557, at 540.

2-Raredon, Betty. A, "Human Rights as Education for Peace, in Human Rights Education for Twenty-First century" ed. By George J. Andero Poulos and Richard Pierre claudé, Philadelphia, University of Pensylvannia Press, p.23.

پیشرفت زن»^۱ و «موسسه بین المللی پژوهش و آموزش در جهت اعتلای زن»^۲ دنبال شده است.

ب) تلاش در جهت اتخاذ خط مشیی که در تمامی سیاست گذاری ها برنامه ها و اجرای فعالیت های سازمان به زن و مرد، توجه یکسان شود. از جمله اقداماتی که در این خصوص انجام شده، ایجاد «واحد هماهنگی مربوط به زن» است که وظیفه عمده آن، تلاش و نظارت بر ملاحظه نیازها و منافع زنان در کلیه برنامه های سازمان است و این واحد با نمایندگی های ویژه امور زنان در کشورهای مختلف ارتباط دارد.

ج) تنظیم برنامه ها، طرح ها و فعالیت هایی که بتوانند تساوی بین زنان و دختران جوان در جوامع آنها نسبت به مردان میسر سازد. در این راستا اقداماتی چون تشویق دولت ها به الحاق به «کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض نسبت به زنان»، تقویت آموزش مسائل حقوقی به زنان در کلیه سطوح آموزشی و کمک به تغییر دیدگاه منفی نسبت به زنان در کتاب های درسی انجام پذیرفته است.

د) تقویت توان زنان در کلیه سطوح آموزشی، بررسی و تعیین موانع تحت پوشش قرار دادن دختران در آموزش ابتدایی و ایجاد تنوع های آموزشی به این منظور، تقویت نقش زنان در امر آموزش عالی به ویژه در رشته های علوم پایه، ارتباطات و انفورماتیک.^۳

در راستای پیشبرد این اهداف، در سال های اخیر تلاش شده است که زنان در فعالیت های یونسکو در تمامی مراحل و زمینه ها از مشارکت بیشتری برخوردار شوند. به علاوه کوشش می شود مطابق با ویژگی های منطقه ای، در برنامه ها و فعالیت های مخصوص زنان و دختران گروه های سنی مختلف به ویژه جوانان و زنان مسن بر استقرار شبکه ها، تبادل اطلاعات و توزیع دانش و انعقاد توافقی هایی فراتر از مرزها و فرهنگ ها بر مبنای اعلامیه و برنامه عمل سازمان ملل متحد برای فرهنگ صلح تأکید شود. ترویج و اجرای رفع همه اشکال تبعیض از زنان و سایر مصوبات بین المللی مرتبط با حقوق زنان نیز از جمله اولویتهای یونسکو در این زمینه است. سازمان همچنین بر ضرورت اشغال پست های تخصصی، مدیریتی و اجرایی در سطوح بالا توسط زنان تأکید دارد و کشورهای عضو را تشویق می نماید تا سیاست های

1- UNIFEM.

2- IWSTRW.

۳- جهان پناه، سیمین دخت، سهم یونسکو در بهبود وضعیت زنان و برگزاری چهارمین کنفرانس جهانی زن، مجله سیاست خارجی، سال ۱۳۷۴، دوره ۹، شماره ۲، ص ۷۴۶-۷۴۴.

مشخصی را به منظور فراهم آوردن زمینه‌های مشارکت هر چه جدی‌تر و گسترده‌تر زنان در صحنه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، علمی اتخاذ نماید.^۱ شایان ذکر است که یونسکو در جهت حمایت و بهبود وضعیت زنان، هر ساله در مراسم روز جهانی زن (۷ مارس) و ماه زن (مارس) با برگزاری سمینارها و نمایشگاه‌های مختلف، به تبادل افکار برای ارتقای جایگاه زنان می‌پردازد.

بند پنجم: یونسکو و جوانان

یکی از دغدغه‌های اصلی سازمان یونسکو در بخش علوم اجتماعی و انسانی، توجه ویژه به جوانان بوده است. در سال ۱۹۵۵، یونسکو به منظور مشارکت در اقدامات آزمایشی در امر تفاهم بین‌المللی و ایجاد مسولیت اجتماعی در میان جوانان، اقدام به اجرای نظام برنامه‌های کلی مربوط به جوانان نمود. یونسکو همواره به دنبال دستیابی به یک تصویر روشن و مشخص از نگرش‌ها، مسائل و خواسته‌های جوانان بوده است. این سازمان از طریق برنامه‌ها و طرح‌های خود تلاش نموده است که جوانان را به مشارکت هرچه بیشتر در ایفای نقش هرچه جدی‌تر در توسعه ملی کشورها تشویق و ترغیب نماید.^۲ در این راستا، مسیرهای مختلفی طی شده است. حمایت از توسعه تربیت بدنی و ورزشی و ارتقای آگاهی نوجوانان و جوانان نسبت به ابعاد اخلاقی آن از جمله اقداماتی است که برنامه‌های یونسکو دنبال می‌کند. در ابعاد آموزشی یونسکو تلاش نموده است با سازماندهی بورس‌های مطالعاتی برای رهبران و برنامه‌ریزان مسائل جوانان، آنان را با برنامه‌ها و فعالیت‌های مختلف علمی، فرهنگی، آموزشی، ورزشی و هنری خود در اقصی نقاط جهان آشنا نماید. علاوه بر این، یونسکو از سال ۱۹۹۴ با همکاری دو سازمان بین‌المللی "کنفدراسیون بین‌المللی مسافرت دانشجویان"^۳ و "فدراسیون سازمان‌های بین‌المللی مسافرت جوانان"^۴ طرح مسافرت جوانان از طریق کارت‌های بین‌المللی را به اجرا درآورده است. این کارت‌ها تسهیلاتی را برای جوانان در زمینه بازدید از مراکز علمی و فرهنگی فراهم می‌نماید. قدردانی از دانشمندان جوان و اهدای

۱ - نادری قطب‌الدینی، منبع پیشین، ص ۶۳.

۲ - میشل کونیل لاکوست، چهل و پنج سال فعالیت یونسکو: بخش دوم، مجله پیام یونسکو، سال ۲۳، شماره ۲۵۸، آذر ۱۳۷۰، ص ۶.

112- International Student Travel Confederation(ISTC).

113- Federation of International Youth Travel Organization(FIYTO).

جوایزی به آنان از دیگر برنامه‌های یونسکو است که این سازمان در چارچوب برنامه انسان و کره مسکون اجرا می‌نماید. بر اساس این طرح، پژوهشگران و محققان جوانی که بتوانند طرح‌هایی ارزنده در زمینه‌های برنامه‌های یونسکو اجرا نمایند گزارش‌های علمی خود را به این سازمان ارائه نمایند، جایزه نقدی دریافت می‌کنند.^۱

یونسکو در سال ۱۹۵۵ اقدام به تشکیل بخش جوانان نمود و در سال‌های ۱۹۶۸ و ۱۹۷۴ گزارش‌هایی را درباره موقعیت جوانان در سطح جهان و خط مشی یونسکو، به کنفرانس عمومی یونسکو ارائه داد. در سال ۱۹۷۹، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، پیشنهاد نمود که سال ۱۹۸۵ به‌عنوان "سال جهانی جوانان" نامیده شود و در بیست و دومین کنفرانس عمومی یونسکو که در "بلگراد"^۲ روسیه برگزار گردید، این پیشنهاد تصویب شد. هدف از برگزاری سال جهانی جوانان، جلب نظر مسولان کشورهای عضو، جهت حل واقع بینانه مسائل و پیشگیری از برخوردهایی است که احتمالاً پیش خواهد آمد. همچنین استفاده از نیروی لایزال جوانان در جهت بازسازی جهان آینده است. کمیته برگزاری سال جهانی جوانان، تفاهم نامه‌ای را در اکثر کشورهای عضو بر مبنای معطوف داشتن توجه جوانان به این تفاهم تدارک دیده است. یکی از فعالیت‌های این کمیته، شرکت دادن عده‌ای از جوانان و استادان در بورس‌های آموزشی سایر کشورهای عضو، انتشار نشریه و پوستر، ایجاد تسهیلاتی جهت جهانگردی به‌منظور ترغیب جوانان به سیاحت و مسافرت، انتشار کتاب و ایجاد گرایش به مطالعات فرهنگی بوده است.

از جمله فعالیت‌هایی که به مناسبت سال جهانی جوانان در جهان انجام یافته می‌توان به "اردوگاه‌های کار داوطلبانه" و "کنگره جهانی جوانان" اشاره کرد. یونسکو با حمایت و تشویق اردوگاه‌های کار داوطلبانه در کشورهای مختلف، به‌منظور حفظ میراث فرهنگی سرزمین‌ها، از نیروی جوان داوطلب هر کشور جهت مرمت و بازسازی آثار تاریخی و فرهنگی آن سرزمین استفاده می‌کند.

در بیست و دومین نشست کنفرانس عمومی یونسکو که از تاریخ ۸ تا ۱۵ ژوئیه ۱۹۸۵ در بارسلن اسپانیا برگزار گردید، کنگره جهانی جوانان ایجاد و مساله جوانان را مورد بررسی قرار

۱ - کونیل لاکوست، میشل، همایش آشنایی با یونسکو-کمیسیون ملی یونسکو در ایران و بررسی راه‌های همکاری آنها، کمیسیون ملی یونسکو-ایران، ۱۳۷۰، ص ۱۱۴.

داد. هدف این کنگره، بررسی جایگاه و نقش جوانان در جامعه بود و مروری بر آینده و پیشرفت‌های احتمالی این جایگاه تا سال ۲۰۰۰ داشت که مباحثی شامل "جوانان، تحصیل و کار"، "جوانان و ارزش‌های فرهنگی"، "جوانان، تفاهم متقابل و همکاری‌های بین‌المللی" نیز در این کنگره مطرح گردیدند.^۱

لازم به ذکر است که این توجه در سال‌های پایانی قرن بیستم و پس از آن، در برنامه‌های هزاره جدید قوت بیشتری به خود گرفت؛ به گونه‌ای که در برنامه میان‌مدت ۲۰۰۲-۲۰۰۷، توجه به جوانان، یکی از چهار اولویت یونسکو از لحاظ برنامه و بودجه را تشکیل می‌دهد.^۲

بند ششم: یونسکو، آفریقا و کشورهای کمتر توسعه یافته

اقدامات یونسکو در مورد آفریقا حول سه هدف که مکمل یکدیگرند تنظیم شده است که عبارتند از:

۱- توسعه و تقویت مهارت‌های انسانی در کشورهای عضو منطقه، و تشویق اقداماتی که در سطوح زیرمنطقه‌ای، هماهنگی میان برنامه‌های آموزش علمی و فناوری و دسترسی به آموزش پایه را برای همه تسهیل می‌کند.

۲- همسو کردن همکاری‌های بین‌المللی برای حمایت از ابتکارهای کشورهای عضو که مشوق ایجاد رابطه و همکاری با اتحادیه آفریقا، سازمان‌های زیر منطقه‌ای آفریقا، نظام ملل متحد، بانک جهانی و بانک آفریقایی توسعه هستند و در تدوین و اجرای سیاست‌ها و راهبردهای مشترک در زمینه‌های اولویت‌دار سازمان برای استقرار فرهنگ صلح و توسعه پایدار در آفریقا موثرند.

۳- ترویج مشارکت فعال مردم و نمایندگان جامعه مدنی در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه در تصمیم‌گیری‌های ملی و محلی، و تشویق عملکردهایی که به منظور تقویت روند همزیستی مسالمت آمیز، ایجاد دموکراسی، حاکمیت دموکراتیک و بردباری انجام می‌گیرد.^۳ یونسکو در مورد کشورهای کمتر توسعه یافته- که البته دوسوم آنها در منطقه آفریقا هستند- نیز موارد زیر را متعهد شده است:

۱- رحیمی، رحیم، سال جهانی جوانان، نشریه روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، شماره ۳۴، بهار و تابستان ۱۳۶۴، صص ۱۱۵ و ۱۱۶.

۲- دیگر اولویت‌های یونسکو عبارتند از: "زنان، آفریقا و کشورهای کمتر توسعه یافته".

۳- نادری قطبالدینی، منبع پیشین، ص ۷۸.

۱- توجه ویژه به محروم‌ترین گروه‌های اجتماعی، یعنی زنان و جوانان و اتخاذ اقدام‌های موثر به نفع آنان،

۲- گسترش و معرفی نمونه‌های موفق راه‌حل‌های جایگزین در مورد آموزش رسمی سنتی،

۳- تشویق به استفاده از علوم و فنون برای بهبود شرایط مادی زندگی در این کشورها،

۴- استفاده از فرهنگ، به مثابه اهرمی سیاسی برای مبارزه با فقر، از طریق خلاقیت‌های هنری، توسعه صنایع فرهنگی و حق مولف؛ و

۵- مساعدت در توسعه کشورهای کمتر توسعه یافته و دسترسی مردم این کشورها به فناوری اطلاع رسانی و ارتباطی.^۱

یونسکو، سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد یکی از مهمترین موسسات تخصصی سازمان ملل می‌باشد که دنباله‌رو سلف خویش، موسسه همکاری‌های بین‌المللی معنوی، می‌باشد که حوزه فعالیت‌های خویش را گسترش داده و از طریق آموزش، ایجاد روابط تربیتی، علمی و فرهنگی ملل جهان در جهت درک متقابل و معرفت واقعی‌تر و کامل‌تر از یکدیگر به اهداف صلح بین‌المللی و رفاه بشریت کمک می‌نماید. این سازمان اولین سازمانی است که پس از سازمان ملل متحد، که وظیفه اصلی حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی را داراست، نسبت به تقریب و نزدیک کردن افکار جهانیان و در نهایت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی متعهد شده است. اساسنامه یونسکو به صراحت هدف اساسی و اولیه یونسکو را حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌داند و معتقد است که همانطور که جنگ‌ها در اذهان مردم به وجود می‌آیند، دفاع از صلح باید در اذهان مردم به وجود آید. لذا معتقد به ایجاد ایجاد صلح از طریق ترویج تشریک مساعی میان ملل در امور تعلیم و تربیت و علوم و فرهنگ به منظور تقویت احترام جهانی به عدالت، حاکمیت قانون، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی می‌باشد که به موجب منشور ملل متحد برای مردم جهان بدون تمایز از حیث نژاد، جنس یا مذهب مورد تایید قرار گرفته است.

یونسکو، دارای سه رکن اصلی کنفرانس عمومی، شورای اجرایی و دبیرخانه می‌باشد که اهداف سازمان توسط این سه رکن اجرا می‌شود. حوزه‌های اصلی فعالیت یونسکو شامل آموزش، فرهنگ، علوم طبیعی، علوم اجتماعی و انسانی، اطلاعات و ارتباطات می‌باشد.

۱ فورنیه، فرانسین، گزارش همایش آشنایی با یونسکو و کمیسیون ملی یونسکو در ایران و راه‌های همکاری آنها، کمیسیون ملی یونسکو-ایران، ۱۳۷۲، ص ۱۰۵.

همچنین حفاظت از میراث فرهنگی، نابودسازی آپارتاید و تبعیض نژادی، آموزش حقوق بشر، بهبود وضعیت زنان و مواردی از این قبیل از جمله مهمترین برنامه‌های در دست اقدام سازمان یونسکو می‌باشند.

می‌توان گفت نقشی که در یونسکو در حفاظت و حمایت از صلح و امنیت بین‌المللی ایفا می‌کند، حالتی پیشگیرانه دارد. چراکه با نزدیک کردن ملت‌ها به لحاظ فرهنگی، ایجاد همکاری میان آنها از طریق برنامه‌های آموزشی، به ایجاد روابط حسنه و مبتنی بر اصول حاکم بر حقوق بین‌الملل اقدام می‌کند؛ حالتی که روابط میان ملل از پیشرفت روز افزون تقویت احترام جهانی و منطبق با رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان برخوردار می‌باشد. یقیناً در چنین حالتی صلح و امنیت بین‌المللی به‌هیچ وجه خدشه دار نخواهد شد.



فصل دوم

مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی

و نهادهای تضمین‌کننده آن

جنگ^۱ و صلح^۲ دو مفهوم و وضعیت کاملاً متمایز از همدیگرند. بشر از آن زمان که پا به عرصه وجود گذاشت، دمی از این دو فارغ نبوده است؛ یا گریبانگیر تنازع، تخالف، جنگ و مبارزه بوده و یا در صلح و صفا، همزیستی مسالمت‌آمیز داشته است.^۳

مقصود از صلح، تنها نبود جنگ نیست بلکه وضعیتی است که در آن کشورها در کنار یکدیگر همزیستی مسالمت‌آمیزی داشته باشند و با یکدیگر دارای روابطی عادی و طبیعی و دوستانه باشند. بر این اساس، حالت طبیعی بین دولت‌ها صلح است و جنگ - به هر علتی - حالتی موقتی و عارض است.^۴ داشتن صلح یکی از اساسی‌ترین حقوق بشر^۵ محسوب می‌شود. مردم کشورها حق دارند در صلح و آرامش زندگی کنند و از این آرمان در عرصه بین‌المللی در قالب یک حق مطرح می‌شود. صلح به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین حقوق مردم شناخته شده است اما باید گفت که حفظ صلح پیش‌نیاز اصلی تحقق حقوق بشر است و سایر حقوق بشری از جمله حقوق مدنی^۶، حقوق سیاسی^۷ و حتی حق بر توسعه^۸ یا حق محیط زیست سالم^۹ در سایه شوم جنگ و ناآرامی رنگ می‌بازد.^{۱۰} یقیناً با وجود دموکراسی در درون مرزهای ملی و رعایت حقوق بشر، هیچ‌گاه صلح و امنیت به مخاطره نخواهد افتاد. دلیل

1-War.

2- Peace.

۳- برزونی، محمدعلی، اسلام و اصالت جنگ یا اصالت صلح، مجله حقوقی نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۳۳، سال ۱۳۸۴، ص ۷۷.

۴- همان، ص ۸۰.

5- Human Rights.

6- Civil Rights.

7- Political Rights.

8- Right to Development.

9- The Right to a Healthy Environment.

10- UNESCO and Human Rights/http://WWW. UNESCO. org/General/Human Rights and peace/pp. 1-4. at. 2.

تأسیس جامعه ملل و سازمان ملل متحد هر دو حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بوده است؛ در برهه‌های مختلف تاریخی به دلیل نقض فاحش حقوق بشر از سوی کشورهای متجاوز، ملل جهان به محافظت و حراست از صلح و امنیت بین‌المللی گرد هم آمدند که این گردهمایی‌ها ابتدا منجر به تأسیس جامعه ملل در سال ۱۹۱۹، و با وقوع جنگ جهانی اول، که نتیجه اصلی شکست جامعه ملل بود، در نهایت در سال ۱۹۴۵ سازمان ملل متحد با هدف اولیه حفظ نظم، صلح و امنیت بین‌المللی پا به عرصه وجود گذاشت. در این سازمان وظیفه اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عهده شورای امنیت می‌باشد. اما مجمع عمومی و حتی دبیر کل سازمان ملل متحد هم بی‌تأثیر نیستند. حتی نهادهای تخصصی سازمان ملل هم دارای تأثیر در حفظ و امنیت بین‌المللی هستند که به تشریح آنها می‌پردازیم.

مبحث اول: مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی و ارتباط آن با مفاهیم بنیادین حقوق بشر و دموکراسی

مراد از صلح، که یکی از اهداف اساسی در صحنه بین‌المللی است، حالت طبیعی و بدون جنگ است که در آن همزیستی مسالمت‌آمیز شرافتمندانه رواج دارد و جزء ارزشمندترین و اصولی‌ترین نیازهای بشری است که در سایه آن زندگی اجتماعی در تعادل و توازن به سر می‌برد و آدمیان به جای درگیری و اختلافات، توان خود را در جهت تأمین زندگی مناسب به کار می‌گیرند.^۱ چنین صلحی که یکی از مسلم‌ترین حقوق بشر است، در پناه رعایت دموکراسی در درون مرزهای یک کشور به وجود می‌آید و تداوم می‌یابد. در این مبحث ابتدا به بررسی مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی به طور کلی و سپس به بررسی آن در میثاق جامعه ملل و منشور سازمان ملل متحد پرداخته است و سپس به بررسی ارتباط صلح و امنیت بین‌المللی با مفاهیم بنیادین حقوق بشر و دموکراسی می‌پردازیم.

گفتار اول: مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی

پرداختن به صلح و جستجوی راه‌های دستیابی به آن، یکی از اصلی‌ترین دلمشغولی‌های بشر در طول تاریخ بوده و هست؛ چرا که سایه جنگ اغلب بر حیات بشر احساس شده و البته هنوز هم همین سایه و دلمشغولی به قوت خود بلکه بیش از پیش وجود دارد و احساس

۱- برزونی، منبع پیشین، ص ۸۱.

می‌شود. با این حال، از یک منظر، با در نظر گرفتن فطرت و طبع بشر و همچنین مقایسه زمانی درگیری‌ها با شرایط صلح در طول تاریخ، اصالت با صلح است و پدیدارهای مغایر آن، امری غیرذاتی و عرضی تلقی می‌شوند که هر چند در برخی مقاطع بر حیات اجتماعی بشر سایه افکنده، اما این سایه با اهتمام و تلاش بشر قابل رفع خواهد بود.^۱ در واقع در مقابل دورنمای وحشتناکی که برای بشریت در پیش است، به عیان می‌توان دریافت که «صلح» تنها پیکاری است که ارزش درگیر شدن را دارد.^۲

اصطلاح صلح سنتاً به‌عنوان آزادی از جنگ و ستیز و به عبارت بهتر، فقدان جنگ و ستیز تعریف شده است. این مفهوم ایده‌آلیستی به‌ویژه بعد از جنگ جهانی دوم به عقیده‌ای تبدیل شده است که طبق آن «صلح در غیاب جنگ وجود دارد.» به این ترتیب، زمانی که یک کشور تحت تصرف کشور دیگر قرار دارد و جنگ میان آنها به پایان رسیده، تنها به این دلیل که روابط خصمانه میان آنها به پایان رسیده، روابط آنها طبق این مفهوم سنتی از صلح، باز هم صلح‌آمیز تلقی می‌شود. این طرز تفکر تحمل‌پذیر در مقابل برخوردهای مسلحانه، هر چند امروز مشخص‌تر است، اما از قدیم نیز وجود داشته است، زیرا جنگ به‌عنوان بخشی از موجودیت انسانی، همیشه وجود داشته است. از ادوار قبل از تاریخ، انسان گرفتار کشمکش‌های نظامی بوده و پیوسته در جستجوی راه‌هایی برای کشتار سریع‌تر بوده است.^۳ صلح، واژه‌ای است که عموماً به فقدان تجاوز، خشونت یا خصومت اشاره دارد، اما همچنان متضمن مفهوم وسیع‌تری است که دربردارنده سلامتی، روابط بین فردی یا بین‌المللی جدیداً بهبود یافته، امنیت در موضوعات رفاه اجتماعی یا اقتصادی، به رسمیت شناختن برابری و انصاف در روابط سیاسی و در موضوعات جهانی است. زمان صلح، یک وضعیت فاقد جنگ یا تعارض می‌باشد. به بیان دیگر درک ماهیت صلح در زمان فقدان یا از دست دادن آن روشن

۱- ساعد، نادر، چارچوب گفتمانی صلح و ابهامات، رهیافت حقوقی، مجمع جهانی صلح اسلامی (دپارتمان دانشگاهی)، ۱۳۸۹، ص ۹.

۲- کاسسه، آنتونیو، نقش زور در روابط بین‌الملل، ترجمه مرتضی کلانتریان، انتشارات آگه، تهران، ۱۳۷۵، ص ۵۹.

۳- ولی، وهاب، جنگ و صلح، مجله فرهنگ، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۷۰، ص ۳۳۵.

می‌گردد. اما به روی هر ناامنی، بی‌عدالتی اجتماعی - اقتصادی، بنیادگرایی سیاسی، مذهبی و ملی‌گرایی افراطی همه می‌توانند به نوعی منجر به نقض صلح شوند.^۱ به‌طور کلی، صلح دارای دو مفهوم متفاوت است. صلح منفی و صلح مثبت که در ادامه مطلب به تشریح آنها خواهیم پرداخت.

بند اول: صلح منفی

صلح منفی به عدم وجود قهر و خشونت سازمان یافته بین ملت‌ها، نژادها و اقوام مختلف اطلاع می‌شود.^۲ در ادبیات حقوقی و سیاسی، صلح منفی اساساً ناظر بر نبود و نفی جنگ است و نه سایر اقدامات برانداز صلح. البته که جنگ، خود مفهومی دقیقاً حقوقی است و تنها کاربرد گسترده نیروهای مسلح به‌منظور تهدید یا نقض تمامیت ارضی دولت‌ها و استقلال سیاسی آنها را در بر می‌گیرد. محدودیت در مفهوم حقوقی «جنگ»، دامنه مفهوم صلح منفی را نیز محدود می‌سازد. این در حالی است که منظور از صلح منفی بایستی نبود همه وضعیت‌های سلب آسایش و رفاه عمومی بشر و همزیستی مسالمت‌آمیز دولت‌ها باشد و هر چند "جنگ"، بارزترین نماد این وضعیت‌هاست، اما خشونت‌های کمتر از آستانه جنگ و همچنین روابط خصمانه غیرجنگی نظیر جنگ سرد، تبلیغات سیاسی و اقتصادی، جنگ‌های اقتصادی، روانی و فرهنگی که بدون کاربست قوه قهریه بوده و در نتیجه جنگ به‌معنای حقوقی محسوب نمی‌شوند، در قالب مفهوم صلح منفی قرار نمی‌گیرند.^۳ نفی سلطه بیگانه، سایت نژادپرستی و نقض حقوق انسانی نیز باید عناصر حیاتی مفهوم صلح منفی تلقی شوند، اما نکته جالب اینجاست که صلح منفی، صلحی حداقلی است و بدون اینکه گام برداشتن در مسیر موانع ماهوی و ساختاری صلح میان انسان‌ها، ملت‌ها، فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و دولت‌ها را تعقیب کند، تنها بر حفظ وضع موجود، نه وجود روابط دوستانه و نه وجود روابط خصمانه، تأکید می‌ورزد.^۴

۱- امینی‌نیا، عاطفه، حق بر صلح و عملکرد سازمان ملل متحد، مجمع جهانی صلح اسلامی، (دپارتمان دانشگاهی)، ۱۳۸۹، ص ۱۵۶ (ص ۱۷۷-۱۵۳).

۲- ولی، منبع پیشین، ص ۲۳۶.

۳- ساعد، نادر، گفتمان صلح عادلانه، مبنا و معنا، مجمع جهانی صلح اسلامی، تهران، ۱۳۸۹، ص ۲۲.

4- Sien Ho. Yee, Toward on International Law of Co-progressiveness, Lenden, Martinus, Nijhoff Pub., 2004, p. 7.

پس به نظر می‌رسد که مقصود ما از صلح، صلح منفی نیست. زیرا این صلح تنها شامل فقدان جنگ است و به سایر عوامل تهدید کننده صلح و امنیت توجهی ندارد.

بند دوم: صلح مثبت

اما صلح مثبت که لازمه آن نه تنها فقدان جنگ و قهر و خشونت بلکه همکاری و تعادل و میان ملت‌هاست.^۱ در قرائت معاصر و موسع از صلح مثبت، «جنگ» به «منازعه» تبدیل شده تا کاربست زور و همچنین شیوه‌های غیرقهری اما غیردوستانه در روابط اجتماعی اعضای حقیقی و حقوقی هر مجموعه سازمان یافته ملی یا بین‌المللی را تحت پوشش قرار دهد. به‌همین دلیل، صلح از نگرش‌های راجع به محدودسازی، کنترل یا ممنوعیت «جنگ» عبور کرده و «نزاع» را در همه سطوح شخصی و ژئوپلیتیک آن را در بر گرفته است. به تعبیری دیگر، جنگ از قالب سنتی به درآمده و قالب‌های جدید به خود گرفته است. جنگ ملت‌ها چهره جدیدی از جنگ در فراسوی درگیری‌های بین دولتی است.^۲ مسأله‌ای که آرامش در حیات بشری را تابعی مستقیم از نبود برخی شرایط مولفه‌های سلبی و بودن برخی ملزومات مولفه‌های ایجابی می‌نگرد. چنین رویکردی، نگرش جامع و مورد قبول در مطالعات صلح معاصر است که علاوه بر بنیادهای فلسفی و اجتماعی آن، در موازین و هنجارهای حقوقی بین‌المللی نیز از قوام و استحکام قانع کننده برخوردار است.

یونسکو به‌عنوان تخصصی‌ترین موسسه تخصصی سازمان ملل متحد در ارتباط با صلح و جنبه‌های فرهنگی، تمدنی و علمی آن، این نگرش را از ابتدای دهه ۱۹۹۰ در پیش گرفته و وارد کننده این مفاهیم در لایه‌های غیرسیاسی و حتی سیاسی ملل متحد و پشتیبان این روند محسوب می‌شود.

صلح مثبت مبتنی بر گذار از حداقل شرایط صلح به سمت حداکثرسازی وضعیت‌هایی است که در آن زندگی پایدار بشر در همه محیط‌های سیاسی، فرهنگی، تمدنی و جغرافیایی میسر گردد. چنین مسأله‌ای بر «تغییر اساسی» در وضع موجود استوار است و هرگز صلح واقعی و پایدار را در بستر ادامه شرایط کنونی محیط‌های مذکور جستجو نمی‌نمایند، بلکه شرایط موجود را مغایر با صلح می‌داند و همه بازیگران حقوق بین‌الملل را متعهد می‌سازد برای

۱- ولی، منبع پیشین، ص ۳۳۶.

2- D. Cortight, Peace, A History of Movements and Ideas. Cambridge, Cambridge Uni. Press, 2008, p. 5.

برطرف کردن موانعی که هم‌اکنون فراروی چنین صلحی وجود دارند، تلاش نمایند.^۱ بنابراین باید برای صلح جهانی، اقداماتی به نفع توسعه، حقوق بشر، امنیت انسانی و عدالت انجام دهند و با بیماری، فقر، نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، تبعیض‌ها، بیسوادی و آسیب‌های محیط طبیعی و اجتماعی مقابله کنند تا همه انسان‌ها بتوانند با بهره‌مندی از امکانات یک زندگی معمولی و عادی، در کنار هم و برای همدیگر، حیاتی متعالی را رقم زنند و همدلی و هموعی را تجربه کنند. صلح مثبت، دیگر مقوله‌های حقوق بین‌المللی همبستگی نظیر حق بر توسعه، میراث مشترک بشریت و محیط زیست را نیز با خود همراه دارد. در این صورت، همچنان‌که توسعه برابر ملت‌ها، دولت‌ها و افراد مستلزم وجود آرامش و امنیت خاطر یعنی صلح ذهنی، مادی، ملی و بین‌المللی است، صلح نیز تحکیم و تعقیب توسعه را یکی از مجاری و ابزارهای لازم در فرآیند صلح‌سازی جهانی می‌شمارد. پیوستگی این حق‌ها، جامعه بین‌المللی، دولت‌ها و ملت‌ها را به اقدام جامع و هماهنگ فرا می‌خواند. در این رویکرد، وضعیت صلح، هم وضعیت نبود جنگ و هم فقدان منازعه و حتی خشونت‌های غیرجنگی است و به‌همین دلیل نه تنها ناظر بر جنبه‌های سخت منازعه یعنی رویارویی دولت‌ها، ملت‌ها و حتی انسان‌هاست بلکه علل و بسترهای نرم‌افزاری فرهنگی، تمدنی، دینی و فکری را نیز در برمی‌گیرد. ناامنی، نبود عدالت اجتماعی و نابرابری‌های اقتصادی، از مهمترین علل برافکنی وضعیت صلح تلقی می‌گردد، که باعث از بین رفتن همدلی و اتحاد ملت‌ها و در نتیجه از بین رفتن صلح و امنیت بین‌المللی می‌گردند.^۲ در واقع باید به جای تعریف منفی صلح به‌عنوان فاصله زمانی بین جنگ‌ها یا شیوع خشونت فیزیکی، آن را به روشی مثبت و تلفیقی تعریف کرد. صلح نشانگر عدم خصومت آشکار و وجود روندها و شرایط برقراری صلح برای تضمین یک صلح پایدار و ایمن است که مضمون آن حالت رفاه و بهروزی و یک پروسه فعال است که در آن عدالت، مساوات و احترام به حقوق اساسی بشر به حداکثر رسانده می‌شود و خشونت هم به‌صورت ساختاری و هم فیزیکی به حداقل می‌رسد.^۳

۱- ساعد، منبع پیشین، ص ۲۴.

۲- همان، ص ۲۵.

۳- کابزودو، آلیشیا، صلح عادلانه و آموزش صلح، مجمع جهانی صلح اسلامی (منتخب مقاله‌ها)، تهران، سال ۱۳۹۱، ص ۵۴۱.

در ادامه به بررسی مفهوم صلح دو سند بین المللی مهم یعنی میثاق جامعه ملل و منشور ملل متحد می پردازیم:

بند سوم: میثاق جامعه ملل^۱ و صلح و امنیت بین المللی

جامعه ملل اصولاً برای ایجاد صلح و جلوگیری از جنگ و ممانعت از بروز خشونت میان کشورها و نهایتاً اداره صحیح جامعه بین المللی بنیاد گذاشته شد. خلع سلاح عمومی، نخستین گامی بود که این جامعه جهانی می توانست در جهت تحقق این اهداف بردارد. اندکی پس از تأسیس جامعه ملل، طرح های وسیعی برای عملی ساختن این منظور تهیه شد و بسیاری از حقوقدانان کوشیدند تا با تفسیر مواد میثاق، راه های موثری برای وصول به چنین مقصودی پیشنهاد نمایند. فرانسه با طرح نظریه «داوری، امنیت و خلع سلاح» در پنجمین اجلاس مجمع عمومی در سال ۱۹۲۴ بر آن بود که کشورها را به حل مسالمت آمیز اختلافات و کاهش سلاح دعوت و ترغیب نماید تا صلح و امنیت بر گستره خاک مستولی گردد و این مهم میسر نمی شد مگر اینکه کشورها برای حل اختلافات سیاسی خویش، به جای استفاده از زور و تجهیز نیروهای خود به سلاح های مخرب، از آئین های سیاسی حل آئین های قضایی مثل مساعی جمیله، پایمردی، کمیسیون های تحقیق و داوری و آئین های پیش بینی شده در ماده ۱۵ استفاده کنند.^۲

اعضاء جامعه ملل برای تأمین نظم بین الملل، نظرهای یکسانی نداشتند. عده ای طرفدار اقدامات منطقه ای و عده ای هم طالب اقدامات جهانی بودند. طرفداران اقدامات منطقه ای با توجه به خصوصیات جغرافیایی و اقتصادی و سیاسی مشابه مناطق مختلف جهان، مایل به وند که امنیت هر منطقه ای از عالم را به عهده کشورهای بگذارند که در آن مناطق منافع حیاتی داشتند. این دسته معتقد بودند که فقط و فقط از طریق انعقاد معاهدات منطقه ای و در نتیجه تأمین نظم منطقه ای می توان به صلح و امنیت بین الملل دست یافت. نظامی که این دسته از کشورها پیشنهاد می کردند با نظام میثاق کاملاً هماهنگ بود. اما از طرف دیگر کشورهای طرفدار نظریه امنیت جهانی معتقد بودند که اولاً معاهدات منطقه ای به آسانی به صورت اتحادهای نظامی درمی آیند و هر قاره ای را به اردوگاهی سیاسی و نظامی مبدل

24- The Covenant of the League of Nation.

۲- کلیار، کلود آلبر، سازمان های بین المللی از آغاز تا به امروز، ترجمه هدایت الله فلسفی، نشر فاخته، تهران، ۱۳۷۱، ص ۱۰۶.

می‌سازد که این امر صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره می‌افکند؛ ثانیاً نظریه امنیت منطقه‌ای با وظیفه اصلی جامعه ملل که ایجاد وحدت میان کشورها و همبسته نمودن هر چه بیشتر آنان به همدیگر است، در تناقض می‌باشد. زیرا دنیا را به گروه‌ها و دسته‌های مختلفی تقسیم می‌نماید که هر کدام برای خود آرمان‌های سیاسی جداگانه و هدف‌های خاصی دارند.^۱

در طول حیات جامعه ملل، به فراخور اوضاع و احوال سیاسی جهان، گاه نظریه امنیت جمعی و گاه نظریه امنیت جهانی مورد توجه واقع می‌شد. پروتکل ۲ اکتبر ۱۹۲۴ ژنو^۲، با تعمیم نظریه امنیت بین‌المللی به تمام جهان و محکوم کردن جنگ تجاوزکارانه و ارشاد کشورها به دادرسی اجباری، کوشیده بود که کار خلع سلاح عمومی را به ثمر برساند. این پروتکل با پر کردن خلأ میثاق در مورد محکومیت جنگ، حاکمیت کشورها را تا حد زیادی محدود می‌کرد،^۳ که این امر درست برخلاف آن طرح‌ها و معاهدات مربوط به داوری امنیت، خلع سلاح و کمک‌های متقابل بود که حاکمیت کشورها را حفظ می‌کرد. پروتکل ژنو که ابتدا در مجمع عمومی، نظر متفق اعضا را به خود جلب کرده بود، نهایتاً به تصویب تعداد کثیری از کشورها نرسید و در نتیجه هرگز به اجرا گذاشته نشد.

به‌طور کلی، افکار مربوط به استقرار صلح و امنیت جهانی براساس مقررات بین‌المللی اهمیت به سزایی دارد. این نظریه‌ها را نباید فقط به لحاظ تاریخ، مساعی صلح‌آمیز جامعه ملل قرار داد. زیرا چنین نظریاتی اعتباری دائمی و عمومی دارند و عوامل و مراحل برای پاسخگویی به نیاز افراد بشر به صلح پایدار و مناسب به شمار می‌آیند. چنین صلحی ارزان به دست

۱- همان، ص ۱۰۷.

26-Geneva Protocol for the Pacific Settlement of International Disputes.

۳- این پروتکل که طراحان آن دو دولتمرد یونانی و چکسلواکی یعنی «پولتیس و بنش» (Politis & Benes) بودند، با مخالفت دولت بریتانیا مواجه شد. زیرا بریتانیا نمی‌خواست که نیروهای دریایی و زمینی خود را برای استقرار صلح جهانی در اختیار جامعه بین‌المللی بگذارد. زیرا در این صورت نیروی دریایی انگلستان، ژاندارم بین‌المللی می‌شد. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: کلییار، کلود آلبر، سازمان‌های بین‌المللی از آغاز تا به امروز، ترجمه هدایت اله فلسفی، نشر فاخته، تهران، ۱۳۷۱، ص ۱۰۷.

نمی‌آید، زیرا برای ایجاد آن کشورها باید حاکمیت‌های خویش را تا حد زیادی قربانی کنند و این بهای ارزانی نیست.^۱

مقدمه میثاق جامعه ملل دربرگیرنده نکات حائز اهمیت است. به عبارت دیگر، این مقدمه نوعی اهداف و برخی از تعهدات عمده دولت‌های عضو جامعه ملل را دربر می‌گیرد. برطبق مقدمه میثاق جامعه ملل، هدف عمده و اصلی در شکل‌گیری این سازمان بین‌المللی، "ترویج همکاری بین‌المللی و دستیابی به (حفظ) صلح و امنیت بین‌المللی" بوده است. در این مقدمه تأکید شده که حفظ صلح و امنیت بین‌المللی با همکاری دولت‌ها از طریق راه‌های ذیل امکان‌پذیر است:

- ۱- پذیرش تعهدات مبتنی بر عدم توسل به جنگ،
- ۲- برقراری روابط آزاد، عادلانه و محترمانه میان ملت‌ها،
- ۳- اجرای کامل تعهدات به موجب حقوق بین‌الملل (به عنوان حقوق واقعی حاکم بر رفتار دولت‌ها)، و
- ۴- حفظ عدالت و احترام کامل به همه تعهدات ناشی از معاهدات در روابط ملت‌های نظم یافته.^۲

همانطور که بیان شد، هدف اساسی ایجاد جامعه ملل، جلوگیری از جنگ و ممانعت از بروز خشونت میان کشورها و اداره صحیح جامعه جهانی بود تا از این طریق بتوان به صلح و امنیت بین‌المللی دست یافت. در واقع حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از آرمان‌های اولیه جامعه ملل بود که این مهم را می‌توان به روشنی در مواد ۱۰، ۱۱ تا ۱۶ میثاق جامعه ملل پیدا کرد که به تشریح آنها می‌پردازیم.

طبق ماده ۱۰ میثاق: «اعضای جامعه ملل تعهد می‌نمایند که تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کنونی یکدیگر را محترم شمارند و در قبال هرگونه تجاوز خارجی از آن به دفاع برخیزند. در صورت وقوع تجاوز یا تهدید یا بروز خطر تجاوز، شورای اجرایی برای تحقق این تکلیف از وسایل لازم استفاده خواهد کرد.»

1 - Decenciere-Ferrandire, "Qualeques Reflexion Touchant le Reglement des Conflits Interantionsaux" RGDIP (Revue Generale de Droit International PublicTpedoneTparis.), 1929. p. 177, in korowi CZ, p. 131.

۲- طلایی، فرهاد، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، انتشارات جنگل، تهران، ۱۳۸۹، ص ۵۱.

این ماده به لحاظ مضمون جدیدی که داشت، از اهمیت زیادی برخوردار گردید. زیرا به موجب این ماده اعضا نه تنها مکلف به احترام به تمامیت ارضی و استقلال سیاسی موجود یکدیگر شده بودند، بلکه متعهد شده بودند در قبال هرگونه تجاوز خارجی، مدافع و متحد یکدیگر باشند. به همین جهت شورا موظف بود تا هنگام وقوع تجاوز یا تهدید یا هرگونه عمل تجاوزکارانه، اقدامات لازم را به عمل آورد تا اجرای این تعهد تضمین گردد.

این ماده هم جنبه فعال داشت و هم غیرانفعال. جنبه غیرانفعالی آن، احترام به تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دیگر اعضا جامعه ملل بود، و جنبه فعال آن هم ترغیب اعضا به حفظ این تمامیت و استقلال در قبال تهاجمات خارجی بود که از آن همکاری متقابل برای حفظ وضع موجود^۱ نتیجه گرفته می‌شد.^۲

مواد ۱۱ تا ۱۵ هم کلاً در مورد آئین حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی بود. طبق بند ۱ ماده ۱۱ میثاق: «هر نوع جنگ یا تهدید به آن که به طور مستقیم یا غیرمستقیم یک کشور عضو جامعه را در معرض خطر قرار می‌دهد، به کل جامعه برمی‌گردد و جامعه موظف است برای دفاع از حریم صلح جهانی به هر اقدامی دست بزند.»

همچنین طبق بند ۲ این ماده، در صورتی که بحرانی روابط بین‌المللی را مختل سازد و در نتیجه صلح و آرامش و روابط دوستانه کشورها را، که صلح جهانی بر آن مبتنی شده است، تهدید کند، هر یک از کشورهای عضو جامعه ملل حق دارد به سائقه صلح دوستی، از مجمع یا شورا درخواست رسیدگی کند.

در این ماده صلح به عنوان یک صلح بین‌المللی در نظر گرفته شده بود در صورتی که هر عنصری، صلح و امنیت یکی از اعضا به مخاطره می‌افکند، به مثابه به خطر افتادن صلح جهانی بود و کلیه اعضا به مقابله با آن می‌پرداختند. همچنین هر یک از اعضا می‌توانستند سبب ایجاد آشتی بین دو طرف شوند و به عنوان میانجی‌گر، واسطه صلح بین دو طرف درگیر شوند. براساس ماده ۱۲ میثاق جامعه ملل، دولت‌های عضو متعهد گردیده بودند تا اگر اختلافی میان آنها رخ می‌داد که ممکن بود منجر به درگیری نظامی یا جنگ گردد،

1- *Statu quo*.

۲- شایان ذکر است که به دلیل تأکید میثاق بر حفظ و بقای وضع موجود، سنای آمریکا اجازه نداد که رئیس جمهور، معاهده ورسای و در نتیجه میثاق جامعه ملل را امضا کند. زیرا در این صورت، آمریکا مستعمرات جدید خود را از دست می‌داد. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به کلییار، منبع پیشین، ص ۱۱۱.

می‌بایست موضوع را از طریق داوری یا تحقیق از سوی شورای جامعه ملل حل و فصل می‌کردند.^۱

ماده ۱۳ میثاق همه دولت‌ها را ملزم می‌کرد تا با حسن‌نیت کامل احکام داوری را اجرا نمایند و بر ضد دولت‌هایی که این احکام را رعایت می‌نمودند به جنگ متوسل نشوند. ماده ۱۵ میثاق در بین این مواد از اهمیت خاصی برخوردار است. زیرا طبق این ماده هرگاه میان اعضاء جامعه ملل اختلافاتی به‌وجود می‌آمد که موجب از بین رفتن روابط دوستانه اعضا می‌شد و در نتیجه آن صلح و امنیت بین‌المللی به مخاطره می‌افتاد و در صورتی که طبق ماده ۱۳ موضوع به مرجع داوری یا قضایی احاله نشده باشد، اعضاء جامعه موافقت می‌کنند تا این موضوع را در شورای اجرایی مطرح سازند. به‌موجب بند ۶ این ماده، اگر گزارش‌هایی شورا که متضمن طرحی برای حل اختلاف بود به تصویب کلیه اعضا نرسد، کلیه اعضا مکلف بودند با کشوری که خود را با خلاصه گزارش شورا وفق داده بودند، ستیز نکنند. اما به‌موجب بند ۷ همین ماده، در صورتی که شورا موفق نمی‌شد که نظر موافق همه اعضا را جلب نماید، اعضاء جامعه ملل متحد حق داشتند به هر طریقی که صلاح بدانند، حق و عدالت را مستقر نمایند. این بند با وضع این قاعده، در واقع به کشورها اجازه داده بود تا خود داور اعمال خود باشند و این چیزی نبود جز توجیه هرج و مرج در جامعه بین‌المللی که البته نتیجه تأسف بار و مستقیم آن شکست جامعه ملل در انجام وظیفه اصلی خود که همانا استقرار صلح و امنیت بین‌المللی بود.^۲

با توجه به بررسی مقدمه و مواد میثاق جامعه ملل به این نتیجه می‌رسیم که صلح و امنیت موجود در میثاق و اهداف آن، صلح مثبتی بود که می‌بایست علاوه بر حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، با ایجاد در روابط و همکاری میان اعضاء آنها را به هم نزدیک‌تر می‌کرد. به‌طور کلی، در مقایسه با سایر اسناد بین‌المللی هم‌عصر مثل کنوانسیون‌های لاهه، میثاق گامی به جلو برداشت. زیرا به‌منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و جلوگیری از تجاوز، شیوه‌های مسالمت‌آمیز حل اختلافات جایگاه ویژه‌ای یافت.^۳

۱- طلایی، منبع پیشین، ص ۵۸.

۲- کلیبار، سازمان‌های بین‌المللی از آغاز تا به امروز، پیشین، ص ۱۱۲.

۳- میرعباسی، سید باقر، حقوق بین‌الملل عمومی، جلد دوم، چاپ سوم، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۵، ص ۲۹.

بند چهارم: مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی در منشور سازمان ملل متحد

منشور ملل متحد مانند اغلب معاهدات بین‌المللی با یک پیشگفتار آغاز می‌شود. این پیشگفتار بیانگر عزم ملل متحد به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، احترام به حقوق بشر و کرامت انسانی، رعایت عدالت و رشد اقتصادی و اجتماعی و ایجاد زندگی بهتر برای همگان می‌باشد. این موارد اهداف ذکر شده در مقدمه منشور سازمان ملل متحد هستند. براساس قواعد بین‌المللی، مقدمه جزئی از هر معاهده محسوب می‌گردد بایستی در تفسیر معاهده مورد توجه قرار گیرد.^۱ هر چند که مقدمه معاهدات از جمله مقدمه منشور حاوی الزام حقوقی نمی‌باشد، اما اعتبار حقوقی دارند. به عبارت دیگر، مقدمه منشور اعتبار حقوقی دارد اما از قدرت الزام‌آور برخوردار نیست.^۲ در اینجا قسمتی از مقدمه منشور به‌ویژه آن قسمتی که در برگیرنده اهداف شکل‌گیری سازمان ملل متحد هست را بیان می‌کنیم:

«ما مردم ملت‌های متحد مصمم هستیم که نسل‌های آینده را از درد و رنج جنگ‌هایی که دو بار در طول حیات بشر، غم‌ها و دردهای ناگفته‌ای را برای بشر به وجود آورده است، نجات دهیم، تا دوباره اعتقاد راسخ خود را درباره حقوق بشر بنیادین، شأن و ارزش انسان، حقوق برابر زنان و مردان، حقوق برابر ملت‌های کوچک و بزرگ مورد تأکید قرار گیرد.... یکدیگر را تحمل کرده و با صلح و صفا و براساس حسن همسایگی در کنار یکدیگر زندگی نمائیم...» همان‌طور که قبلاً بیان شد، زیستن در محیطی سرشار از صلح و صفا و داشتن حقوق برابر بدون تبعیض نژادی، جنسی، مذهبی از آمال‌های اولیه بشر بوده که این مهم در مقدمه منشور به‌عنوان هدف اساسی شکل‌گیری سازمان ملل متحد ذکر شده است.

علاوه بر اهدافی که در مقدمه منشور سازمان ملل متحد درج گردیده است، ماده ۱ این منشور، به‌طور مستقیم اهداف این سازمان را بیان می‌نماید. براساس ماده ۱ این ماده، اهداف سازمان ملل عبارتند از:

۱- حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و برای این اهداف اتخاذ اقدامات دسته‌جمعی مؤثر برای پیشگیری و برطرف نمودن تهدیدات نسبت به صلح جهانی و سرکوب اعمال تجاوزکارانه و یا هر نقض دیگر به صلح، و مطابق با اصول عدالت و حقوق بین‌الملل استفاده از شیوه‌های

۱- طلایی، منبع پیشین، ص ۸۴.

۲- بیگزاده، ابراهیم، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، ۱۳۸۹، ص ۵۱۲.

مسالمت‌آمیز برای حل و فصل اختلافات بین‌المللی و تعدیل موقعیت‌هایی که منجر به نقض صلح می‌گردند.

۲- توسعه روابط دوستانه میان ملت‌ها براساس احترام به اصل حقوق برابر مردمان و حق تعیین سرنوشت توسط مردمان، و اتخاذ تصمیمات مقتضی دیگر برای تقویت صلح جهانی.

۳- دستیابی به همکاری بین‌المللی در خصوص حل و فصل مسائل بین‌المللی که دارای ماهیت اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، انسانی هستند و همچنین دستیابی به همکاری بین‌المللی در خصوص ترویج و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین برای همگان بدون تبعیض براساس نژاد، زبان جنس و مذهب، و

۴- ایفای نقش یک نهاد بین‌المللی به‌عنوان مرکزی برای هماهنگ نمودن اقدامات ملت‌ها در جهت دستیابی به این اهداف مشترک.^۱

این اهداف در واقع توجیه کننده فلسفه وجودی سازمان ملل متحد می‌باشند. با توجه به این اهداف است که عملکرد سازمان ملل متحد و اعضای آن جهت‌گیری می‌شود. این اهداف از پویایی زیادی برخوردارند و توانسته‌اند هم اعتبار و هم الزام حقوقی والایی را به دست آورند.

حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مهمترین هدف ایجاد سازمان ملل متحد می‌باشد. صلح، هدف اساسی و به‌قول قاضی بجاوی «هدف اهداف» سازمان ملل متحد می‌باشد.^۲ اهمیت این هدف به‌قدری است که اعلامیه ۱۹۴۳ مسکو^۳، آن را تنها هدف سازمان آینده اعلام کرده بود. هدف سازمان ملل از حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تنها حفظ آنها در روابط میان دو دولت نیست، بلکه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در کل جامعه بین‌المللی مدنظر سازمان ملل متحد می‌باشد.^۴

از دیگر اهداف سازمان در زمینه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌توان به توسعه روابط دوستانه بین ملل جهان و بودن مرکز همکاری‌های بین‌المللی و هماهنگی در تحقق اهداف مشترک اشاره کرد. منشور به صلح، نه فقط به‌عنوان عدم وجود جنگ در یک مقطع کوتاه،

۱- طلایی، منبع پیشین، ص ۸۵.

2 - BedJaoui, Mohammad, "Article 1. Commentaire General in Cotjean-Pellet Aern, Foteau Mathias. A. Pedone, Paris, 1982. p314.

40-MOSCOW Declaration-1943.

۴- بیگزاده، منبع پیشین، ص ۵۱۴.

بلکه به مثابه ایجاد دنیای مسالمت‌آمیزی براساس ارزش‌های متعالی انسانی نگریسته است که در گذشته کمتر تا این حد مورد توجه بوده است.^۱

در منشور سازمان ملل متحد، شورای امنیت مسئول اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد شده است. هر چند مجمع عمومی و بعضاً دبیرکل سازمان نیز در این مورد بدون نقش نیستند. که در این مطلب از حوصله بحث خارج است. منتهای مراتب، چه شورای امنیت، چه مجمع عمومی و یا دبیرکل هر کدام که برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اقدامی انجام می‌دهند، بایستی از راه‌های صلح‌جویانه و مسالمت‌آمیز انجام شده باشد و تنها در صورتی که طرف‌های یک اختلاف برای حل آن در استفاده از راه‌های صلح‌جویانه و مسالمت‌آمیز با شکست مواجه شوند، شورای امنیت می‌تواند به انجام اقدامات اجرایی که شامل اقدامات نظامی و غیرنظامی است در جهت جلوگیری و قطع تهدید نسبت به صلح و امنیت بین‌المللی دست یازد و در غیر اینصورت استفاده از نیروهای نظامی غیرمجاز شمرده شده است.^۲

صلح مثبت بسیار پررنگ‌تر از گذشته می‌باشد که در این مفهوم هرگونه عملی در تعارض با عدالت می‌تواند تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد شود. امروزه مفهوم صلح پایدار مطرح است و این صلح زمانی می‌تواند امکان‌پذیر باشد که با کلیه پدیده‌های تهدید کننده آن مبارزه شود و منجر به امحاء آنها گردد و در این میان سازمان ملل متحد دارای نقشی بی‌بدیل است.^۳

گفتار دوم: ارتباط صلح و امنیت بین‌المللی با مفاهیم بنیادین دموکراسی و حقوق بشر

صلح و امنیت بین‌المللی دارای ارتباط بسیار نزدیکی با دموکراسی و حقوق بشر می‌باشد. زیرا تا زمانی که در جامعه‌ای نظام دموکراسی برقرار نباشد، حقوق و آزادی‌های اساسی بشر رعایت نمی‌شود و در نتیجه صلح و امنیت بین‌المللی به مخاطره خواهد افتاد. در واقع، "دموکراسی،

۱- میرعباسی، منبع پیشین، ص ۳۲.

۲- امین‌زاده، الهام، مبانی اساسی منشور سازمان ملل متحد در مورد ایجاد صلح، نشریه حقوقی دیدگاه‌های حقوقی و قضایی، شماره ۴، زمستان ۱۳۵۷، ص ۱.

۳- بیگزاده، ابراهیم، در تکاپوی صلح پایدار، مجله دانشگاه علوم انسانی رضوی، شماره ویژه، ۱۳۸۷، ص ۱۷.

حقوق بشر و صلح و امنیت بین المللی سه مقوله‌ای هستند که وجود هریک به وجود دیگری ارتباط دارد و اینها هرمی را تشکیل می‌دهند که صلح و امنیت بین المللی در راس آن قرار دارد و عدم وجود هریک از دو عنصر دموکراسی و حقوق بشر باعث به مخاطره افتادن صلح و امنیت بین المللی می‌شود.^۱ در ادامه بحث، به تشریح این روابط می‌پردازیم.

بند اول: ارتباط صلح و امنیت بین المللی با دموکراسی

دموکراسی الگویی نوین است که سازمان ملل متحد، دولت‌ها و ملت‌ها در دهه‌های پایانی قرن بیستم و آغاز سده جدید، برای پرهیز از جنگ و خونریزی و استقرار صلح و امنیت بین المللی مورد توجه قرار داده‌اند. وظایف و عملکرد ارکان مختلف سازمان ملل متحد و اقدامات دولت‌های بزرگ نشان می‌دهد که رویکرد غالب در سازمان ملل متحد این است که دموکراسی یکی از پایه‌های تأمین صلح و امنیت پایدار بین المللی است. در سوابق شورای امنیت سازمان ملل متحد ملاحظه می‌شود که این شورا، به دلیل نقض دموکراسی در برخی کشورها، آن را نقض صلح و امنیت تلقی کرده و به استناد فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد، اقداماتی توصیه‌ای و بعضاً اجرایی را نسبت به آن کشور اجرا کرده است.

جنگ، نقض فاحش حقوق بشر، منازعات قومی- نژادی و جنگ‌های داخلی عمده‌ترین عواملی هستند که صلح و امنیت بین المللی را در قرون ۲۰ و ۲۱ به مخاطره افکنده‌اند. در رویکرد طرفداران دموکراسی، ریشه جنگ، ناامنی و مناقشات در جهان، فقدان دموکراسی است. در واقع، دموکراسی ضرورت زمان است و جهان امروز به سوی آن پیش می‌رود.^۲ پیوند میان صلح و دموکراسی برای نخستین بار در گزارش «پطروس گالی»، دبیر کل اسبق سازمان ملل متحد تحت عنوان «دستور کاری برای صلح» در سال ۱۹۹۲ و سند مکمل آن در سال ۱۹۹۵ مطرح شد. در این سند بین المللی حکومت قانون و استقرار دولت‌های دموکراتیک در کشورها لازمه تحقق صلح در جهان ارزیابی شده بود. سران دولت‌ها در

۱- این جمله بخشی از سخنان سرکار خانم "ایرینا بوکوا"، دبیرکل سازمان یونسکو، در پاسخ به سوالی تحت این عنوان که "در جامعه‌ای که حقوق بشر، دموکراسی، آزادی بیان و سایر حقوق بشری رعایت نمی‌شوند، سازمان یونسکو چگونه می‌تواند از صلح و امنیت بین المللی محافظت کند؟" که اینجانب به شخصه در سمیناری در دانشگاه تهران از ایشان پرسیدم، می‌باشد.

۲- احتشامی، هادی، بررسی جهانی شدن دموکراسی و تأثیر آن بر صلح و امنیت بین المللی، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۱، بهار ۱۳۸۸، ص ۱۸.

اعلامیه هزاره سازمان ملل متحد، اعلام کردند که از هیچ تلاشی برای ترویج دموکراسی و تقویت حکومت قانون فروگذار نخواهند بود و تصمیم می‌گیرند که توانایی همه کشورها را برای اجرای اصل و شیوه‌های دموکراسی تقویت نمایند. شورای امنیت سازمان ملل متحد هم که مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به‌عهده دارد، برقراری صلح در کشورها را با روند دموکراسی پیوند زده است. به‌عنوان مثال، این شورا طی قطعنامه‌های شماره ۸۴۱ در ژوئن ۱۹۹۲ و شماره ۱۵۴۶ در ژوئن ۲۰۰۴، اعاده حکومت قانونی در هائیتی و استقرار دولت دموکراسی در عراق را به نحوی با صلح و امنیت بین‌المللی مرتبط کرده است.

جهانی شدن فرایندی است که طی آن اجزاء مختلف و پراکنده جهان حرکتی به‌سوی هم دارند، به طوری که مرزهای حقوقی، سیاسی، انسانی، اقتصادی و فرهنگی گذشته به‌طور روزافزون در جهان واحد و یکپارچه ادغام می‌شوند. دموکراسی، در ساده‌ترین معنی آن عبارت است از آئین تصمیم‌گیری در هر گروه، انجمن یا جامعه که در آن همه اعضا از حق برابر در بیان عقیده و مورد توجه قرار گرفتن آن برخوردار هستند.^۱ «دموکراسی» روشی است معین برای رسیدن به نتایج نامعین. براساس این روش حکومت بدون خونریزی و از طریق انتخابات مستمر تعویض می‌شود. آزادی اقلیت و مخالف برای همیشه تضمین می‌گردد، قدرت توزیع می‌شود، حکومت حق مردم و مبتنی بر رای آنان است. اگر شهروندان نظام فکری و اجتماعی خاصی را نخواهند، آن نظام با خواسته مردم صحنه را ترک خواهد کرد.^۲

«صلح و امنیت بین‌المللی» حد و مرز خاصی ندارند و معمولاً در کنار هم به‌کار می‌روند. مقصود از صلح و امنیت وضعیتی است که اولاً جنگ به‌صورت پایدار از صحنه نظام بین‌المللی حذف شود و ثانیاً همکاری متقابل در ابعاد مختلف در حد امکان جایگزین شود. منشور سازمان ملل متحد، شورای امنیت را مسئول اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی قرار داده است. ماده ۳۹ منشور ملل متحد مقرر کرده که «شورای امنیت وجود هرگونه تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز را احراز و توصیه‌هایی خواهد نمود یا تصمیم

۱ - بیت‌هام، دیوید، راهنمای نوآموز دموکراسی، ترجمه گروه دموکراسی و کرسی حقوق بشر، مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، ۱۳۸۹، ص ۲۲.

۲ - احتشامی، منبع پیشین، ص ۱۹.

خواهد گرفت که برای حفظ صلح یا اعاده صلح و امنیت بین الملل به چه اقداماتی برطبق مواد ۴۱ و ۴۲ باید مبادرت شود.^۱

هدف از اجرای ماده ۳۹ که به شورای امنیت اجازه داده است برای استقرار صلح و امنیت بین المللی به اقداماتی دست بزند، این بوده که از نظر سیاسی، نظمی در پهنه گیتی پدید آورد و به هیچ عنوان منظور این نبوده که عدالت حاکم شود یا موازین حقوق بین الملل دقیقاً اجرا گردد.^۲ اشتغال اصلی سازمان ملل متحد پاسداری از حقوق یا عدالت نیست بلکه حفظ صلح و امنیت جهانی است.^۳ در ماده ۳۹ منشور ملل متحد، از سه اصطلاح استفاده شده است:

الف) تجاوز: این اصطلاح دارای مفهوم بسیار وسیعی است اما مجمع عمومی طی قطعنامه شماره ۳۳۱۴ مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴، با اجماع به تعریف تجاوز مندرج در ماده ۳۹ اقدام کردند.^۴ ماده ۱ این قطعنامه تجاوز را کاربرد نیروی مسلح یک دولت علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولتی دیگر، یا کاربرد آن از دیگر راه‌های مغایر منشور ملل متحد، آن‌چنان که در این تعریف آمده است، تعریف می‌کنند.^۵

ب) تهدید علیه صلح: این اصطلاح نیز به اندازه «تجاوز» معنا و مفهومی وسیع دارد. صلح و امنیت بین المللی ممکن است در اثر عوامل مختلفی به مخاطره بیفتد. از جمله اختلافات میان دولت‌ها و بحران‌های داخلی کشورها. «تهدید علیه صلح» در چارچوب ماده ۳۹ وضعیتی است که به طور مؤثر صلح و امنیت را به خطر انداخته و دارای ۲ ویژگی باشد. یکی «مخاطره و انفجارآمیز» دیگری «نقض تعهدی بین المللی».^۶

۱- عباسی، علیرضا، امیر چینیان، منشور سازمان ملل متحد و اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری، نشر جدید، تهران، ۱۳۸۰، ص ۴۲.

۲ - فلسفی، هدایت الله، شورای امنیت و صلح و جهانی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۸، سال ۱۳۶۰، ص ۴۳.

۳- کاسسه آنتونیو، حقوق بین الملل در جهانی نامتحد، ترجمه مرتضی کلانتریان، دفتر خدمات حقوق بین الملل جمهوری اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۴۴۴.

۴- شایان ذکر است که این قطعنامه لازم‌الاجرا نیست و تنها می‌تواند راهنمای عمل شورای امنیت باشد.

۵- فلسفی، شورای امنیت و صلح جهانی، پیشین، ص ۱۹۷.

۵- Combacau, J., "Le Pouvoir de Sanctions de l'ONU", Paris, Pedone, 1974, p. 100.

پس از جنگ سرد شورای امنیت وضعیت‌های مختلفی را به نقض گسترده حقوق بشر مربوط بودند، به‌عنوان «تهدید علیه صلح» احراز کرد. به‌عنوان مثال، شورای امنیت سرکوب اقلیت‌های کرد و شیعه از سوی دولت عراق و جریان آوارگان ناشی از این عملیات به کشورهای همسایه را تهدیدی علیه صلح و امنیت در نظر گرفت. در اینجا شورای امنیت فقدان دموکراسی را تهدیدی علیه صلح و امنیت در نظر گرفت.

ج) نقص صلح: این بند به نحوی به «سایر اعمال ناقص صلح» اشاره دارد که به تعبیری می‌توان جنگ و تجاوز را از جمله موارد خاص آن قلمداد نمود. همچنین تخلف از کلیه تعهدات نیز شامل نقض صلح می‌شود.^۱ در تفسیری که از این مفهوم به عمل آمده، تخلف از کلیه تعهدات بین‌المللی، "نقض صلح" دانسته شده است.^۲ بنابراین فقدان دموکراسی در جهان هم می‌تواند در قالب یکی از مفاهیم ماده ۳۹ قرار گیرد و سازمان ملل را وادار به اقدام کند. زیرا دموکراسی و آزادی بیان از حقوق اولیه بشر و از تعهدات اصلی دولت‌ها در جامعه بین‌المللی می‌باشد که در صورت نقض آنها می‌تواند اقدام جامعه بین‌المللی را به همراه داشته باشد. آنچه از اهمیت ویژه برخوردار است، اقدام سازمان ملل متحد در ایجاد زمینه‌های لازم جهت گسترش صلح و امنیت بین‌المللی از جمله گسترش دموکراسی است.

برای بررسی زمینه‌های مؤثر در تقویت فرآیند صلح و امنیت جهانی، لازم است گزارش دبیرکل اسبق سازمان ملل متحد، آقای پطروس گالی، تحت عنوان «دستور کاری برای صلح، دیپلماسی پیشگیری و استقرار و حفظ صلح» که در جلسه مورخ ۳۱ ژانویه ۱۹۹۲ توسط سران شورای امنیت به تصویب رسید را مورد توجه قرار داد. در این گزارش که بعد از جنگ سرد تهیه و ارائه شده است، نظر دبیرکل بر این اساس استوار است که با خاتمه جنگ سرد، سازمان ملل می‌تواند به وظیفه اصلی خود که حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است، بپردازد. وی بسترسازی صلح و برقراری امنیت بین‌المللی در دوران پس از جنگ سرد را بسیار مهم می‌داند با این استدلال که در این دوران، رژیم‌های خودکامه جای خود را به نیروهای دموکراتیک و دولت‌های تأثیرپذیر قرار داده‌اند؛ این جهانی بودن دموکراسی است که ما را وامی‌دارد تا آن‌را در روابط فیما بین دولت‌ها بسط و توسعه دهیم. در واقع مهم است که در

۵۵- فلسفی، شورای امنیت و صلح جهانی، پیشین، ص ۷۱.

55-Kelesen, Hans, "The Law of United Nation", London, Stevens, 1950, p. 727.

مقابل چشم‌اندازهای جدید زندگی بین‌المللی، نه تنها اندیشه دموکراتیک باید ارتقا یابد، بلکه باید به آن به عنوان یک غایت جهانی فکر شود.^۱

در این گزارش، توسعه یک حق اساسی بشر و مطمئن‌ترین بنیان برای صلح می‌باشد. به‌صورتی که بدون توسعه امکان صلح پایدار وجود ندارد. از نظر وی، عوامل توسعه پایدار عبارتند از: اقتصاد، محیط زیست، عدالت و دموکراسی. وی معتقد بود که «هر چند دموکراسی تنها وسیله دستیابی به حکومت بهتر و در نتیجه صلح و آرامش نیست، اما تنها وسیله قابل اطمینان است. زیرا دموکراسی امکان مشارکت وسیع مردم را فراهم می‌کند و تأمین‌کننده مشروعیت سیاسی دولت‌هاست. مشروعیت سیاسی موجب خواهد شد تا توانایی دولت جهت اجرای سیاست‌ها و وظایف خود به نحو مؤثر و کارا تقویت شود. دموکراسی با تأمین مسیرهایی جهت مشارکت مردم در تصمیمات، دولت را به مردم نزدیک می‌کند.» مطمئناً هر چقدر که روابط بین مردم و دولت نزدیک‌تر باشد و مردم در تعیین حق سرنوشت خود آزاد باشند، دموکراسی سریع‌تر برقرار خواهد شد و در نتیجه صلح و امنیت بین‌المللی در امان خواهد بود.

سند دیگری که به زمینه‌های صلح و به‌خصوص دموکراسی پرداخته است، «اعلامیه هزاره سازمان ملل متحد»^۲ است که در سال ۲۰۰۰ در نیویورک تشکیل شد و به تصویب رسید. ارزش‌های بنیادین ضروری روابط بین‌الملل در قرن ۲۱ در این اعلامیه عبارتند از: آزادی، برابری، همبستگی، بردباری، احترام به طبیعت و مسئولیت مشترک.^۳ در مبحث «آزادی»، حکومت‌های مردم سالار و مشارکتی بر مبنای اداره مردم، تأمین‌کننده حقوق مربوط به آزادی به بهترین نحو توصیف شده است. عملکرد بین‌المللی مؤید این امر است که غالب عملیات‌های حفظ صلح، متضمن استقرار دموکراسی و حمایت از حقوق بشر است.^۴

سازمان ملل متحد در استفاده از وسایل تنبیهی برای دفاع از حقوق بشر و دستاوردهای دموکراسی تردید نمی‌کند. اقدامات سازمان ملل در حمایت از دموکراسی در منشور سازمان

۱- غالی، پطروس، "حقوق بین‌الملل در تکاپوی ارزشهای خود: صلح، توسعه و دموکراسی"، ترجمه ابراهیم بیگ زاده، مجله تحقیقات حقوقی، بهار تا زمستان ۱۳۸۱، شماره ۳۵ و ۳۶، ص ۲۶۰.

2- United Nations Millennium Declaration.

۳- اعلامیه هزاره ملل متحد، مرکز مطالعات و اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران، ۱۳۷۹، صص ۳ و ۴.

۴- غالی، پطروس، تکاپوی جهان شمولی؛ تأملاتی بر حقوق بشر، ترجمه اردشیر ارجمند، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۲۱ و ۲۲، سال ۱۳۷۷، ص ۲۹۱.

ملل متحد منعکس شده است. هدف اولیه و اساسی سازمان ملل متحد حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است و اقدامات این سازمان در حمایت از دموکراسی عبارتند از: احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی افراد و ملت‌ها. همچنین ارکان مختلف سازمان ملل اعم از مجمع عمومی، شورای امنیت، شورای قیمومت و شورای اقتصادی اجتماعی حق صدور قطعنامه و توصیه‌نامه در زمینه چگونگی رفتار دولت‌ها با اتباعشان و رعایت آزادی‌های سیاسی و نظایر آن را دارند و از این طریق می‌توانند بر رژیم‌های سیاسی یک کشور و نوع آن موثر واقع گردد. بنابراین اقدامات مربوط به سازمان ملل، دخالت در امور داخلی کشورها محسوب نمی‌شود. مخصوصاً آنکه نقض اصول حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و وجود رژیم‌های سیاسی غیرمسئول و دیکتاتور و عدم وجود دموکراسی در یک دولت، پایه اساسی تهدید بر صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود.^۱

بررسی برخی مفاهیم اصول حقوق بین‌الملل در اثر تحولات مربوط به جهانی شدن دموکراسی متحول شده‌اند که به بررسی آنها می‌پردازیم:

۱- اصل حق تعیین سرنوشت ملت‌ها:

نخستین اصل «اصل حق تعیین سرنوشت ملت‌ها» است. ماده ۱ منشور ملل متحد تحت عنوان «مقاصد و اصول» در بند دوم به «توسعه روابط دوستانه در بین ملل بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و حق تعیین سرنوشت مردم» می‌پردازد. همچنین مواد ۵۵، ۵۶، بند «ب» ماده ۷۳ و «ب» ماده ۷۶ نیز به این اصل اشاره دارند. میثاق جامعه ملل، میثاق حقوق مدنی سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی نیز به این اصل اشاره کرده‌اند. آنچه مسلم است اینست که اصل تعیین سرنوشت ملت‌ها در قلمرو ضد استعماری تبلور یافته و در عمل نیز همین قلمرو مورد استناد و استفاده قرار گرفته است.^۲ می‌توان گفت این اصل (اصل تعیین سرنوشت ملت‌ها) با شناخته شدن «حق مشارکت عمومی» به سوی حق تعیین سرنوشت داخلی یا همان حق مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری سیاسی و اقتصادی در

۱- هنجی، سیدعلی، حقوق بین‌الملل عمومی ۲، (جزوه درسی)، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۵، ص ۱۳۶.

۲- گای اس، گودین گیل، انتخابات آزاد و منصفانه در حقوق و رویه بین‌المللی، ترجمه سید جمال سیفی و سید قاسم زمانی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، تهران، ۱۳۷۹، ص ۲۵۳.

کشورها متحول گردیده است این امر می‌تواند در مقابل کشورهایی که ناقض اصول دموکراسی در داخل کشور خود می‌باشند، مورد استفاده قرار گیرد.^۱

۲- اصل عدم مداخله:

مداخله دارای عناصری به شرح زیر است:

الف) نفوذ در امور کشور مستقل دیگر، ب) اجبار، ج) تحمیل اراده مداخله‌گر، و د) دخالت برخلاف مقررات حقوق بین‌الملل که برای اجرای مقاصد سیاسی می‌باشد.^۲

بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد مداخله را ممنوع اعلام کرده است. هیچیک از مقررات مندرج در منشور، ملل متحد را مجاز نمی‌دارد تا در اموری که ذاتاً جزء صلاحیت داخلی هر کشوری است، دخالت نماید و نیز اعضا را ملزم نمی‌کند که چنین موضوعاتی را تابع مقررات این منشور قرار دهند. لیکن این اصل به اقدامات قهری پیش‌بینی شده در فصل هفتم منشور تحت عنوان «اقدام در موارد تهدید علیه صلح، نقض صلح و اعمال تجاوز» لطمه وارد نخواهد آورد.^۳

بنابراین سازمان ملل متحد و به عبارت بهتر شورای امنیت می‌تواند در صورت از بین رفتن دموکراسی در یک کشور، به نمایندگی از ملل متحد به مداخله در امور آن کشور بپردازد و حقوق بشر ضایع شده در آن کشور احیا کند. همچنین در ماده ۵۶ منشور سازمان ملل، دولت‌ها متعهد شده‌اند که اقدامات لازم را به تنهایی و با همکاری خود سازمان ملل متحد برای انجام اهداف انسانی، اقتصادی و فرهنگی در درون جامعه سیاسی خویش انجام دهند و در هر صورت، هیچ دولتی خودسرانه چنین مسئولیت و حقی برای نظام و اجرای این وظایف در درون جامعه سیاسی دیگر نیست. حتی اگر هر دولتی را متعهد به تأمین مواد مندرج در ماده ۵۶ منشور فرض کنیم، باز هم تنها وظیفه دولت‌ها در انجام این تعهد، همکاری در سطح بین‌المللی با سایر دول است و این تعهد مجوزی برای به کارگیری زور و دخالت نظامی محسوب نمی‌شود.^۴

۱- احتشامی، منبع پیشین، ص ۲۸.

۲- اکبری، سید محمد، اصل عدم مداخله، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱، پاییز و زمستان ۱۳۷۸، ص ۲۲۳.

۳- عباسی، منبع پیشین، ص ۷۳.

۴- احتشامی، منبع پیشین، ص ۳۲.

به‌هرحال، مهم‌ترین اثر ایجاد مداخله، با توجه به اختیارات وسیع شورای امنیت در تفسیر بند ۷ ماده ۲ و ماده ۳۹ منشور، قابلیت سوء استفاده بسیار از آن تحت عنوان مداخله بشر دوستانه باشد به‌طوری‌که نظام بین‌المللی به‌سوی اعمال ترور توسط دولت‌های قدرتمند و تحمل آن توسط دولت‌های ضعیف می‌گردد. البته به‌طور متقابل، یک سری شرایط مطلوب هم وجود دارند که راه را به سوی دموکراسی هموار می‌کنند و عبارتند از اقتصاد بازار، همگنی فرهنگی، حکومت قانون و صلح.^۱

اقتصاد بازار کاپیتالیستی با ایجاد رفاه اقتصادی، و یک طبقه متوسط، پایه اساسی ثبات را فراهم می‌کند که تسهیل‌کننده بین اعضای یک جامعه معین است و رضایت افراد از محیط مادی اطرافشان، آن‌ها را بیشتر مستعد مشارکت در فعالیت‌های عمومی می‌کند و اعتماد افراد در طبقه متوسط بیشتر می‌شود و «اعتماد به آینده، ایجاد احترام برای دیگران می‌کند که پایه‌ای برای مصالحه است و تمام سازمان‌های دموکراتیک بر آن تکیه می‌کنند.»^۲ به‌طور کلی، افزایش رژیم‌های دموکراتیک، تأثیر بالقوه مثبت و مفیدی بر دیگر اهداف، مانند توسعه اقتصادی، عدالت و ثبات سیاسی و رسیدن به این اهداف می‌تواند داشته باشد.^۳ با افزایش تعداد و اعتماد افراد طبقه متوسط، که در واقع سربازان دموکراسی هستند، رأی می‌دهند و در انواع انجمن‌های شرکت می‌کنند و با هم فرهنگ سیاسی دموکراسی را تشکیل می‌دهند.^۴ بدون حکومت قانون و انتظار حداقل انصاف هم، عمل به مصالحه و همکاری برای شهروند عادی، بسیار پرمخاطره می‌شود. در واقع دموکراسی بدون مصالحه و همکاری نمی‌تواند رشد کند. آخرین شرط برای سلامت و بقای دموکراسی، وجود صلح و امنیت بین‌المللی است. در صورت وجود صلح و امنیت است که دموکراسی برقرار می‌شود. یک نظام سیاسی را زمانی می‌توان دموکراتیک نامید که صلح و امنیت در آن رواج داشته باشد به‌طوری‌که قدرتمندان صاحب تصمیم در آن نظام از سوی مردمی آزاد که حق رای

۱- الن ت، وود، دموکراسی‌های آسیایی، ترجمه زهرا زهرایی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۴، ص ۳۴.

۲- همان، ص ۳۵.

3 - Robert L. Roth sein, "Democracy, Conflict, and Development in the Third World", in the Washington Quarterly, Spring 1991, p. 44.

۴- ورود، منبع پیشین، ص ۳۵.

دارند و می‌توانند به درستی رأی بدهند و در انتخابات مرحله‌ای شرافتمندانه و رقابت‌آمیز و آزاد شرکت جویند، انتخاب می‌شوند.^۱

در صورتی که سرنوشت یک جامعه در اختیار مردم آن جامعه باشد که توسط نمایندگان قانونی آنها در کمال صحت و بر اساس قانون اساسی آن جامعه اجرا و اعمال می‌شود، حقوق و آزادی‌های اساسی آنها پایمال نشود و به عبارت بهتر روح دموکراسی در آن جامعه رواج داشته باشد، هیچ کشور یا سازمانی نمی‌تواند در امور مربوط به آنها دخالت کند و صلح و امنیت در مقدس‌ترین جایگاه خود قرار خواهد گرفت.

بند دوم: ارتباط صلح و امنیت بین‌المللی با حقوق بشر

ارتباط و نقش حقوق بشر در تقویت هر چبه بیشتر صلح و امنیت بین‌المللی، بدون تردید است. می‌توان گفت که صلح و امنیت بین‌المللی و حقوق بشر دارای رابطه عموم و خصوص من وجه است. در این راستا صلح و امنیت یکی از نیازهای اصلی بشری محسوب می‌شود که داشتن این نیاز در تمامی برهه‌ها و در تمامی جوامع از سوی بشر یک آرزوی همیشگی بوده که در مقاطع مختلف تاریخی و به واسطه زیاده‌خواهی سلاطین و پادشاهان و رهبران کشورها خدشه‌دار شده است. تا پیش از سال ۱۹۴۵ میلادی، حمایت از حقوق بشر، غالباً امری در صلاحیت داخلی کشورها محسوب می‌شد. حقوق بین‌الملل عرفی نیز محتوی هیچ محدودیتی در مورد آزادی کشورها در رفتار با اتباع خود به صلاحدید خویش نیست. تنها موارد نادری از تعهدات قراردادی در زمینه حقوق بشر به‌ویژه در مورد بردگی و اقلیت‌ها، آن هم در قلمرو محدود قابل مشاهده است.^۲ از آن جمله منشور حقوق بشر کوروش کبیر است که در آن آزادی تمامی افراد از هر نژاد و فرقه در آن ذکر شده است.

امروزه حفاظت از حقوق بشر به یکی از مهمترین جنبه‌های حقوق بین‌الملل معاصر تبدیل شده است. حقوق بشر شامل آن دسته از حقوقی هستند که برای همه افراد اساسی و ذاتی هستند و بر این اساس حفاظت از آنها ضروری است. از لحاظ تاریخی این حقوق ابتدا شامل حقوق مدنی و سیاسی بودند، اما قانون حقوق بشر توسعه یافت به نحوی که شامل دسته

۱- هانتیگون، ساموئل، موج سوم دموکراسی، ترجمه احمد شهرسا، انتشارات روزنه، تهران، ۱۳۷۳، صص ۱۰-۹.

۲- ساعد وکیل، امیر، حقوق بشر و صلح و امنیت بین‌المللی، چاپ دوم، مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، ۱۳۹۱، ص ۱۴۷.

دیگری از حقوق که حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی نامیده می‌شوند، گردید. همچنین یک سری جدید از حقوق مانند حق بر محیط زیست سالم، حق بر توسعه را نیز شامل شدند.^۱ ملاحظه می‌گردد در صورتی که این حقوق اولیه بشر رعایت گردند و به هیچ وجه نقض نگردند، صلح و امنیت نیز به همان اندازه پابرجا باقی می‌ماند و به خطر نمی‌افتد. در مقدمه منشور سازمان ملل متحد نیز اهمیت صلح بین‌المللی در تحقق بشر و آزادی‌های بنیادین استنباط می‌شود. آنجا که می‌گوید:

ما مردم ملل متحد مصمم هستیم تا نسل‌های آینده را از بلایای جنگ نجات دهیم و اراده خود را در رعایت حقوق بشر بنیادین، کرامت و ارزش فرد انسان با برابری حقوق زن و مرد و ملل کوچک و بزرگ مورد تأیید مجدد قرار دهیم و شرایطی را ایجاد کنیم که به موجب آن عدالت و احترام به تعهدات ناشی از معاهدات دیگر منابع حقوق بین‌الملل بتواند مورد صیانت واقع شود و پیشرفت اجتماعی و معیارهای عالی زندگی با آزادی بیشتر را ارتقا دهیم و برای نیل به این اهداف، به تساهل و مدارا و زیستن در حال صلح در کنار یکدیگر و با روحیه حسن همجواری و متحد ساختن قوای خود برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و قبول اصول و ایجاد روش‌هایی که عدم استعمال تسلیحات را جز در راه منافع مشترک تضمین نماید و توسل به ساز و کارها و مجاری بین‌المللی برای پیشبرد توسعه اقتصادی و اجتماعی تمام ملل...»

بدین ترتیب، مقدمه منشور ملل متحد نیل به عدالت و شرایط مناسب زندگی برای انسان‌ها و تحقق اهداف مندرج در سند موسس سازمان ملل متحد را تحت دو زمینه اعلام می‌دارد: یکی محفوظ نگه داشتن نسل‌های آتی از بلای جنگ و دیگری ایمان به حقوق اساسی بشر. این دو مقدمه همان چیزی است که بستر پر و بال گرفتن صلح و امنیت بین‌المللی را به عنوان مهمترین و اصلی‌ترین هدف سازمان ملل متحد فراهم می‌سازد. البته پیش از آن، میثاق جامعه ملل، که در تاریخ ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ به امضا رسیده بود، در دیباچه خود تلویحاً به این نکته پرداخته که تضمین صلح و امنیت بین‌المللی، مستلزم رعایت اصول و روابط بین‌الملل و مقررات بین‌الملل بر مبنای عدالت و شرافت است.^۲

1 - Talaie. Farhad, International law and Human Right Protection, International, Regional and National Developments, the Iranian Journal of International Affairs, Vol. XV, Fall-Winter 2003-2004, p 301.

۲- ساعد وکیل، منبع پیشین، ص ۱۴۸.

یکی از اهداف ملل متحد، نیل به همکاری بین المللی در حل و فصل مسائل بین المللی که دارای ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا بشردوستانه است و در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی های بنیادین برای همه بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب است. این مفهوم بند ۳ ماده ۱ منشور ملل متحد است که صراحتاً تقویت حقوق بشر را به عنوان یک موضوع اصلی مورد توجه و شناسایی قرار می دهد. همچنین فصل ۶ منشور، در مواد ۵۵ و ۵۶، مسئولیت ملل متحد در تشویق و احترام جهانی به حقوق بشر را یادآور شده و برای دولت ها تکلیف قانونی برای همکاری برای پیشبرد و حمایت از حقوق بشر قائل می شود. با آغاز فعالیت ملل متحد، تعداد زیادی از توافقنامه های بین المللی حقوق بشر، حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی اجتماعی و فرهنگی را به تفصیل ارائه دادند. کمیسیون های حقوق بشر و نظام های کنترل برای اعمال و اجرای این اسناد ایجاد شدند.^۱ از نظر عده ای مقررات مذکور به عنوان اصول کلی حقوقی شناخته شده در سراسر جامعه بین المللی که مصالح جامعه بشری را نیز به دنبال دارد و ماهیتاً قواعد تخطی ناپذیر سند جهانشمول منشور ملل متحد را تشکیل می دهد، به خودی خود یک تعهد حقوقی برای کشورها مبنی بر رعایت حقوق بشر ایجاد می کند و متعاقباً مسائل حقوق بشر از دغدغه های خاطر بین المللی و خارج از شمول موضوعات بند هفتم ماده ۲ منشور را تشکیل می دهد.^۲

تاکنون هیچ کشوری در استناد به بند هفتم ماده ۲، در مقابل دخالت ملل متحد در موضوعات حقوق بشر بر مبنای این مسأله که اساساً متعلق به صلاحیت داخلی کشورهاست، موفق نبوده است. در موارد نقض فاحش و سیستماتیک حقوق بشر، ارگان ملل متحد مقررات منشور را در مورد حقوق بشر به عنوان یک پایه حقوقی کافی برای دخالت، بدون توجه به وجود تعهدات حقوقی مشخص تری که براساس آن، کشورها موظف به احترام به حقوق بشر باشند، قلمداد کرده اند.^۳

1 - S. Pease, Kelly, "International Organization Perspectives on Governance in Twenty-first century", prentice-Hall, New Jersey, 2000, pp. 205-225, at 205.

۲- مطابق بند ۷ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد: «هیچیک از مقررات مندرج در این منشور، ملل متحد را مجاز نمی دارد در امریکه ذاتاً جزو صلاحیت داخلی هر کشور است، مداخله نماید و اعضا را نیز ملزم نمی کند که چنین موضوعاتی را تابع مقررات این منشور قرار دهند، لیکن این اصل به اعمال اقدامات قهری پیش بینی شده در فصل ۷ لطمه وارد نخواهد کرد.»

3 - CF, Rajan, "United Nations and Domestic Jurisdiction", Oxford university Press, Oxford, 1961, pp. 289-296 at 291.

علاوه بر منشور ملل متحد، چندین توافقنامه مربوط به حقوق بشر نیز به دست آمده است. در سال ۱۹۴۸، اعلامیه جهانی حقوق بشر از سوی مجمع عمومی ملل متحد، بدون هیچ رأی مخالفی صادر شد.^۱ این اعلامیه ۳۰ اصل اساسی را فهرست کرده است که برای کرامت انسانی، بنیادی تلقی می‌شوند. هر چند این اعلامیه به لحاظ حقوقی برای کشورها لازم‌الاجرا تلقی نمی‌شود، اما این اعلامیه به‌عنوان یک راهنمای معتبر جهت تفسیر منشور ملل متحد به کار می‌رود و بیانگر احساس جامعه بین‌المللی است. اعلامیه جهانی حقوق بشر متضمن حقوق مدنی و سیاسی از جمله حق حیات، آزادی، امنیت شخصی و مشارکت سیاسی است. همچنین اعلامیه حقوق اقتصادی و اجتماعی نظیر حقوق کار، تشکیل اتحادیه‌ها و حق برخورداری از یک معیار زندگی مناسب ناظر بر بهداشت و رفاه را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. این اعلامیه، مشخصاً رعایت حقوق بشر را به صلح بین‌المللی پیوند می‌دهد. مطابق مقدمه این اعلامیه، بنیان و مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان، شناسایی کرامت و تساوی آحاد بشر و حقوق غیرقابل سلب آنهاست. حقوق بشر در جهت تشویق روابط دوستانه بین ملت‌ها و احترام بین افراد ضروری تلقی می‌شود.^۲

امروزه صلح یک مفهوم چند بعدی دارد و نمی‌توان آن را به‌نبود مقوله جنگی و نظامی محدود کرد. از طرف دیگر در تفسیرهایی که از منشور سازمان ملل متحد به عمل آمد، حقوق بشر دارای جایگاه ویژه‌ای است. بنابراین این‌طور نیست که بحث مسأله حقوق بشر فقط یک مسأله داخلی قلمرو کشورها باشد و امروزه نقض حقوق بشر در هر جایی می‌تواند تهدیدی برای امنیت و صلح بین‌المللی تلقی شود. در طول تاریخ معاصر، از وسیله‌های متعددی به‌عنوان مداخلات بشر دوستانه برای دفاع از حقوق بشر استفاده شده است. اگرچه در حقوق بین‌الملل، حقوق بشر دارای ارزش و جایگاه والایی است و در کنوانسیون‌ها، اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و مصوبه‌های مختلف از حقوق بشر دفاع شده است، اما امروزه این موضوع به‌طور جدی‌تری در دستور کار دولت‌ها قرار گرفته و بر این اساس حقوق بشر یکی از انشعابات اصلی و مهم حقوق بین‌الملل است. از این حیث هر نقض حقوق بشری که در

۱- هر چند آفریقای جنوبی سابق و اتحاد جماهیر شوروی سابق و چند دولت بلوک شرق رأی ممتنع دادند.
2- S. pease, I bid, p. 206.

عرصه بین المللی صورت گیرد، بر سایر کشورها نیز تأثیر می گذارد و صلح و امنیت بین المللی را به مناقشه می کشاند.^۱

مردم کشورها حق دارند که در صلح و آرامش زندگی کنند و این آرزو در عرصه حقوق بین الملل در قالب یک حق مطرح می شود. صلح به عنوان یکی از حقوق مردم جهان شناخته شده است، اما باید توجه داشت که حفظ صلح، پیش نیاز اصلی تحقق حقوق بشر است و سایر حقوق بشری از جمله حقوق مدنی، سیاسی و حتی حق بر توسعه یا محیط زیست در سایه شوم جنگ و ناآرامی، که از مخلات اصلی حقوق بشری هست، رنگ می بازند.

از آغاز پیدایش حقوق بین الملل مدرن، عمده ترین تلاش ها به تضمین حفظ صلح و امنیت بین المللی و کاهش آثار مخرب ناشی از اختلافات بین المللی که می تواند زمینه ساز صلح بین المللی و در نهایت از بین رفتن حقوق بشر شود، تعلق گرفته است. علاوه بر تصویب کنوانسیون ها و صدور اعلامیه های متعدد در صد سال گذشته، برخی اقدامات اجتماعی مهم در راستای تأکید بر اهمیت و ضرورت حفظ صلح و امنیت بین المللی بر حقوق بشر صورت گرفته که یکی از آنها تعیین روز جهانی صلح از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد است. ابتدا مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۸۱، سومین سه شنبه سپتامبر هر سال را به عنوان روز جهانی صلح انتخاب کرد، که این تاریخ در سال ۲۰۰۲ میلادی به تاریخ ثابت ۲۱ سپتامبر (مصادف با ۲۷ شهریور) تغییر پیدا کرد. قطعنامه مجمع عمومی که این نامگذاری را انجام داده است، چنین اشاره می دارد که:

«روز صلح، به یادبود و تقویت آرمان های حقوق بشری میان ملت ها اختصاص پیدا می کند و می توان آن را تذکری برای جلب توجه مردم به این نکته داشت که سازمان ملل متحد با وجود همه محدودیت ها همچنان ابزاری زنده و پویا در خدمت به صلح است.»

در واقع این نامگذاری یادآور آرزوی دیرینه بشر به صلح است. سازمان ملل می کوشد تا در این روز با توجه دادن جهانیان به مسأله صلح، گامی در راستای دستیابی به این آرمان کهن بردارد، اما بهره مندی از صلح بیش از آنکه آرزویی دور از دسترس باشد، حتی برآمده از کرامت و حیثیت بشری است که بستری ضروری برای تحقق و اجرایی شدن سایر حقوق شناخته شده برای بشر به شمار می رود. چنین اقدامی از سوی مجمع عمومی سازمان ملل را

۱- شفیعی، نودری، رابطه صلح و امنیت بین المللی یا حقوق بشر، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، آبان ۹۱، ص ۱.

می‌توان یکی از تلاش‌های جامعه بین‌المللی برای تضمین و تأکید بر حق صلح به‌عنوان حق بنیادین بشری به‌شمار می‌رود. حق بر صلح در کار حقوقی چون حق بر توسعه، حق بر محیط زیست سالم، حق بر ارتباطات، حق تعیین سرنوشت و حق بر میراث مشترک بشریت از جمله حقوق بشری نسل سوم به‌شمار می‌رود. از آنجا که برای این حقوق، سند بین‌المللی الزام‌آوری وجود ندارد، لذا درج مکرر آنها در اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی، راه را برای ورود آنها به عرصه حقوق بین‌الملل عرفی و فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای تدوین در قالب اسناد بین‌المللی الزام‌آور، هموار می‌کند. اسناد بین‌المللی گوناگونی چون میثاق جامعه ملل، پیمان بریان کلوگ^۱، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، منشور سازمان ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر بر ضرورت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تأکید کرده‌اند. در پی ظهور این مفهوم در ادبیات حقوقی بین‌المللی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز با تصویب قطعنامه «آماده کردن جوامع برای زندگی در صلح»، گام تازه‌ای در مسیر نهادینه‌سازی «حق بر صلح» گذاشت. چندی بعد در سال ۱۹۸۴، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اقدام به صدور قطعنامه‌ای تحت عنوان «اعلامیه حق مردم بر صلح» نمود و در آن علاوه بر شناسایی حق صلح به‌عنوان یک حق بشری مقدس، دولت‌ها را مکلف به حفظ و ترویج آن در سطح ملی و بین‌المللی دانست. پس می‌توان نتیجه گرفت که صلح و امنیت بین‌المللی یکی از حقوق مهم بشری است که «اسناد و اعلامیه‌ها و بیانیه‌های بین‌المللی گوناگون، که شرح آن رفت به آن پرداخته شده و آن را یکی از مسلم‌ترین حقوق بشری دانسته‌اند به‌طوریکه سایر حقوق بشری در پرتو وجود آن شکل می‌گیرند.»

مبحث دوم: نهادهای تضمین‌کننده صلح و امنیت بین‌المللی

در این مبحث به بررسی نهادهای تضمین‌کننده صلح و امنیت در سطح بین‌المللی می‌پردازیم. قاعده‌تأبتدا بایستی به سراغ سازمان ملل متحد و ارکان اصلی آن رفت. چرا که مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را عهده دارند. سپس به سراغ موسسات تخصصی سازمان ملل متحد می‌رویم که در اجرای هدف غایی این سازمان به یاری آن می‌شتابند.

1- Kellogg-Berian Pact.

گفتار اول: سازمان ملل متحد و ارکان اصلی آن

تحوالات نظام بین‌الملل پس از پایان جنگ سرد، تأثیراتی بسیار بر عملکرد سازمان ملل در زمینه‌های مختلف به‌ویژه صلح و امنیت بین‌المللی داشته و حوزه فعالیت آن سازمان را تا حد زیادی افزایش داده است.^۱

بیش از نیم قرن از عمر سازمان ملل متحد می‌گذرد و در این مدت ساختار و فعالیت‌های سازمان با گسترش چشمگیری روبرو بوده است. اگر در سال ۱۹۴۵ تنها ۵۱ دولت به‌عنوان اعضای مؤسس در سازمان ملل متحد حضور داشته‌اند، امروزه تعداد اعضای این سازمان از ۱۹۲ دولت متجاوز است. در کنار افزایش اعضا، تحول فعالیت‌های سازمان را نیز می‌توان مشاهده نمود. از مهمترین فعالیت‌های سازمان که دچار تحول هم شده است، فعالیت در قلمرو صلح و امنیت بین‌المللی است که اصلی‌ترین هدف سازمان می‌باشد. این تحول در واقع گسترش مفهوم صلح را به ارمغان آورده است. اگر روزی فقط بروز مخاصمات مسلحانه، تهدیدی علیه صلح و نقض صلح به‌شمار می‌رفت، امروزه نقض حقوق بشر، نقض حقوق بشر دوستانه، کشتار جمعی، پاکسازی قومی، تروریسم، عدم وجود نظام دموکراتیک در کشورها و مواردی از این قبیل نیز صلح و امنیت بین‌الملل را تهدید می‌کنند.^۲

هدف اصلی سازمان ملل متحد حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. صلحی که مورد نظر سازمان ملل می‌باشد، صلح بین‌المللی است نه صلح داخلی. مگر در موارد اتفاقی و در جهت اجرای اعمال بین‌المللی باشد خصوصاً صلحی که مطابق با اصول عدالت و حقوق بین‌الملل باشد.^۳ طبیعتاً باید تمامی ارکان اصلی این سازمان در حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی ایفای نقش کنند، منتهای مراتب به دلیل فشردگی کار، در این پژوهش تنها به بررسی آن ارکانی پرداخته شده که دارای نقش مهمتری در این راستا می‌باشند. بنابراین در این گفتار به بررسی نقش شورای امنیت، مجمع عمومی، دبیرکل و دیوان بین‌المللی دادگستری خواهیم پرداخت.

۱- یوسفی، محمد مهدی، نقش سازمان‌های منطقه‌ای در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، مجله سیاست خارجی، سال دوازدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷، ص ۱۲۷.

۲- مارک سورل، ژان، سازمان ملل متحد و حل بحران‌های بین‌المللی، ترجمه ابراهیم بیگزاده، مجله نامه مفید، شماره ۱۴، تابستان ۷۷، ص ۱۱۷.

۳- امین‌زاده، منبع پیشین، ص ۲۰۵.

بند اول: شورای امنیت

شورای امنیت سازمان ملل متحد به‌عنوان نهادی است که به موجب منشور سازمان ملل متحد، طلایه دار نگهداری و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. این شورا نتیجه درک جامعه جهانی از تجارب خود مبنی بر ضرورت وجود ارگانی با صلاحیت‌های خاص، مندرج در منشور ملل متحد و متشکل از کشورهای قدرتمند در عرصه مناسبات بین‌المللی در زمان تأسیس سازمان ملل متحد و نیز نمایندگان جامعه بین‌المللی (به انتخاب مجمع عمومی) است. اختیارات و وظایف این شورا در زمینه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به نحوی است که می‌توان تصمیمات آن را در توسعه و تحول مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی و دیگر مفاهیم بسیار پراهمیت و مهم دانست.^۱

دگرگونی مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی، فرآیند بسیار مهم و حائز اهمیتی است که به‌دنبال ارتقای جایگاه نهادهای بین‌المللی، به‌ویژه شورای امنیت سازمان ملل متحد، پس از پایان جنگ سرد به‌وقوع پیوسته است. بر اثر این دگرگونی و تحول در شورای امنیت، وضعیت‌ها، موانع و قابلیت‌های جدید به‌عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد شده‌اند. برخلاف پیش‌بینی‌های میثاق جامعه ملل که شورا و مجمع را در وضعیت برابر قرار می‌داد، منشور ملل متحد، شورای امنیت را در مقایسه با مجمع عمومی، در وضعیت ویژه و برتری قرار داده است. دو دلیل برای این امر ذکر شده است: یکی اینکه شورای امنیت با تعداد اعضاء کم و تداوم جلسات از قدرت تصمیم‌گیری مؤثرتری برخوردار است، زیرا در کمترین زمان ممکن حاضر به تشکیل جلسه و تصمیم‌گیری در خصوص مسائلی هست که صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کند و دیگر اینکه قدرت‌های بزرگ در این رکن حضور دارند. حضور این قدرت‌ها باعث می‌شود تا شورا در تصمیم‌گیری‌های خود با مشکلات و موانع مالی و نظامی برخورد نکند.^۲ شورای امنیت تنها نهادی است که در چارچوب سازمان ملل متحد و مطابق با منشور این سازمان، صلاحیت تصمیم‌گیری در خصوص اقدامات اجرایی را داراست و به‌دلیل اهمیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، شورای امنیت بایستی همواره در دسترس

۱- همان، ص ۲۰۸.

۲- میرعباسی، منبع پیشین، صص ۸۹-۹۰.

باشد و بر این اساس نمایندگان دولت‌های عضو شورای امنیت بایستی همواره در مقر سازمان ملل متحد^۱ حضور داشته باشند.^۲ این شورا دارای ۵ عضو دائم و ۱۰ عضو غیردائم می‌باشد. صلاحیت‌های شورای امنیت در حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی: به استناد بند ۱ ماده ۲۴ منشور سازمان ملل متحد:

«به‌منظور تأمین اقدام سریع و مؤثر از طرف ملل متحد، اعضای آن مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به شورای امنیت واگذار می‌کنند که شورای امنیت در اجرای وظایفی که به‌موجب این مسئولیت به‌عهده دارد، از طرف آنها اقدام می‌کند.» این ماده مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عهده شورای امنیت گذاشته است. طبق این ماده، شورای امنیت مسئولیت اصلی و نه انحصاری حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد.^۳ شورا در راستای انجام این وظیفه خطیر، از دو دسته صلاحیت برخوردار است که به ترتیب در فصول ششم، هفتم و سایر فصول منشور ملل متحد، پیش‌بینی شده‌اند:

۱- صلاحیت شورای امنیت براساس فصل ششم منشور ملل متحد: حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌الملل:

فصل ششم منشور ملل متحد (مواد ۳۹-۳۳) به حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی اختصاص دارد. ماده ۳۳ منشور اعلام می‌دارد:

۱- طرفین هر اختلاف که ادامه آن ممکن است حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد، باید قبل از هر چیز از طریق مذاکره میانجیگری، سازش، دادرسی، رسیدگی‌های قضایی و توسل به نهادهای یا ترتیبات منطقه‌ای یا سایر وسایل مسالمت‌آمیز بنا به انتخاب خود، درصدد جستجوی راه حلی برای آن اختلاف باشند.

۲- شورای امنیت در صورتی که ضروری تشخیص دهد، از طرفین اختلاف خواهد خواست که اختلاف خود را با توسل به وسایل مزبور حل و فصل کنند.

همانطور که از بند اول این ماده پیداست، این خود دولت‌ها هستند که ابتدا باید تلاش کنند اختلافات خویش را از طریق مسالمت‌آمیز حل و فصل نمایند، و اگر موفق نشوند، این

۱- مقر سازمان ملل متحد شهر نیویورک آمریکا می‌باشد.

۲- طلایی، منبع پیشین، ص ۹۱.

۳- بیگزاده، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، پیشین، ص ۳۶۷.

شورای امنیت است که می‌تواند در حل آنها مداخله کند. در اینجا با وجود عبارت «در صورتی که ضروری تشخیص دهد» می‌توان قائل به وجود چنین اختیاری برای شورای امنیت شد. یعنی شورای امنیت می‌تواند خود رأساً اختلاف مورد نظر را بررسی و راه حلی برای آن عرضه نماید. اگرچه در عمل شورای امنیت زمانی تشکیل جلسه می‌دهد که درخواستی از سوی دولت‌ها، مجمع عمومی یا دبیرکل دریافت نماید. اما وجود چنین عبارتی شورای امنیت را حتی از «قدرت تبعیضی» در رو در رویی با اختلاف برخوردار می‌کند. شورای امنیت براساس چنین قدرتی می‌تواند از طرفین اختلاف بخواهد آن را از طریق مسالمت‌آمیز حل و فصل کنند و در اختلافی دیگر، دیگر چنین درخواستی را از طرفین ننماید.

تصمیم شورای امنیت مبنی بر حل و فصل اختلاف از طرق مسالمت‌آمیز برای طرفین اختلاف الزامی است و آنها مکلف به پذیرش آن تصمیم می‌باشند. مهم‌ترین دلیل این امر آن است که اختلاف مطروح فی‌مابین آنها از چنان ماهیتی برخوردار است که تداوم آن صلح و امنیت بین‌المللی را با خطر مواجه می‌کند و از آنجا که مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی با شورای امنیت است، لذا تصمیم آن رکن به حل مسالمت‌آمیز اختلاف مطروح، الزامی است.^۱

همچنین مطابق ماده ۳۴ منشور ملل متحد:

«شورای امنیت می‌تواند هر اختلاف یا وضعیتی را که ممکن است منجر به یک اصطکاک بین‌المللی گردد یا اختلافی ایجاد نماید، با این هدف که تعیین نماید آیا محتمل است ادامه آن اختلاف یا وضعیت مزبور، حفظ و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد، مورد رسیدگی قرار دهد.»

در این ماده هم مرجع تعیین به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی شورای امنیت معرفی شده است که شورا بایستی از طرق مسالمت‌آمیز آن اختلاف یا وضعیت را حل و فصل کند. به‌طور کلی مداخله خاص شورای امنیت در این فصل از منشور ملل متحد، در بررسی اختلاف و تحقیق و توصیه آئین ویژه و سرانجام توصیه آن راه‌هایی خلاصه می‌شود که شورا برای حل و فصل آن اختلاف مناسب تشخیص می‌دهد.^۲

۱- بیگزاده، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، پیشین، ص ۳۶۹.

۲- کلیار، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، پیشین، ص ۲۱۵.

۲- صلاحیت شورای امنیت براساس فصل هفتم منشور: اقدام در مورد تهدید بر ضد صلح، نقض صلح و عمل تجاوز:

یکی از بازرترین خصوصیت‌های منشور سازمان ملل متحد، مأموریتی است که به شورای امنیت اعطا شده و عنوان این رکن را در حفظ صلح و امنیت میان کشورهای عضو سازمان توجیه نموده است.

فصل هفتم منشور (مواد ۵۲-۳۹) اختصاص به مهمترین مساله یعنی اقدام در مورد تهدید بر ضد صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز دارد. اگر شورای امنیت عملی را تهدید بر ضد صلح، نقض صلح و یا تجاوز تشخیص دهد، می‌تواند توصیه‌هایی کرده و یا تصمیماتی را اتخاذ کند. قبل از هر اقدامی که شورای امنیت باید به حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی مبادرت کند، بایستی مطابق ماده ۳۹ منشور ابتدا به احراز وضعیتی بپردازد که تهدید بر ضد صلح و یا تجاوز محسوب می‌شود.

ماده ۳۹ منشور سازمان ملل متحد که ریشه در ماده ۱۱ میثاق جامعه ملل^۱ دارد، از سه عنوان «تهدید بر ضد صلح»^۲، «نقض صلح»^۳ و یا «عمل تجاوز»^۴ برای وضعیتی که به شورای امنیت امکان اقدام براساس مواد ۴۱ و ۴۲ منشور را بدهد، استفاده کرده است.^۵

هدف از کاربرد عنوان «تهدید بر ضد صلح»، گسترش میدان عمل شورای امنیت می‌باشد. این عنوان کلی می‌تواند وضعیت‌های بسیار فراوان و متنوعی را تحت پوشش قرار دهد. از بحران و درگیری‌های مسلحانه داخلی گرفته تا مخاصمات مسلحانه بین‌المللی می‌توانند به‌عنوان وضعیت‌های «تهدیدکننده صلح» لحاظ شوند. رویه شورای امنیت برای استفاده از عنوان «تهدید بر ضد صلح» آنست که اولاً وضعیت مطروح «تهدید جدی»^۶ بر ضد صلح باشد، ثانیاً این تهدید «بالفعل»^۷ باشد در غیر اینصورت شورا از تصمیم‌گیری در چارچوب

۱- ماده ۱۱ میثاق جامعه ملل بیان می‌دارد: صریحاً اعلام می‌دارد هر جنگ یا تهدید به آن که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم یک کشور عضو جامعه را در معرض خطر قرار می‌دهد، به کل جامعه مربوط می‌گردد.

94- Threat to the Peace.

95- Breach of Peace.

96- Act of Aggression.

۵- بیگزاده، ابراهیم و شهناز کلینی و منیژه یاقوتی، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، جلد اول، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۱، ص ۳۷.

97- Serious Threat.

98- Actual.

فصل هفتم خودداری خواهد کرد. عنوان نقض صلح، یک عنوان «خنثی»^۱ است. بدین معنی که به شورای امنیت این امکان را می‌دهد تا بدون آنکه دولت مسئول آن وضعیت را مشخص نماید، در چارچوب فصل هفتم تصمیم بگیرد.^۲ شورا از این اصطلاح در مخاصمات مسلحانه شدید استفاده می‌کند تا بتواند بدون تعرض به دولت خاطی، هم مبادرت به محافظت از صلح و امنیت بین‌المللی کند و هم امکان دستیابی به یک راه حل سیاسی را نیز حفظ کند.^۳ تعیین عنوان «تجاوز» و متجاوز برای انجام اقدام‌هایی براساس مواد ۴۱ و ۴۲ منشور ملل متحد نیز از اختیارات شورای امنیت است و این امر سبب شده که گاهی به رغم اعلام تجاوز از سوی مجمع عمومی یا حتی دبیر کل، شورا از شناسایی آن خودداری کرده است. شورای امنیت ممکن است براساس ماده ۴۱ منشور در صورت احراز عناوین مذکور در ماده ۳۹، تصمیم به اقدام غیرقهری بگیرد، که براساس آن می‌تواند مبادرت به قطع کلیه روابط دولت یا دولت‌های خاطی در قلمروهای سیاسی و اقتصادی و ارتباطی کرده و از طریق به انزوا کشیدن آن دولت یا دولت‌ها، به حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی بپردازد. در صورتی که اقدامات غیرقهری کافی نباشند، یا ثابت شود که کافی نیستند، شورای امنیت می‌تواند براساس ماده ۴۲ به اقدامات قهری بپردازد. که شامل حملات زمینی، هوایی و دریایی به دولت یا دول خاطی می‌شود که از این طریق به اعاده صلح و امنیت بین‌المللی مبادرت می‌کند.^۴

99- Neutral.

۲- به‌عنوان مثال می‌توان به قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت در جنگ ایران-عراق اشاره نمود.

۳- بیگزاده، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، پیشین، ص ۵۲۲.

۴- شورای امنیت همچنین دارای صلاحیت‌های دیگری بر اساس سایر فصول منشور می‌باشد که در اینجا از حوصله بحث ما خارج است و به طور اختصار بیان می‌شوند:

یکی از صلاحیت‌هایی که به‌طور انحصاری در فصول مختلف برای شورای امنیت پیش‌بینی شده‌اند مثل تحقیق در مورد هر اختلاف یا وضعیتی که می‌تواند منجر به یک عدم توافق بین‌المللی شده یا اختلافی را ایجاد کند (ماده ۳۴) یا اتخاذ تدابیری لازم برای اجرای احکام دیوان بین‌المللی دادگستری (ماده ۹۴)، دیگری صلاحیت‌های متقارن شورای امنیت با مجمع عمومی پذیرش عضو جدید (ماده ۴)، انتخاب قضات دیوان بین‌المللی دادگستری (ماده ۸). برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به بیگزاده، ابراهیم، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، همان، ص ۳۷۰. انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۹، صص ۳۷۰-۳۷۳.

بند دوم: مجمع عمومی

نقش و اختیاراتی که مجمع عمومی سازمان ملل متحد در خصوص پیشگیری، حل و فصل اختلافات و وضعیت‌های بین‌المللی و حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی دارد، اساساً مبتنی بر فصل چهارم منشور، مجمع عمومی، است. در چارچوب این فصل از منشور، مجمع عمومی شایستگی و قدرت لازم جهت بحث کردن و صدور قطعنامه‌ها درباره همه امور که در صلاحیت دیگر ارکان سازمان ملل نهاده شده و از آن جمله اختلافات و وضعیت‌های مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی هستند، را دارا می‌باشد.^۱

مجمع عمومی به‌عنوان تنها رکن اصلی فراگیر سازمان ملل متحد از صلاحیت نظارت بر کلیه فعالیت‌های سازمان ملل متحد برخوردار است. طبق ماده ۱۰ منشور ملل متحد: «مجمع عمومی می‌تواند هر مسأله یا امری را که در حدود این منشور و یا مربوط به اختیارات و وظایف هر یک از ارکان مقرر در این منشور باشد مورد بحث قرار دهد و مواردی از این قبیل، به اعضاء سازمان ملل متحد یا به شورای امنیت یا به هر دو درباره هر یک از مسائل و امور توصیه‌هایی بنماید.»

البته این صلاحیت کلی در چندین مورد با محدودیت همراه است. مواردی که مجمع عمومی حق مداخله در آنها را ندارد شامل مداخله در امور داخلی دولت‌ها (بند ۲ ماده ۷ منشور)، مداخله در هر وضعیت یا اختلاف در حال بررسی در شورای امنیت (بند ۱ ماده ۱۲) و انجام اقدام‌های عملی در قلمرو صلح و امنیت بین‌المللی (بند ۲ ماده ۱۱ منشور) می‌باشند.^۲

اما رویه عملی سازمان ملل نشان از توسعه صلاحیت‌های مجمع عمومی در زمینه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی دارد که متن منشور منعکس کننده آن نیست. به دلیل «وتو» ی پی در پی اعضاء دائمی شورای امنیت و فلج کردن ماشین تصمیم‌گیری آن، ابتدا در سال ۱۹۴۷ به استناد ماده ۲۲ به تشکیل «کمیسیون مقدماتی»^۳ مبادرت شد. این کمیسیون مرکب از کلیه اعضای سازمان ملل بود و در فواصل بین اجلاس‌های مجمع عمومی تشکیل جلسه می‌داد و می‌توانست به هر مسأله‌ای که از طرف مجمع عمومی به آن ارجاع می‌شد و یا از طرف کشورهای عضو در دستور کار جلسه مجمع عمومی قرار می‌گرفت، رسیدگی کند.

۱- میرعباسی، منبع پیشین، ص ۹۶.

۲- بیگزاده، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، پیشین، ص ۳۵۳.

کمیسیون مزبور بالاخص صلاحیت داشت که درباره مسائل مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بحث، مذاکره و تحقیق کرده و به مجمع عمومی توصیه و نیز از دیوان بین‌المللی دادگستری رأی مشورتی تقاضا کند. حوزه صلاحیت این کمیسیون مقدماتی که بعداً «مجمع کوچک» لقب گرفت، تقریباً منطبق با صلاحیت خود مجمع عمومی بود. اما به علت عدم شناسایی آن از طرف کشورهای بلوک شرق، عملاً از سال ۱۹۵۰ به بعد از کار ماند.^۱

متعاقباً در عمل، با تصویب «قطعنامه اتحاد برای صلح»^۲ در سال ۱۹۵۰، صلاحیت مجمع عمومی افزایش بیشتری یافت. به موجب این قطعنامه، به مجمع عمومی اختیار داده شده بود تا در صورت درخواست، ظرف ۲۴ ساعت تشکیل جلسه دهد و برای مقابله با تجاوز، استفاده از تدابیر اجرایی را توصیه کند. در واقع هدف این پیشنهاد، جبران ناتوانی شورای امنیت برای مقابله با تجاوز به علت عدم توافق بین اعضای دائمی آن بود.

علاوه بر این‌ها، تحولات عملکردی مجمع عمومی در سال‌های اخیر گویای نقش جدید این رکن در خصوص «پیشگیری» از اختلافات بین‌المللی که محتملاً صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر می‌اندازد، می‌باشد که در اعلامیه‌های سال ۱۹۸۸ و ۱۹۸۲ مانیل،^۳ پیش‌بینی شده است. این اعلامیه‌ها راجع به از بین بردن مناقشات و اوضاع و احوالی است که ممکن است صلح و امنیت بین‌المللی را مورد تهدید قرار دهد، و با تأکید مجدد بر نقش بازدارنده ارکان سازمان ملل متحد و از جمله مجمع عمومی در این خصوص، روش‌های پیشگیری و جلوگیری از بدتر شدن وضعیت یا اختلافی که محتمل است صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره افکند را مشخص کرده است. از جمله اعزام سریع یک هیأت تحقیق به عنوان مساعی جمیل و یا اعمال حضور سازمان به هر طریق مناسب دیگر و همچنین تعهد مجمع عمومی برای بررسی و تشویق تلاش‌های محلی توسط دولت‌های ذینفع یا ترتیبات و سازمان‌های منطقه‌ای به منظور جلوگیری یا رفع یک اختلاف یا وضعیت در منطقه مورد تأکید قرار گرفته است.^۴

۱- میرعباسی، منبع پیشین، ص ۹۹.

2 - "Uniting for Peace" Resolution.
109- Manila Declaration 1982 & 1988.

۴- میرعباسی، منبع پیشین، ص ۱۰۱.

بند سوم: دبیرخانه (دبیرکل)

دبیرکل به عنوان عالیترین مقام اداری سازمان ملل متحد، با همکاری دو رکن شورای امنیت و مجمع عمومی انتخاب می شود. دبیرکل اشتغالات سیاسی بسیار مهمی را بر عهده دارد. دبیرکل این حق را دارد که در هر موردی که به نظر وی ممکن است تهدیدی نسبت به حفظ صلح و امنیت بین المللی وجود داشته باشد، توجه شورای امنیت را نسبت به آن جلب کند.^۱ این اختیار شامل سه عنصر حق، مسولیت و تصمیم گیری می باشد.^۲

وی در مقام مجری تصمیمات سازمان ملل متحد از اختیارات وسیعی در تفسیر آنها برخوردار است. دلیل آن هم اینست که دبیرکل باید تدابیر لازم و صحیح را برای اجرای تصمیمات سازمان اتخاذ نماید.^۳ طبق ماده ۹۸ منشور سازمان ملل متحد "دبیرکل در این سمت (عالی ترین مقام اداری سازمان ملل متحد) در تمام جلسات مجمع عمومی، شورای امنیت، شورای اقتصادی اجتماعی و شورای قیمومت انجام وظیفه خواهد کرد. کلیه وظایف دیگری را که ارکان مذکور به او محول می کنند، انجام خواهد داد. دبیرکل گزارش سالانه ای درباره کار سازمان به مجمع عمومی خواهد داد." هرچند در منشور سازمان ملل متحد اختیارات دبیرکل به طور وسیعی مطرح شده است، اما آنها کلی بوده و در جزئیات وارد نشده است. این مساله بستگی به ابتکارات و سیاست های وی در استفاده از اختیاراتش در حل و فصل اختلافات دارد. به هر حال نقش دبیرکل برای انجام اقدامی مستقل مبهم است. نقش بالقوه دبیرکل تنها بر مبنای اقدامات متقابل دیگر ارکان اصلی سازمان، خصوصاً شورای امنیت و مجمع عمومی، و تحت شرایط حمایت کامل دولت ها می تواند به طور موثر اعمال گردد.^۴

آنچه مهم می نماید ابتکاراتی هستند که شخص دبیرکل به خصوص برای حل اختلافات و جلوگیری از تشدید بحران های بین المللی و به خطر افتادن صلح و امنیت بین المللی مورد استفاده قرار می دهد. ابتکاراتی که در قالب میانجیگری، مساعی جمیله و مواردی از این

۱ - ماده ۹۹ منشور سازمان ملل متحد.

112- De Cuelar, Javier Perez "The Role of UN Secretry-General", in A. Reports and B. kingsbury eds. United Nations Divided World, Claredon Press, Oxford 1993, p. 129.

۳- به عنوان مثال می توان به تصمیم «خاویار پرز دو کویلا» دبیرکل وقت سازمان در تشکیل کمیته ای برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت در مورد جنگ ایران و عراق اشاره کرد.

113- De Cuelar, Ibid, p. 133.

قبیل از اوایل تأسیس سازمان ملل متحد آغاز شده‌اند و با فراز و نشیب‌هایی همچنان ادامه دارند.^۱ ابتکارات دبیران کل سازمان ملل متحد در حل و فصل اختلافات و جلوگیری از تشدید بحران‌های بین‌المللی سبب طرح تئوری یا نظریه «دیپلماسی آرام» دبیرکل شده‌اند. این دیپلماسی در عمل بسیار مؤثر واقع شده است. می‌توان گفت که ایفای نقش سیاسی دبیرکل و توسعه آن یکی از شاخص‌های اصلی تحولی است که سازمان ملل متحد در طول حیات خود شاهد آن بوده است.^۲

بند چهارم: دیوان بین‌المللی دادگستری ((ICJ^۳

دیوان بین‌المللی دادگستری که یکی از ارکان سازمان ملل متحد می‌باشد، وظیفه‌اش حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است و به همین منظور بند ۱ ماده اول منشور ملل متحد، فراهم آوردن موجبات حل و فصل اختلافات بین‌المللی را لازم می‌شمارد. همچنین ماده ۹۲ منشور ملل متحد، دیوان را به عنوان رکن قضایی اصلی سازمان ملل متحد معرفی می‌کند، بر همین اساس طبیعتاً حل و فصل اختلافات بین‌المللی، از طریق راه‌های حل و فصل صلح‌آمیز اختلافات بین‌المللی (طرق حل قضایی)، می‌تواند کمک شایانی به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی کند. از طرف دیگر، با به کار گیری رای مشورتی، اقدام پیشگیرانه را برای جلوگیری از تبدیل اختلافات جزئی به اختلافات تهدیدگر صلح و امنیت بین‌المللی به عمل آورد.

این دیوان بر طبق فصل چهاردهم منشور سازمان ملل متحد و اساسنامه خود عمل می‌کند. اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری جزئی جدایی ناپذیر از منشور سازمان ملل متحد می‌باشد. بند ۱ ماده ۹۳ منشور سازمان ملل متحد مقرر می‌دارد که همه دولت‌های عضو

۱- برای مثال می‌توان به مساعی جمیله دبیرکل وقت سازمان ملل متحد، «آقای کورت والدهایم»، برای برقراری مجدد روابط عادی بین گینه و فرانسه در ۱۹۷۵ اشاره نمود.

۲- رجبی هنجی، نسرین، بررسی توسعه و تحول اختیارات و وظایف سیاسی دبیرکل سازمان ملل متحد، رساله کارشناسی ارشد، به استاد راهنمایی دکتر ابراهیم بیگ زاده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۲، ص ۷۵.

سازمان ملل متحد، به خودی خود عضو اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری نیز می‌باشند.^۱

برخلاف کسانی که معتقدند که صلح و امنیت بین‌المللی وظیفه شورای امنیت است و ارکان دیگر در این رابطه نقش مستقل‌تری ندارند، به نظر می‌رسد که تمامی ارکان ملل متحد در حدود اختیارات خود مستقلاً در حفظ صلح مؤثر بوده و دارای نقش می‌باشند. آنچه موجب اشتباه گردیده آنست که عده‌ای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را منحصرأ در توسل به زور دانسته‌اند و چون چنین اختیاری براساس منشور فقط در قالب شورای امنیت متصور است، لذا چنین پنداشته می‌شود که حفظ صلح و امنیت بین‌المللی نیز در حوزه اختیارات وظایف شورای امنیت می‌باشد. در حالی که توسل به زور و اقدامات قهری یکی از راه‌های حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، آن هم راه حل آخر می‌باشد.^۲ یکی از موضوعاتی که مبدأ و بستر نقض یا تهدید صلح و امنیت بین‌المللی است، اختلافات بین‌المللی می‌باشند. در همین رابطه، مقررات مندرج در بند ۳ ماده ۲ منشور ملل متحد مقرر می‌دارد که:

«کلیه اعضاء، اختلافات بین‌المللی خود را به وسایل مسالمت‌آمیز به طریقی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به خطر نیفتد، حل خواهند کرد.»

این ماده تعهدی مثبت را به عهده کشورهای عضو می‌گذارد. البته کشورها در انتخاب روش‌ها و طریقی که به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی بیانجامد، آزاد هستند.^۳

دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری ((PCIJ^۴ که از ارکان جامعه ملل بود، به سیستمی تعلق داشت که در چارچوب زمان، اساساً هدفش چیزی جز برقراری صلح به‌منظور حفظ وضع موجود نبود. در حالی که براساس نظر بلندپروازانه پایه‌گذاران دیوان بین‌المللی دادگستری، باید به سوی ایجاد یک جامعه بین‌المللی در حال پیشرفت که دارای عدالت و برابری است پیش رفت و برای این منظور اعضاء جامعه جهانی بایستی برای نشان دادن همبستگی

۱ - طلایی، منبع پیشین، ص ۱۰۴.

۲- جوانی، مارگریٹ، «نقش آراء دیوان بین‌المللی دادگستری در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی»، نشریه کانون وکلا، ۱۳۸۴، ص ۱۹۶.

۳- فریدی عراقی، عبدالحمید، روش‌های مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۳، ص ۵.

4 - Permanent Court of International Justice.

جهانی در یک تلاش فعال و جمعی برای برقراری صلح کامل و پایدار شرکت کنند.^۱ کار دیوان، صرفاً فیصله صلح‌آمیز اختلافات بین‌المللی که به‌وسیله منشور ملل متحد پیش‌بینی شده باشد، نیست؛ بلکه یک سیستم کلی است برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی. هیچکدام از مقررات منشور یا اساسنامه دیوان محدودیتی در این زمینه که دیوان در حفظ صلح مؤثر باشد ایجاد نکرده‌اند و مقررات ماده ۱۲ منشور نیز مانع از صدور رأی در یک اختلاف یا وضعیتی نیست که همزمان در شورای امنیت نیز مطرح باشد. به‌طور کلی دیوان از ۲ دسته صلاحیت در حل و فصل اختلافات بین‌المللی برخوردار است. صلاحیت توافقی و مشورتی.

الف: صلاحیت توافقی^۲:

صلاحیت توافقی دیوان عبارت است از حل و فصل اختلافات حقوقی فیما بین دولت‌ها براساس قواعد حقوق بین‌الملل. بنابراین دیوان، وسیله‌ای برای تحقق یکی از اهداف سازمان ملل متحد یعنی حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی بر طبق اصول عدالت و حقوق بین‌الملل می‌باشد که در نهایت به حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی می‌انجامد. مبنای این صلاحیت، «رضایت» دولت‌ها برای رسیدگی به اختلافات آنها می‌باشد.^۳ دیوان در اختلافات سیاسی نیز (از جنبه حقوقی) نقش بسیار مؤثری را داشته و می‌تواند داشته باشد، حتی در جایی که به‌کارگیری زور مطرح است. آقای «محمد بجاوی» رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری در این زمینه می‌گوید:

«رویه قضایی دیوان آشکارا اشاره دارد به کمک قطعی که دیوان در فرصت‌های مختلف به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی یا اعاده صلح بین دولت‌ها انجام داده است.»^۴

ب: صلاحیت مشورتی^۵

دیوان از طریق صلاحیت مشورتی هم می‌تواند در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مؤثر باشد. این روش به‌دلیل کمکی که می‌تواند در اختیار سازمان‌های بین‌المللی قرار دهد و ماهیت

۱- جوانی، منبع پیشین، ص ۱۹۹.

122- Contention Jurisdiction.

۳- بیگ زاده، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، پیشین، صص ۴۰۱ و ۴۰۲.

4 - Bedjaoui, Mohammed. "the place of Interantional Court of Justice in General System fot the Maintenance of Peace, International Court of Justice Room Press, 1987, pp. 4-5.

125- Advisory Jurisdiction.

اجرای انعطاف‌پذیر آن و غیرالزام‌آور بودن آراء مشورتی می‌تواند کمک زیادی به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی کند.^۱

به‌طور کلی، این نقش دیوان، یعنی فیصله مسالمت‌آمیز و صلح‌آمیز اختلافات بین‌المللی به‌طور غیرمستقیم، تأثیر شگرفی در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی دارد؛ که همین امر باعث شده دیوان بین‌المللی دادگستری یکی از محافظین اصلی صلح و امنیت در سطح بین‌المللی قرار گیرد.

گفتار دوم: گزیده‌ای از موسسات تخصصی سازمان ملل متحد

مبنای ایجاد موسسات تخصصی سازمان ملل متحد در منشور آن سازمان پیش‌بینی شده است که در این خصوص باید مواد ۵۷ و ۶۳ منشور ملل متحد مورد بررسی قرار گیرند. بر اساس ماده ۵۷ منشور ملل متحد: "موسسات تخصصی مختلف که به موجب موافقتنامه میان دولت‌ها تاسیس و بر طبق اساسنامه خود در قلمرو امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و سایر رشته‌های مربوط دارای مسولیت‌های وسیع بین‌المللی می‌باشند، برطبق مقررات ماده ۶۳، وابسته به سازمان ملل متحد می‌باشند." در همین راستا ماده ۶۳ منشور ملل متحد نیز بیان می‌دارد که: "شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند با هر یک از موسسات تخصصی مذکور در ماده ۵۷، قراردادهایی منعقد کند و شروطی را که به موجب آنها موسسه مربوط، وابسته به ملل متحد خواهد گردید معین نماید. این‌گونه موافقتنامه‌ها باید به تصویب مجمع عمومی برسد."

در پرتو این دو ماده، می‌توان ویژگی‌های زیر را برای یک موسسه تخصصی ملل متحد برشمرد:

- ۱- موسسه تخصصی به وسیله یک موافقتنامه بین‌المللی ایجاد می‌شود.
 - ۲- موسسه تخصصی دارای صلاحیت در قلمروهای تعیین شده در سند موسس خود می‌باشد.
 - ۳- موسسه تخصصی با یک موافقتنامه در پیوند با سازمان ملل متحد قرار می‌گیرد.
- این ویژگی بسیار مهم است، چون که براساس آن است که یک سازمان بین‌المللی با صلاحیت خاص امکان تبدیل شدن به موسسه تخصصی سازمان ملل متحد را می‌یابد. در واقع می‌توان

گفت که تمام موسسات تخصصی سازمان ملل متحد به نوعی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در تلاشند و هریک به سهم خود می‌کوشد از خدشه دار شدن صلح و امنیت جلوگیری کند. در این مبحث به دلیل محدودیت موضوع پایان‌نامه و فشردگی کار تنها به بررسی سه موسسات تخصصی "سازمان یونسکو، سازمان بین‌المللی کار و سازمان بهداشت جهانی" می‌پردازیم.

بند اول: سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (UNESCO)^۱

یکی از مهمترین طرق ایجاد صلح و تفاهم میان ملت‌ها، ایجاد همکاری در قلمروهای تعلیم و تربیت، علم و فرهنگ می‌باشد. این طریق از اوایل قرن بیستم همواره مورد توجه جامعه بین‌المللی بوده است.^۲ همکاری بین‌المللی در قلمرو امور فرهنگی و آموزشی از آن روی مفید می‌نماید که راه‌های تفهیم و تفاهیم متقابل ملت‌ها را هموار می‌سازد و به پیشرفت و گسترش علوم و در نهایت توسعه آموزش همگانی کمک می‌کند.^۳ سازمان تربیتی علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو) که سابقه شکل‌گیری آن به قبل از جنگ جهانی اول و بنا به پیشنهاد دولت هلند برای ایجاد یک سازمان بین‌المللی آموزش برمی‌گردد، که به دلیل وقوع جنگ جهانی اول عملی نشد، در سال ۱۹۴۵ میلادی پا به عرصه وجود گذاشت. هدف یونسکو طبق ماده ۱ اساسنامه‌اش عبارت است از افزایش همکاری میان ملت‌ها از طریق تعلیم و تربیت و علم و فرهنگ و از آن طریق حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است، تا به آن وسیله احترام عمومی به عدالت و قانون و حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان صرف‌نظر از نژاد، جنسیت، زبان یا دین تأمین گردد. یونسکو برای تحقق بخشیدن به چنین هدفی اعمالی به شرح زیر انجام می‌دهد:

- تسهیل شناخت و درک متقابل ملت‌ها از یکدیگر از طریق ابزار رسانه‌ای و ارتباطی،
- ایجاد همکاری میان ملت‌ها و کمک به توسعه فعالیت‌های تربیتی، علمی و فرهنگی، و
- کمک به حفظ و پیشرفت و نشر علم و دانش از طریق نگاهداری میراث باقیمانده علمی، هنری، فرهنگی و تاریخی جهان و توصیه به انعقاد معاهدات بین‌المللی لازم.

1 - United Nation Education Cultural Organization.

۲- بیگزاده، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، پیشین، ص ۶۸۰.

۳- کلیار، منبع پیشین، ص ۶۲۵.

سازمان یونسکو از طریق توسعه همکاری‌های فرهنگی بین ملت‌ها، به برقراری صلح کمک می‌کند که این همکاری‌ها پنج زمینه آموزش و پرورش، علوم طبیعی، علوم اجتماعی، فرهنگ و ارتباطات و گسترش روابط خارجی را در بر می‌گیرد.^۱ یونسکو به‌عنوان یک سازمان بین‌الدولی علاوه بر آموزش، کاهش بیسوادی کمک به رشد آموزش پایه برای همگان، کمک به آموزش و پرورش معلمان و مدیران و رفع عدم تعادل در تقسیم جهانی نیروی کار علمی و فنی، به‌طور مشخص در چهار قلمرو علوم طبیعی، علوم اجتماعی و انسانی، فرهنگ و ارتباطات فعالیت می‌کند،^۲ که از طریق این فعالیت‌ها، همکاری و ارتباطات میان دولت‌ها در این زمینه‌ها را افزایش می‌دهد که نهایتاً باعث دوستی و اشاعه فرهنگ صلح میان ملت‌های با فرهنگ‌های مختلف می‌شود.

اگرچه مسئولیت اصلی حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی طبق منشور سازمان ملل متحد به‌عهده شورای امنیت است، اما وقایع دنیای امروزه حاکی از آن است که ایجاد صلح از طریق افزایش همکاری میان ملت‌ها به لحاظ فرهنگی، علمی و آموزشی تأثیری دو چندان دارد نسبت به ایجاد صلح از طرق نظامی یا حتی قضایی. در این میان سازمان یونسکو با اجرای فعالیت‌های خویش نزدیک‌تر کردن ملت‌ها به هم، به لحاظ فرهنگی و اشاعه فرهنگ صلح از طریق آموزش دارای سهمی سترگ در حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی است. چرا که هر چقدر که ملت‌ها به هم نزدیک‌تر و روابط میان آنها دوستانه و صمیمی‌تر و باشد، فکر خشونت و جنگ کمتر به میان می‌آید. یونسکو از آغاز تأسیس تا به‌حال اقدامات بسیار مفیدی را انجام داده است. در قلمرو آموزش ابتدایی این سازمان فعالیت‌های دامنه‌داری برای مبارزه با بیسوادی در جهان کرده و ابتکاراتی بسیار جدی برای توسعه آموزش ابتدایی در سطح جهان علی‌الخصوص در کشورهای آسیای جنوبی و خاورمیانه از خود نشان داده است و عاملی مؤثر برای همکاری کشورها در این قلمرو بوده است. یونسکو برای همکاری کشورها و نزدیک کردن فرهنگ‌های مختلف به یکدیگر، فعالیت گسترده‌ای برای بهبود کتاب‌های درسی و ترغیب افراد مردم به آموزش و آشنا کردن جهانیان با سازمان ملل و دیگر سازمان‌های بین‌المللی نموده است.^۳

۱ - آقایی، داوود، سازمان‌های بین‌المللی، انتشارات سرای عدالت، تهران، ۱۳۸۷، ص ۱۶۳.

۲ - بیگزاده، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، پیشین، ص ۶۸۱.

۳ - کلیار، منبع پیشین، ص ۶۲۸.

از لحاظ فرهنگی، در حدی فراتر از اقدامات یاد شده، سازمان در راه گسترش همکاری علمی بین‌المللی، چه در قلمرو علوم انسانی و چه در قلمرو سایر علوم، گام‌های مؤثری برداشته است. همچنین به پیشنهاد این سازمان، معاهدات بین‌المللی بسیار در زمینه حفظ میراث‌های فرهنگی و معاهداتی عام در مورد حقوق مؤلف انعقاد یافته است. انتشار کتاب و مجله در مورد مسائل تربیتی و آموزشی و علمی و هنری نیز از جمله اقدامات دیگر این سازمان بوده است.

تاکید یونسکو به حفظ حقوق بشر و مخالفت آن با تبعیض نژادی سبب شده است که این سازمان به حمایت از هنرمندان، روشنفکران و آموزگاران که به خاطر آراء سیاسی خود زندانی شده‌اند، برخیزد.^۱ در نتیجه تأثیری که این سازمان در حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی دارد، شاید به جرات بتوان گفت که هیچ کدام از سازمان‌های بین‌المللی دیگر ندارد. چرا که این سازمان با ایجاد همکاری‌های هر چه بیشتر میان ملت‌ها و افزایش علم و آگاهی در بین آنها، به محکم کردن ریشه‌های صلح و امنیت و برافکندن جهل و نادانی که ریشه اصلی جنگ‌های خانمانسوز و تهدید اصلی صلح و امنیت بین‌المللی به شمار می‌رود، اقدام نموده است.

بند دوم: سازمان بین‌المللی کار (ILO)^۲

مسأله حمایت قانونی از کارگران از زمانی مطرح شد که صنایع بزرگ به وجود آمد و «کارخانه» یکی از مفاهیم زندگی اجتماعی بشر گردید و به این دلیل آن بود که در چنین عصری وضع بهداشتی و شرایط کارگران در کارخانه‌ها شایسته شأن انسانی ایشان نبود. به‌همین جهت، مردان بزرگ روزگار که تحمل چنین استثماری را نداشتند، از این ستمکاری برآشفتنند و به دفاع از این طبقه کمر بستند تا آنجا که دولت‌ها را ناگزیر کردند که قوانینی در جهت حمایت از حقوق کارگران به تصویب برسانند. اما رقابت شدید میان صنایع مختلف کشورها، سرانجام این واقعیت را آشکار ساخت که حمایت واقعی و موثر از کارگر فقط از رهگذر وضع مقررات بین‌المللی امکان‌پذیر است.^۳ به موازات اقدامات دولت‌ها، اتحادیه‌های

۱ - آقایی، منبع پیشین، ص ۱۶۴.

2 - International Labour Organization.

۳- کلیار، منبع پیشین، ص ۶۰۲.

خصوصی نیز در جهت حمایت از حقوق کارگران گام‌هایی برداشتند. در اوت ۱۸۹۷ در زوریخ آلمان و در سپتامبر همان سال در بروکسل دو کنگره بین‌المللی برپا شد که در آن‌ها نمایندگان اتحادیه‌های کارگری و اقتصاددانان شرکت کردند. در آخرین جلسه کنگره تصمیم گرفته شد اتحادیه‌ای برای رسیدگی به مسائل کارگری تشکیل شود. این اتحادیه که اساس آن در کنگره تدوین مقررات کار در پاریس ریخته شد، در ۱۹۰۱ در شهربال سوئیس با نام «اتحادیه بین‌المللی حمایت قانونی از کارگران»^۱ تأسیس شد. هدف این اتحادیه که از ۱۴ شعبه ملی متشکل شده بود، بررسی مسائل مربوط به حمایت از حقوق کارگران در رشته‌های مختلف کار و تهیه طرح معاهدات بین‌المللی بود که همه کشورها با آن موافقت داشتند.

در هنگامه جنگ جهانی این فکر به وجود آمد که پس از پایان نبرد، کنفرانس صلح باید مسأله حمایت از حقوق کارگران را جداً مورد توجه قرار دهد. سازمان‌های کارگری مختلف مثل فدراسیون آمریکایی کار در سپتامبر ۱۹۱۴، اتحادیه عمومی کار (C. G. T)^۲ فرانسه در ۱۹۱۵ و کنفرانس سندیکالیست‌های متفقین در لیدز در ژوئیه ۱۹۱۶ همه مدافع چنین اندیشه‌ای بودند. در ۲۵ ژانویه ۱۹۱۹، کنفرانس مقدماتی صلح، کمیسیون بنام «کمیسیون تدوین کننده مقررات بین‌المللی کار» به وجود آورد و آن را مأمور بررسی حمایت از کارگران و تأسیس نهادی دائم که به جامعه ملل وابسته باشد، نمود. این کمیسیون ۱۵ عضو داشت و سرانجام با تصویب طرحی در مورد ایجاد یک ارگانیزم دائمی و اصولی درباره سیاستی که کشورهای طرف معاهده باید در قبال مسائل کارگری اتخاذ نمایند، تصویب و به کنفرانس تسلیم نمود. این متون، بی‌آنکه تغییری عمده در آن‌ها داده شود، به تصویب کنفرانس رسید و با عنوان «کار» در قسمت سیزدهم معاهده صلح ورسای (مواد ۳۸۷ تا ۴۲۷) مقام گرفت. بخش نخست این قسمت که سازمان دائمی کار نامیده شد، مواد ۳۸۷ تا ۴۲۶ را به خود اختصاص داد و بخش دوم که تنها شامل ماده ۴۲۷ خلاصه می‌شد، اصول کلی مربوط به کار را تبیین می‌کرد.^۳

«سازمان بین‌المللی کار» از سال ۱۹۱۹ کار خود را آغاز کرد. این سازمان فعالیت‌های خود را حتی در زمان جنگ جهانی دوم نیز ادامه داد. این سازمان در جریان بیست و ششمین

1 - International Association of Legal Protection of Workers.

2 - Confederation General du Travail.

۳- کلیار، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، ص ۶۰۵.

اجلاس خود در فیلادلفیا اعلامیه‌ای را در مورد اهداف خود تصویب نمود که گام مهمی در تصدیق و تأکید اصول عدالت اجتماعی است.^۱

سازمان بین‌المللی کار که از ابتدا جزئی از معاهده صلح ورسای و بخش سیزدهم میثاق جامعه ملل بود، سرانجام در سال ۱۹۴۶ قراردادی با سازمان ملل متحد امضا کرد و به‌عنوان موسسه تخصصی بین‌المللی کار، وابسته به سازمان ملل متحد گردید و به موجودیت خود ادامه داد.^۲

اصول سازمان بین‌المللی کار که به‌طور عمده در اعلامیه فیلادلفیا مندرج می‌باشند، عبارتند از:

- ۱- کار یک کالا نیست،
 - ۲- آزادی بیان و اجتماعات شرط لازم برای پیشرفت و توسعه است،
 - ۳- فقر در هر کجا که باشد خطری برای شکوفایی همگان است،
 - ۴- مبارزه با نیازمندی‌ها باید با پویایی هر چه تمام‌تر در قالب تلاش بین‌المللی مداوم و هماهنگ شده انجام شود، تلاشی که در آن نمایندگان کارگران و کارفرمایان و دولت‌ها به‌طور برابر و آزاد مشارکت می‌کنند و ضمن همکاری با یکدیگر تصمیمات دموکراتیک لازم را برای حفظ مواضع مشترک خود اتخاذ می‌نمایند.
 - ۵- کلیه ابناء بشر صرف‌نظر از نژاد و اعتقادات و جنسیت خود حق دارند با آزادی و کرامت در امنیت اقتصادی و برخورداری از شانس برابر پیشرفت‌های مادی و معنوی خود را پی‌گیری کنند.
- سازمان بین‌المللی کار برای تحقق بخشیدن به این اصول، اهدافی را دنبال می‌کند که عبارتند از:

- ۱- تشویق و ترغیب توسعه اجتماعی و عدالت اجتماعی برای کارگران،
- ۲- تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های بین‌المللی برای بهبود شرایط زندگی و کار و همچنین تضمین احترام و رعایت حقوق بنیادین بشر، و

۱- بیگ زاده، منبع پیشین، ص ۶۷۵.

۲- سازمان بین‌المللی کار (به سفارش دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی)، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۶، ص ۲۵.

۳- مساعدت و یاری کردن به تلاش‌های جامعه بین‌المللی و کشورهای مختلف برای ایجاد و افزایش اشتغال، بالا بردن سطح زندگی، توزیع منصفانه نتایج ناشی از توسعه، حمایت از زندگی و سلامت کارگران و تشویق همکاری‌های بیشتر میان کارگران و کارفرمایان در جهت بهبود تولید و شرایط کار.^۱

ملاحظه می‌گردد که اهداف سازمان بین‌المللی کار بیشتر به حوزه حقوق بشری و حمایت از کارگران اشاره دارد. در این راستا سازمان بین‌المللی کار با سازمان ملل متحد که طلایه‌دار حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی است و اعلامیه جهانی حقوق بشر دارای ارتباط است که به تشریح آن می‌پردازیم.

در مقدمه منشور سازمان ملل متحد و مواد مختلف آن از جمله بند سوم ماده اول که به بررسی حصول همکاری بین‌المللی در حل مسائل بین‌المللی که دارای جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی یا بشر دوستی است و در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد، مذهب، جنس یا زبان می‌پردازد، بند دوم ماده ۱۳ که به ترویج همکاری‌های بین‌المللی در رشته‌های اقتصادی، اجتماعی فرهنگی، آموزشی و بهداشتی و کمک به تحقق حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بدون تبعیض می‌پردازد و مواد ۵۵، ۵۶ و ۶۰ وظایف جدیدی به عهده دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی گذاشته شده است تا صلح و امنیت متکی به عدالت اجتماعی را در سرتاسر جهان تحکیم بخشند.

به‌عنوان مثال در ماده ۵۵ منشور تصریح گردیده که سازمان ملل متحد با توجه به ضرورت ایجاد شرایط ثبات و رفاه برای تأمین روابط مسالمت‌آمیز، تشویق خواهد کرد تا سطح زندگی بالا برده شود، کار برای همه فراهم گردد و شرایط ترقی و توسعه در نظام اقتصادی و اجتماعی حاصل آید. همچنین اعلامیه جهانی حقوق بشر هم که در دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب رسید، حاوی نکات مهمی در زمینه کار می‌باشد. طبق ماده ۲۲ این اعلامیه، «هر کس حق دارد کار داشته باشد و کار خود را با آزادی و اختیار انتخاب نماید. هر کس حق دارد از شرایط کار مناسب و انسانی بهره‌مند باشد و در هنگام بیکاری مورد حمایت قانونی

۱- بیگزاده، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، پیشین، صص ۶۷۵ و ۶۷۶.

قرار گیرد. همه حق دارند که بدون هیچ تبعیضی در مقابل کار مساوی، اجرت مساوی دریافت کنند تا به خود و خانواده خود اجازه زندگی مناسب یا حیثیت انسانی را بدهد.^۱

مقدمه سازمان بین‌المللی کار، که در واقع انعکاس دهنده محتوای مقدمه بخش سیزدهم معاهده صلح و رسای (امور کار) می‌باشد، نکات قبل توجهی را در ارتباط با نقش این سازمان در حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی بیان می‌دارد. این مقدمه مقدمتاً تصریح می‌نماید که «هدف جامعه ملل، استقرار صلح جهانی است و چنین صلحی فقط از طریق برقراری عدالت اجتماعی تحقق می‌یابد.» همچنین این مقدمه بیان می‌دارد که «شرایط کار موجود در برگیرنده آنچنان بی‌عدالتی، سختی و محرومیت برای تعداد قابل توجهی از مردمان جهان است به گونه‌ای که می‌تواند منجر به ناآرامی‌های گسترده‌ای گردد که صلح و هماهنگی را در جهان به خطر بیندازد و بر این اساس بهبود شرایط به صورت فوری ضرورت دارد.»^۲

ملاحظه می‌گردد که اهداف سازمان بین‌المللی کار بیشتر به حوزه حقوق بشری و حمایت از کارگران اشاره دارد. زیرا همان‌طور که ذکر آن رفت، اهداف و اصول تشکیل دهنده این سازمان، نه تنها به کار را به عنوان یک کالا نمی‌نگرد، بلکه آزادی بیان و اجتماعات را شرط لازم برای پیشرفت و توسعه می‌داند. همچنین از نظر این سازمان، فقر بزرگ‌ترین دشمن برای شکوفا شدن و توسعه است؛ بنابراین کارگرانی که حقوق و مزایای آنها تامین نمی‌شود و با فقر مواجه می‌شوند، برای احیای حقوق خویش به اعتراضات و خشونت‌ها دست زده که این امر نظم جامعه را برهم می‌زند و قطعاً این خشونت‌ها از طرف حکومت بدون پاسخ نخواهد ماند. واضح است که در صورت عدم وجود مرکزی برای هماهنگ کردن روابط کارگران و کارفرمایان و بهبود شرایط کار برای کارگران، هرج و مرج و بی‌نظمی و بی‌عدالتی باعث مخاطره افتادن صلح و امنیت خواهد شد. در واقع سازمان بین‌المللی کار به مثابه یک ترازو عمل می‌کند تا هم از حقوق کارگران دفاع کرده و مانع پایمال شدن حقوق آنها گردد و هم حقوق کارفرمایان پابرجا باشد. در این صورت صلح و امنیت کانونی گرم خواهد داشت و دلیلی برای تهدید و به مخاطره افتادن ندارد.

۱- سازمان بین‌المللی کار به سفارش دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، منبع پیشین، صص ۲۵ و ۲۶.

۲- طلایی، منبع پیشین، ص ۱۲۳.

بند سوم: سازمان بهداشتی جهانی (WHO)^۱

سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۴۸ میلادی به وجود آمد تا خلا بین مسائل بهداشتی و درمانی که دانش امروزی و تکنولوژی برای بهبود شرایط زندگی تهیه دیده است و شرایط وحشت‌آور بهداشتی- درمانی که اکثر مردم جهان با آن گریبانگیر هستند را پر کند. این سازمان می‌کوشد تا شرایط بهداشتی، تغذیه، مسکن و به طور کلی بهداشت را برای همه در سطح جهان فراهم آورد و برای رسیدن به این اهداف، وظایف گوناگونی را برعهده گرفته است. هماهنگ کردن پژوهش‌ها در بسیاری از مناطق جهان، تشویق و راهاندازی کارهای اساسی به منظور ریشه‌کن نمودن بیماری‌های همه‌گیر و سایر بیماری‌ها و کمک به کشورهای در حال رشد جهت سامان دادن تسهیلات بهداشتی خود، جزء فعالیت‌های این سازمان است.^۲ ضرورت حفظ سلامت و بهداشت انسان سبب شده تا از دیرباز همکاری‌های بین‌المللی در این قلمرو شکل گیرد.^۳ کنفرانس‌های بین‌المللی در مورد حفظ سلامت انسان از اواسط قرن نوزدهم (۱۸۵۰) یکی پس از دیگری برگزار می‌شدند تا این‌که سازمان بهداشت جهانی که یکی از نخستین موسسه‌های تخصصی سازمان ملل متحد است، رسماً در اولین روز بهداشت جهانی (۷ آوریل ۱۹۴۸)، که ۲۶ کشور از اعضای سازمان ملل اساسنامه آن را امضا کردند و سازمان بهداشت جهانی توسط شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد به عرصه وجود پا گذاشت. پیش از این موضوع، فعالیت‌های مذکور و باقیمانده فعالیت‌های سازمان بهداشت جامعه ملل، تحت کنترل کمیته‌ای موقت بود که این کمیته موقتی حاصل کنفرانس بین‌المللی سلامت که در تابستان ۱۹۴۶ بود. در نهایت عملیات واگذاری مسئولیت‌های این کمیته به تصویب مجمع عمومی رسید و به سازمان بهداشت جهانی منتقل شدند.^۴

علاوه بر کمک به کشورها به صورت انفرادی، سازمان بهداشت جهانی متصدی تعدادی خدمات بهداشتی بین‌المللی نیز هست. این سازمان علاوه بر اخطار بروز بیماری‌های واگیردار به کشورها، استانداردهای بین‌المللی برای داروها، واکسن‌ها و آنتی‌بیوتیک‌ها را وضع نموده است. دلیل این امر وجود شرکت‌های داروسازی چند ملیتی، که جدی‌ترین مشکل کشورهای

1 - World Health organization.

۲ - آقایی، منبع پیشین، ص ۱۶۴.

۳- بیگزاده، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، پیشین، ص ۶۹۰.

4- History of WHO/[www.google.com/world Health organization/pp 1-3](http://www.google.com/world%20Health%20organization/pp%201-3), at 2.

جهان سوم هستند، می‌باشد. چراکه این گونه شرکت‌ها جهت کسب سود بیشتر، اقدام به تولید داروهای صنعتی خطرناک کرده و از مردم کشورهای جهان سوم به عنوان موجودات آزمایشگاهی استفاده می‌کند.^۱ این سازمان با اعلام استانداردهای جهانی به کشورها، مخصوصاً کشورهای جهان سوم، در صدد مقابله با این گونه شرکت‌ها برآمده است. اساسنامه سازمان بهداشت جهانی، هدف این سازمان را دستیابی مردم به بالاترین سطح سلامت ممکن بیان می‌کند. وظیفه اصلی این سازمان مبارزه با بیماری‌ها علی‌الخصوص مبارزه با بیماری‌های مسری شایع مثل ایدز، سیاه سرفه، مالاریا و از این قبیل و همچنین ارتقاء سلامت عمومی مردم جهان است.

طبق مقدمه اساسنامه سازمان بهداشت جهانی:

دول عضو این سازمان اعلام می‌دارد که در مطابقت با منشور ملل متحد، اصول زیر برای سعادت، روابط هماهنگ و امنیت همه ملل اساسی است:

- سلامتی یک حالت رفاه کامل جسمی، روحی و اجتماعی است و نه تنها نبود بیماری یا ناتوانی،

- برخورداری از بالاترین استاندارد قابل حصول بهداشت یکی از حقوق اساسی هر انسانی، بدون تمایز از حیث نژاد مذهب، عقاید سیاسی، شرایط اقتصادی یا اجتماعی می‌باشد،

- سلامتی همه ملل برای نیل به صلح و امنیت بین‌المللی، اساسی است و به همکاری کامل افراد و دولت‌ها بستگی دارد،

- موفقیت هر دولت در ترویج و حمایت بهداشت برای همه ارزشمند است،

- پیشرفت نامساوی کشورهای مختلف در ترویج بهداشت و مهار کردن بیماری‌ها به خصوص بیماری‌های واگیردار، یک خطر عمومی است،

- توسعه استفاده از معلومات پزشکی، روانشناسی و علوم وابسته، به همه ملل برای حصول کامل بهداشت اساسی است، و

- نظر آگاهانه و همکاری فعال از طرف عموم برای بهبود بهداشت مردم دارای نهایت اهمیت است.

همانطور که از مفاد مقدمه اساسنامه سازمان بهداشت جهانی برمی آید، این سازمان نقش یک مرجعیت سازمان دهنده را بر بهداشت جهانی ایفا می کند. ماده ۱ این اساسنامه «تأمین سلامت در بالاترین سطح ممکن برای کلیه مردم جهان» را هدف خویش معرفی می کند.^۱ همچنین ماده ۲ سند مؤسس این سازمان، اشتغالات سازمان برای نیل به اهداف خود را به شرح ذیل تعیین کرده است:

- سازمان در قلمرو سلامت به عنوان مرجع هدایت کننده و هماهنگ کننده اقدامهایی را که دارای ویژگی بین المللی باشند، انجام دهد،
- برقراری و حفظ همکاری مؤثر با سازمان ملل، موسسات تخصصی، ادارات دولتی بهداشتی گروه های حرفه ای و سایر سازمان هایی که ممکن است مورد توجه و نظر قرار گیرند،
- کمک به دولت های متقاضی برای تقویت خدمات بهداشتی خود،
- ارائه یا کمک برای ارائه خدمات بهداشتی و کمک به گروه های خاص از جمله مردمان سرزمین های تحت قیمومت به درخواست سازمان ملل متحد،
- کمک به بهبود وضعیت تغذیه، مسکن، بهداشت، تفریح، شرایط اقتصادی کار و همچنین سایر عوامل مؤثر در بهداشت محیط با همکاری دیگر موسسات تخصصی در صورت لزوم،
- مساعدت به بهبود مقررات آموزشی و قواعد مرتبط با آموزش کارکنان بخش سلامت پزشکی و سایر فعالیت های مرتبط با آن،
- کمک به شفاف سازی افکار عمومی در زمینه مسائل بهداشتی، و
- توسعه و تهیه و تشویق به تصویب مقررات بین المللی در قلمرو غذا، محصولات بیولوژیکی و دارویی و مواد مشابه.^۲

این سازمان که طبق ماده ۱ اساسنامه اش، "تأمین سلامت در بالاترین سطح ممکن برای مردم جهان" را هدف اصلی خویش معرفی می کند، در تلاش است تا با برقراری و حفظ همکاری مؤثر با سازمان ملل متحد، موسسات تخصصی، ادارات دولتی بهداشتی و سایر نهادهایی که در امر سلامت و بهداشت بشر دخیل هستند، سلامت افراد بشر را بدون هیچ گونه تبعیضی تضمین کند. در همین راستا با برگزاری همایش ها و کنفرانس های گوناگون در زمینه بهداشت و سلامت در سراسر جهان، هم به هدف اصلی خویش، که طبق

۱- بیگ زاده، ابراهیم و سایرین، منبع پیشین، ص ۵۴۶.

۲- همان، صص ۵۴۸-۵۴۶.

اساسنامه‌اش برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ضروری است، نزدیک می‌شود و هم با نزدیک‌تر کردن ملت‌ها و ایجاد همکاری‌های علمی و پژوهشی، آن‌ها را با فرهنگ‌های یکدیگر بیشتر آشنا کرده که این امر نهایتاً به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی کمک خواهد کرد.

همانطور که ملاحظه می‌گردد، سازمان بهداشت جهانی اشتغالات فراوانی در قلمروهای اصلی و فرعی مرتبط با امر سلامت دارد. ماهیت این اشتغالات به‌طور عمده انسان‌دوستانه می‌باشد.^۱ در واقع سازمان بهداشت جهانی بیشتر از جنبه حقوق بشری سعی در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی دارد. زیرا معتقد به برابری و یکسان بودن کلیه ابناء بشری بدون تبعیض از حیث نژاد، زبان، جنس یا مذهب است که این مهم از اصلی‌ترین اهداف سازمان ملل متحد می‌باشد. در ثانی، حفظ سلامت بشر باعث افزایش همکاری و ایجاد ارتباطات بین ملت‌های مختلف می‌گردد که این امر باعث هر چه نزدیک‌تر شدن ملت‌ها و ایجاد رابطه دوستی و مودت بین آنها می‌شود که از این طریق صلح و امنیت در مطمئن‌ترین جای خود قرار می‌گیرد و هر چقدر که این همکاری‌ها و ارتباطات بیشتر و منسجم‌تر می‌گردد، صلح و امنیت نیز به همان میزان از قداست والاتری برخوردار می‌گردد.

مقصود از صلح و امنیت بین‌المللی، حالتی است که هر دو بعد آن را در بر می‌گیرد. هم حالت منفی، و هم حالت مثبت. در واقع حالتی که نه تنها جنگ و خونریزی بین ملت‌ها وجود ندارد بلکه ملت‌ها با یکدیگر در حال تعادل و روابط حسنه هستند، در چنین صورتی صلح و امنیت به‌هیچ وجه خدشه‌دار نخواهد شد. چنین صلحی یکی از حقوق اساسی بشر می‌باشد و بایستی در کنار سایر حقوق بشر نظیر حق آزادی، حق بر توسعه رعایت شوند. در حقیقت، صلح واقعی در جوامع دموکراتیک شکل گرفته، پر و بال می‌گیرد و تضمین‌کننده حقوق بشر خواهد بود. در جوامع غیردموکراتیک که حقوق اساسی انسان‌ها نادیده گرفته می‌شوند، صلح و امنیت در عمل تحقق پیدا نخواهد نمود، به ویژه بدان دلیل که اساسی‌ترین عنصر به وجود آورنده صلح که همان آزادی است، در این جوامع وجود ندارد. دموکراسی، آزادی و حقوق بشر پایه‌های اصلی صلح مثبت را تشکیل می‌دهند. چنین صلحی معمولاً از طرف سازمان ملل متحد و ارکان اصلی آن حمایت و حفاظت می‌شود. به هر حال در دهه‌های اخیر، شورای امنیت در برخی موارد با تاخیر عمل نموده و زمانی وارد عمل می‌شود که صلح

۱- بیگزاده، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، پیشین، ص ۶۹۳.

و امنیت نقض گردیده‌اند و بنابراین در جهت احیای آن عمل می‌نماید. در این بین، مؤسسات تخصصی سازمان ملل متحد که با هدف کمک به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، توسط سازمان ملل متحد ایجاد شده‌اند، به یاری سازمان ملل و ارکان اصلی آن می‌شتابند. موسساتی همچون سازمان یونسکو، سازمان بین‌المللی کار و سازمان بهداشت جهانی معمولاً با اجرای اهداف خویش سعی در جلوگیری از نقض صلح دارند و در واقع یک حالت پیشگیرانه دارند. قطعاً چنین حالتی بهتر از آن است که زمانی وارد عمل بشویم که صلح و امنیت نقض شده است. زیرا در چنین حالتی احتمال نقض صلح خیلی کم می‌شود. چراکه از طریق ایجاد همکاری‌ها و معاهده‌نامه‌ها، باعث اشاعه فرهنگ صلح و دوستی خواهند شد و از این طریق دولت‌ها موظف به رعایت و حمایت از حقوق بشر می‌شوند که مهمترین طریق در مصون ماندن صلح و امنیت بین‌المللی رعایت حقوق بشر و ایجاد نظام دموکراسی در کشورهاست. در چنین حالتی دولت‌ها به توافقات بین‌المللی خود پایبند خواهند ماند و خلاف چنین معاهداتی عمل کردن، امروزه مهمترین تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود که البته در صورت رعایت حقوق بشر و دموکراسی در کشورها، انجام چنین خلافی خیلی بعید به نظر می‌رسد.



فصل سوم

راهکارها و چالش‌های یونسکو در

حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی

هر سازمان یا برنامه‌ای در اجرای رسالت خویش با موانع و در برخی موارد محدودیت‌هایی روبه‌رو می‌شود که مانع از تحقق کامل اهدافش می‌شود. سازمان یونسکو با اعتقاد به اینکه صلح پایدار تنها از روزه موافقت‌نامه‌های سیاسی و اقتصادی حاصل نمی‌شود و بایستی بر مبنای اخلاق بشری و همبستگی فکری به صلح رسید، و به منظور پاسخ‌گویی به اعتقادات قوی ملت‌ها که با وقوع جنگ‌های جهانی به دست فراموشی سپرده شده بود، با نهادهای ساختن فرهنگ صلح به معنای واقعی کلمه تاسیس شد.^۱

مطالعه اساسنامه سازمان یونسکو به‌خصوص مقدمه آن، اهداف و محدوده تعهدات یونسکو را آشکار می‌سازد. رسالت اصلی یونسکو، تامین صلح و امنیت بشری از طریق همکاری فکری و معنوی بشر است.^۲ در این راستا سازمان یونسکو نیز از این قضیه مستثنی نیست و موانعی وجود دارد که مانع از انجام کامل اهداف و رسالت اصلی یونسکو می‌شود. موانعی همچون اصل عدم مداخله، فقر فرهنگی و عدم وجود دموکراسی باعث عدم اجرای تحقق هدف اصلی یونسکو که همانا صلح و امنیت بین‌المللی است، می‌شود. اما از طرف دیگر سازمان با جهانی کردن جامعه اطلاعاتی، ایجاد تعامل و گفتگو میان اعضا، ایجاد کمیسیون‌های ملی در کشورهای عضو و ارتباط با سازمان‌های غیردولتی و مواردی از این قبیل سعی در پرکردن خلاءهای ایجاد شده دارد که به ترتیب به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

مبحث اول: راهکارهای یونسکو برای حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی

هر چند سازمان یونسکو در اجرای برنامه‌ها و اهداف خویش با مشکلات و چالش‌هایی بعضاً روبه‌رو می‌شود، اما این سازمان همواره درصدد برطرف کردن این مشکلات هست و از

۱- نوروژیان، مهدی، آشنایی با سازمان یونسکو، فصلنامه رهیافت، شماره ۳۴، زمستان ۱۳۸۳، ص ۷۶.

۲ - مژگان‌پور، جلال، جایگاه یونسکو در تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل، پایان‌نامه دریافت مدرک کارشناسی ارشد، به استاد راهنمایی دکتر فضل‌الله موسوی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶، ص ۳۶.

راهکارهایی همچون جهانی کردن جامعه اطلاعاتی، گفتگوی میان‌فرهنگی و تقویت توسعه فرهنگی و اجتماعی، ایجاد کمیسیون‌های ملی، ارتباط با سازمان‌های غیردولتی و مواردی از این قبیل استفاده می‌کند که در این مبحث به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

گفتار اول: جهانی کردن جامعه اطلاعاتی و توسعه آن

رسانه‌ها می‌توانند اطلاعات و اندیشه‌ها را در اختیار افراد و جوامع قرار دهند و یک تریبون آزاد برای آنها فراهم کنند تا این اطلاعات را به چالش بکشند و مورد ارزیابی قرار دهند؛ منبعی که می‌تواند به آنها کمک کند تا کارایی سیاستمداران خود را بسنجند و حقوق دموکراتیک خود را، به‌عنوان رای دهنده، اعمال کنند. با وجود ویژگی‌های متمایز چالش‌های خاص زندگی در نقاط مختلف دنیا، مردم همه جا به رسانه‌های مستقل و کثرت‌گرا نیاز دارند. یونسکو از ابتدای حیات خود در پی آن بوده است تا از طریق کلام و تصویر، جریان آزاد افکار و عقاید را با هدف دستیابی به همبستگی بین‌المللی، مردم سالاری، صلح و امنیت و توسعه ترویج کند.^۱ جهانی شدن جامعه اطلاعاتی در ایجاد و تقویت دموکراسی تاثیر به سزایی دارد؛ زیرا در جامعه‌ای که آزادی بیان و آزادی اطلاعات وجود داشته باشد، سران حکومتی برای مصون ماندن از اعتراضات و شورش‌های مردم موظف و به عبارت بهتر، مجبور به رعایت خواست مردم خواهند بود که این امر باعث استقرار دموکراسی در سطح جامعه خواهد شد. جامعه‌ای هم که در آن دموکراسی برقرار شد حقوق و آزادی‌های اساسی بشر رعایت می‌شود و در نتیجه صلح و امنیت در بالاترین جایگاه خویش محفوظ خواهد ماند.

پیشرفت تکنولوژیکی، شکل و ماهیت ارتباطات و اطلاع رسانی را به شدت دستخوش تحول و دگرگونی کرده و جهانی شدن گفتمان غالب جهانی را تشکیل داده است. گسترش دامنه اطلاعات جهانی و تعاملی شدن آن، ضرورت رهنمودهایی همه جانبه را برای شبکه‌های اطلاعات جهانی آشکار کرده است. جهانی شدن با شتابی چشمگیر پیش می‌رود و چالشی جهانی پدید می‌آورد که پاسخی جهانی را می‌طلبد، با این حال، این پاسخ باید با رعایت شایسته تنوع فرهنگی، هویت فرهنگی و احترام به مولفه فردی گرانقدری همراه باشد که

۱ - یونسکو، مجله پیام یونسکو، شماره ۳۹۷، سال سی و نهم، شهریور ۱۳۹۱، ص ۱.

کرامت راستین مردمان را تشکیل می‌دهد.^۱

یونسکو به عنوان سازمانی بین‌المللی، نقش حساسی برای پیشبرد و ابعاد مختلف اخلاقی، حقوقی و اجتماعی و کاربرد تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات بر عهده دارد. به همین منظور از سال ۱۹۹۷ با برپایی نخستین کنگره بین‌المللی اخلاق اطلاعات به مسائل حقوقی، اخلاقی و شیوه دستیابی به اطلاعات الکترونیک توجه کرد. دو نشست دیگر نیز در سال‌های ۱۹۹۸ و ۲۰۰۰ بر پا شد که در هر دو کنگره به مواردی چون دستیابی جهانی به اطلاعات، بررسی چالش‌های اخلاقی، حقوقی و اجتماعی، فضای سایبرنتیک^۲ و تعدد گرایبی زبانی، مفهوم استفاده منصفانه در جامعه اطلاعاتی و حمایت از منزلت انسانی در عصر دیجیتال پرداخته شده است. از نظر یونسکو، جهانی کردن جامعه اطلاعاتی و توسعه آن به صورت جامعه‌ای باز و توسعه همگانی آن، در کنار قواعد کلی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر از جمله حق آزادی بیان که شامل آزادی دسترسی به اطلاعات و همچنین حق آموزش و حق مشارکت در زندگی است، بایستی صورت گیرد. قدرت‌های عمومی، موسسات خصوصی و جامعه مدنی در برخورد با اطلاعات الکترونیکی و برای اجرای اصول از پیش پذیرفته شده، دشواری‌ها و چالش‌های بزرگی را پیش روی دارند؛ به ویژه مساله بسیار مهم، چگونگی تامین شرایط ورود کشورهای در حال توسعه به عصر دیجیتالی و ناتوانی آشکار آنان در رویارویی با این وضعیت است. از این رو، روشن‌تر و دقیق‌تر کردن خط مشی‌ها و رهنمودها نیاز به بازتر شدن دامنه اطلاعات جهانی و تعاملی شدن آن‌ها دارد.^۳ چنین رهنمودهایی باید تمام جوانب شبکه‌های اطلاعات جهانی را نه تنها در عرصه فنی و اقتصادی بلکه آموزش، علوم، فرهنگ و مسائل اجتماعی را نیز در بر گیرد. در صورتی که در حال حاضر، مباحثه‌های ملی و بین‌المللی، بیشتر به جنبه‌های فنی و اقتصادی اطلاعات و ارتباطات نوین و آثار بلافاصله مشهود آنها می‌پردازد، و چنین وضعیتی اغلب به زیان جنبه‌های دیگر اطلاعات و ارتباطات، که در نهایت نقش عمیق‌تر و تعیین‌کننده‌تری در ایجاد یک جامعه ارتباطی برای همه

۱ - ماتسورا، کوئیچرو، (بخشی از متن سخنرانی ایشان در پانزدهم نوامبر ۱۹۹۹ در پاریس به مناسبت تصدی مقام دبیر کلی یونسکو)، مجله پیام یونسکو، شماره ۲۵۶، ۱۳۷۸، ص ۵.

۲ - منظور از فضای سایبرنتیک، فضای رایانه‌ای، اطلاعات و ارتباطات الکترونیکی است.

۳ - علی آبادی، گیتا، اقدام‌ها و فعالیت‌های یونسکو در زمینه جامعه اطلاعاتی، نشریه رسانه، سال دوازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۰، ص ۷۲.

خواهند داشت، تمام می‌شود.^۱

هدف از برپایی کنگره بین‌المللی یونسکو درباره اخلاق اطلاعات، قدرت بخشیدن به این‌گونه بحث‌ها با بازتابی بین‌المللی بر اساس اهمیت دادن به جنبه‌های اخلاقی و اجتماعی در جامعه اطلاعاتی است. تشکیل کنگره‌های بین‌المللی در سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ بر این نکته تاکید داشت که یونسکو باید نقش حساسی را برای پیشبرد ابعاد مختلف اخلاقی، حقوقی و اجتماعی کاربرد تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات بر عهده گیرد. در این دو کنگره مشخص شد که یونسکو باید هر چه سریع‌تر برای برانگیختن حساسیت بیشتر افکار عمومی به مسائل مربوط به این تکنولوژی‌ها در جهت گسترش دسترسی آزاد به محتویات اطلاعاتی آنها به ویژه اطلاعات مربوط به عرصه عمومی اقدام کرده و از استفاده کنندگان تکنولوژی‌های مذکور در برابر افراط‌ها و سواستفاده‌های فزاینده از طریق شبکه اطلاع‌رسانی حمایت کند.

سومین کنگره بین‌المللی یونسکو در مورد اخلاق اطلاعات، که از ۱۳ تا ۱۵ نوامبر ۲۰۰۰، برای بحث و بررسی راجع به حق دسترسی همگانی به اطلاعات در قرن بیست و یکم در مقر این سازمان، در پاریس، برگزار شد، مکمل دو کنگره بین‌المللی پیشین درباره اخلاق اطلاعات و چگونگی رویارویی با چالش‌های اخلاقی، حقوقی و اجتماعی فضای سایبرنتیک بود که در سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ از طرف یونسکو برگزار شد. هدف اصلی برگزاری این کنگره‌ها، به‌طوری‌که در عنوان‌ها و موضوع‌های مورد مباحثه و مذاکره در این گردهمایی‌ها تعیین شده بود، تبادل نظر و تصمیم‌گیری راجع به مسائل بین‌المللی ناشی از پیشرفت و گسترش تکنولوژی نوین اطلاعاتی و ارتباطی در دهه‌های اخیر به ویژه مسائل مربوط به بزرگراه‌های اطلاعاتی^۲، زیر ساخت‌های اطلاعاتی^۳ و جامعه اطلاعاتی^۴ در سطح ملی و جهانی و دستیابی به توافق نهایی برای تصویب یک ابزار حقوقی بین‌المللی، به‌صورت قطعنامه، اعلامیه یا عهدنامه درباره چگونگی استفاده از فضای سایبرنتیک بود.^۵ در کنگره، ابتدا با تکیه

۱ - معتمد نژاد، کاظم، یونسکو و مسائل حقوقی بین‌المللی الکترونیکی، کمیسیون ملی یونسکو- ایران، تهران، خرداد ۱۳۷۶، ص ۹۰.

2 - Information Highway.

3 - Information Infrastructure.

4 - Information society.

۵- معتمدنژاد، کاظم، گزارش ویژه حق دسترسی همگانی به اطلاعات در قرن بیست و یکم، نشریه رسانه، سال یازدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۷۹، ص ۱۱.

بر ضرورت توسعه جامعه اطلاعاتی، به صورت جامعه‌ای باز و همگانی و مبتنی بر اصول مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، بر حق آزادی بیان و از جمله دسترسی به اطلاعات و حق آموزشی و حق مشارکت در زندگی تاکید شده بود و سپس به کوشش قدرت‌های عمومی، موسسات خصوصی و جامعه مدنی برای اجرای اصول از دیرباز پذیرفته شده در زمینه اطلاعات الکترونیکی و برخورد آن با دشواری‌ها و چالش‌های بزرگ، به ویژه مساله بسیار مهم چگونگی تامین شرایط ورود کشورهای در حال توسعه به عصر و دیجیتالی و وضعیت ضعیف کاملاً مشخص آنها در این باره، اشاره گردیده بود. همچنین در این کنگره، راجع به نقش قدرت‌های عمومی در دسترسی به اطلاعات، دو توصیه خاص مطرح گردیده بود؛ به موجب این توصیه‌ها، از یک سو بر ضرورت گسترش دادن و موثر کردن عرضه اطلاعات متعلق به عرصه عمومی و از سوی دیگر بر لزوم سهل و ساده کردن دستیابی به شبکه‌ها و خدمات اطلاعاتی تاکید شده بود. در این کنگره، درباره نقش قدرت‌های عمومی در دسترسی به اطلاعات تاکید شده بود که اگرچه بخش خصوصی موظف است زیرساخت‌های ضروری برای دسترسی به منابع اطلاعات را تدارک کند، اما مساله اصلی در این مورد، مشخص ساختن مفاهیم "عرصه عمومی" و "دسترسی همگانی" در شرایط کلی جهانی است؛ به نحوی که خیر و مصلحت عمومی پیشرفت یابد و در عین حال ابتکار خصوصی نیز تشویق شود و منافع اقتصادی مشروع مورد حمایت قرار گیرند.

از نظر سازمان یونسکو، دسترسی به تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی می‌تواند معلومات افراد را برای بهبود امور زندگی شخصی و جمعی افزایش دهد. در عین حال، دسترسی به اطلاعات و ارتباطات به خودی خود، خرد پدید نمی‌آورد، بلکه خرد از تفاهم و همکاری انسان‌ها برای چگونگی استفاده از تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی و تفاهم در زمینه‌های این استفاده و شرایط و لوازم خاص آن ناشی می‌شود. یونسکو می‌کوشد تا ضرورت تفاهم جهانی درباره طرز کاربرد اطلاعات و ارتباطات نوین را در کنفرانس سران کشورهای جهان در مورد جامعه اطلاعاتی که با همکاری سایر نهادهای تخصصی سازمان ملل متحد تشکیل می‌شوند را مطرح نماید. از نظر یونسکو، هدف، حمایت از منزلت انسانی در عصر دیجیتالی و ایجاد شرایط لازم برای احترام گذاشتن به اصل آزادی دسترسی به اطلاعات و جریان آزاد آن بر اساس ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر در استفاده از وسایل ارتباطی دیجیتالی است.^۱

گفتار دوم: گفتگو و تعامل میان تمدن‌ها

انسان موجودی اجتماعی است و پدیده‌هایی چون زبان، اندیشه و اخلاق که خاصه آدمی است، در اجتماع شکل می‌گیرند و محصول روابط اجتماعی‌اند و خاستگاهشان جامعه بشری است. انسان نیز خود محصول روابط و مناسباتی است که او را در بر گرفته و بر او حاکم است. یکی از عوامل رشد، تکامل و توسعه جامعه انسانی، و شاید مهمترین آن، ارتباط است.^۱ در این راستا سازمان یونسکو با این انگیزه که با افزایش ارتباط و همکاری میان ملل مختلف، می‌توان به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی کمک کرد، پا به عرصه وجود گذاشت. توسعه اجتماعی در بستر تعامل، گفتگو و همزیستی مسالمت‌آمیز شکل گرفته و مبتنی بر تفاهم مشترک و درک متقابل گروه‌های اجتماعی است. توسعه اجتماعی از نقطه‌ای آغاز می‌گردد که گروه‌های اجتماعی به خودآگاهی و دیگر پذیری نسبی دست یافته باشند. یکی از عوامل عمده و اساسی شکوفایی و بالندگی فرهنگ‌ها، مبادله فرهنگی میان فرهنگی است. گفتگو یک وسیله و ابزاری است که هدف آن رشد معرفت‌های فردی و جمعی و بالندگی فرهنگ‌ها و زندگی مسالمت آمیز است. در اثر گفتگو، آگاهی‌های فردی و خودی با آگاهی‌های جمعی و دیگری پیوند خورده و زنجیره تفکر انسانی را شکل می‌دهد. گفتگو به منزله ملاقات دو روح، برخورد دو اندیشه و دیدار دو جان است. فرهنگ‌های گوناگون در سایه ارتباط با یکدیگر که از راه‌های مختلف و در محافل بین‌المللی برقرار می‌شود، به داد و ستد فرهنگی می‌پردازند. اهمیت گفتگو و تعامل بین فرهنگی، بیشتر زمانی آشکار می‌شود که به این واقعیت پی ببریم که رشد پیشرفت و تحول در عرصه حیات اجتماعی، ابتدا از تحول مثبت در اندیشه‌ها و تفکر آغاز می‌شود.^۲ سازمان یونسکو نیز به این امر واقف است و این نکته در دیباچه اساسنامه یونسکو که نمودی از اهداف این سازمان می‌باشد آورده شده است. دیباچه اساسنامه یونسکو بیان می‌دارد: "از آنجا که جنگ‌ها نخست در اذهان بشر به وجود می‌آید،

۱ - مهاجرانی، سید عطاالله، فرهنگ گفتگو، مجله پیام یونسکو، شماره ۳۷۹، سال سی و سوم، خرداد ۱۳۸۱، ص ۱.

۲ - سعادت، عوضعلی، گفتگوی میان فرهنگی و توسعه اجتماعی، نشریه جامعه فردا، شماره ۱، تابستان ۸۵، ص ۴۶.

دفاع از صلح نیز باید در اذهان بشر به وجود آید.^۱ بر همین اساس سازمان یونسکو با برپایی گردهمایی‌ها و کنگره‌های با موضوعات مختلف سعی در ایجاد تعامل و همکاری میان ملل با فرهنگ‌های مختلف دارد و قطعاً یکی از طرق نزدیک کردن ملت‌ها به هم، همین گفتگو و تعامل میان آنهاست.

فرهنگ در ساده‌ترین و خلاصه‌ترین تعریف عبارت است از "سبک و شیوه زندگی".^۲ از آنجا که هر فردی و به عبارت بهتر هر جامعه‌ای دارای روش‌های زندگی متفاوت و خاصی است، لذا هر فرد و هر جامعه‌ای دارای یک فرهنگ است و نمی‌توان فرد یا جامعه‌ای را تصور کرد که فرهنگ نداشته باشد. جامعه و فرهنگ دو واژه‌ایست که اغلب در کنار هم به کار می‌روند و هرچند برای تفکیک دقیق مرزهای جامعه و فرهنگ اختلاف نظر وجود دارد، اما در کل می‌توان گفت که جامعه عبارت است از یک ساختار و یک سیستمی که دارای مجموعه‌ای از واحدها می‌باشد که این واحدها از طریق مبادله و رد و بدل کردن اطلاعات، ارتباطات، تنگاتنگ و پیچیده‌ای را به وجود می‌آورند. به این اطلاعات به عنوان محتوای این مبادله، فرهنگ گفته می‌شود.^۳ در دنیای امروزی فرهنگ‌های بسیار متفاوتی وجود دارد، اما گفتگوی میان فرهنگی یک مفهوم جدیدی است که از دهه ۱۹۵۰ به بعد مطرح شده و گسترش یافته و هدف آن نزدیکی کردن فرهنگ ملت‌ها به هم است. ارتباطات بین فرهنگی، هر نوع اطلاعات مبادله شده میان شخص پیام‌گیر و منبع انتقال دهنده پیام است که ویژگی‌های متفاوت از فرهنگ دریافت کننده پیام دارد. منبع چنین پیامی می‌تواند فرایند ارتباط شخصی یا شکل دیگری از رسانه باشد. منظور از ارتباطات فرهنگی، ارزش‌ها، هنجارها، باورها، رفتارها، کالاهای و اطلاعات یا اخبار می‌باشد. ارتباط بین فرهنگی در کلی‌ترین مفهوم خود زمانی رخ می‌دهد که عضوی از یک فرهنگ، پیامی را برای عضوی از یک فرهنگ دیگر ارسال می‌کند.^۴

گفتگوی بین تمدن‌ها، که ایده اصلی شکل‌گیری آن به سخنرانی جناب آقای سید محمد

۱ - جالب است بدانید این عبارت مشهور مندرج در اساسنامه یونسکو، جمله‌ایست از "آرچیبالد مک لیش" آمریکایی، دبیرکل سابق یونسکو. برای مطالعه بیشتر بنگرید به: مجله پیام یونسکو، شماره ۳۷۹، سال سی و سوم، خرداد ۱۳۸۱، ص ۴۱.

2- Style of life.

۳- سعادت، منبع پیشین، ص ۴۸.

۴ - قمری، داریوش، همبستگی ملی، مؤسسه نشر مطالعات ملی، تهران، ۱۳۸۴، ص ۴۸.

خاتمی، رئیس‌جمهور وقت کشورمان، در پنجاه و سومین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۲ اکتبر ۱۹۹۸ برمی‌گردد، به یکی از راهکارهای اصلی یونسکو در پیشبرد اهدافش تبدیل شده است. استقبال سازمان ملل متحد و سازمان یونسکو از ایده گفتگوی تمدن‌ها می‌تواند در چارچوب اهداف راهبردی آن سازمان تعریف و تبیین شود. پیگیری مسائل مربوط به حقوق بشر از راه گسترش و آموزش فرهنگ صلح و توسعه پایدار، سازمان یونسکو را ترغیب می‌کند که از ایده گفتگوی تمدن‌ها به‌عنوان یک طرح تکمیلی در کنار منشور جهانی حقوق بشر، دفاع کند و این ایده را در چارچوب دستورالعمل‌های فرهنگی و آموزشی خود قرار دهد. بدین اعتبار می‌توان گفت که ایده گفتگوی تمدن‌ها، منادی آرزوهای صلح دوستانه و همزیستی مسالمت‌آمیز دولت‌ها و ملت‌ها بوده است و قابلیت و ظرفیت آن را دارد که ضمن باز تولید و تعریف و تبیین شدن، از حالت یک ایده به قالب یک استراتژی درآمد و در نهایت به منشوری جهانی تبدیل شود و تحقق اهداف سازمان ملل متحد را تسریع و تسهیل کند.

گفتگوی تمدن‌ها همسویی تنگاتنگی با ارزش‌ها، روش‌ها و اهداف سازمان ملل متحد دارد. چون منشور سازمان ملل به عنوان سند زنده و پویا، زاینده گفتگو و مذاکراتی بوده است که از سوی نمایندگان مردم ملل متحد در سانفرانسیسکو تنظیم و تدوین گردید و تحقق اصول و اهداف آن صرفاً از طریق گفتگو و همکاری پیش‌بینی شده است. در واقع گفتگوی تمدن‌ها تلاش و حرکتی است نو در جهت تفسیر مترقیانه از اصول و اهداف منشور ملل متحد به منظور پاسخ‌گویی به چالش‌ها و زنده‌سازی روز از طریق گفتگو، هماهنگی و همکاری کشورهای عضو برای نیل به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی عاری از هرگونه تبعیض از لحاظ جنس، نژاد، زبان و مذهب، حل مسائل مشترک بین‌المللی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و انسانی، رفع اختلافات بین‌المللی به‌طور مسالمت‌آمیز، ارتقای ارزش‌های متنوع فرهنگی با الهام از روح منشور، حفظ تمامی صور محیط زیست و بالاخره حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بر اساس حقوق بین‌الملل و عدالت و همچنین حفظ صلح و امنیت در درون کشورها.^۱

پشتیبانی یونسکو از ایده گفتگوی تمدن‌ها بر محور تلاش برای تحقق فرهنگ صلح و نفی

۱- قراگزلو، محمد، گفتگوی تمدن‌ها ایده فراموش شده، نشریه سیاسی - اقتصادی، تیر و خرداد ۱۳۸۲، شماره ۱۸۹ و ۱۹۰، ص ۱۰۰.

همه‌جانبه‌خسونت، با توجه به دو مؤلفه فرهنگ و مذهب به‌عنوان عوامل اصلی تاثیرگذار، دولت‌های ملی از جنگ به صلح صورت می‌گیرد. یونسکو در نگرش خود به مقوله تمدن بیش از هر چیز به دو عنصر فرهنگ و مذهب به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی تمدن توجه دارد و در خط مشی خود، گفت‌وگوی میان فرهنگ و مذهب را گامی مؤثر در گفت‌وگوی تمدن‌ها تلقی می‌کند^۱. به عقیده رهبران و سیاست‌گذاران این سازمان، تحقق صلح، مستلزم احترام به فرهنگ ملت‌هاست. از نظر یونسکو، تنوع و کثرت فرهنگ‌ها همانند تنوع زیستی، دارای مزایایی است. مزیت کثرت‌گرایی اینست که گنجینه سرشار از تجربه، خرد و رفتار همه انسان‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد و هر فرهنگی از مقایسه خود با دیگر فرهنگ‌ها و کشف غرایب و ویژگی‌های نامتعارف خود سود می‌برد.^۲ یونسکو در مقام یک سازمان آموزشی، گذار از فرهنگ جنگ به فرهنگ صلح را به‌عنوان بزرگ‌ترین چالش سده بیست و یکم با توجه به آموزش عمومی متکی بر آموزش گفتگو و فراگیری ارزش‌های دگرپذیری، در دستور کار خود قرار داده است. آقای فدریکو مایور^۳ بیان می‌دارد که: "انتقال از فرهنگ جنگ به فرهنگ صلح، اولین و پیشرفته‌ترین چالش در پایان سده بیستم است. در اعلامیه حق صلح که در ژانویه ۱۹۹۷ صادر شد، اعلام شده است که پرهیز از خشونت و جنگ، نه تنها وظیفه دولتمردان و دیگر رهبران است، بلکه وظیفه شهروندان نیز محسوب می‌شود. ما باید دیدگاه‌های خود را با اصول دگرپذیری و گفتگو سازگار کنیم و کودکان خود را با ارزش‌های دگرپذیری و گفتگو آموزش دهیم و منطق خرد و احترام به عقاید دیگران را جانشین منطق زور کنیم."

کرسی‌های یونسکو و دانشگاه‌های همزاد، دو پروژه‌ای است که هدف آنها تقویت آموزش عالی در کشورهای در حال توسعه از طریق همکاری بین دانشگاه‌ها می‌باشد. تقویت بهبود علوم و انتقال دانش از طریق همکاری‌های علمی و آکادمیک و افزایش دسترسی به متخصصان سطوح بالا در رشته‌های مورد نظر، حرکت به سوی یک شبکه بین‌المللی بین دانشگاه‌ها، که در نهایت به توسعه کشور منجر می‌شود، هدف‌های دیگری از این پروژه می‌باشند. مبادلات

۱ - بزرگمهری، مجید و علی نصیری‌طوسی، یونسکو و گفت‌وگوی تمدن‌ها، مجله سیاسی-اقتصادی، ۱۳۷۷، ص ۶۰.

۲ - کمیسیون ملی یونسکو-ایران، گزارش کمیسیون جهانی فرهنگ و توسعه، تهران، ۱۳۷۷، ص ۶۱.

۳ - دبیرکل اسبق سازمان یونسکو (۱۹۸۷-۱۹۹۹).

دانشگاهی روش دیگری است، که مشابه کرسی‌های یونسکو می‌باشد و یونسکو جهت نیل به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از آن استفاده می‌کند. در این روش دانشگاه‌ها می‌توانند خدمات بیشتری انجام دهند. این‌گونه مبادلات، ابزار مهم اجتماعی شدن بین‌المللی است، چراکه می‌تواند فرهنگ تفاهم و صلح را میان ملت‌ها ترویج کند. مبادلات باید به شکل طرحی برای آموزش مشترک درآیند؛ بنابراین اهمیت دارد که نه‌تنها دانشجویان و اعضای هیات‌های علمی کشورهای درحال توسعه در دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته به مطالعه بپردازند، بلکه دانشجویان و اساتید کشورهای پیشرفته نیز مدتی در خارج، با مناطق و فرهنگ‌های بیگانه آشنا شوند. چراکه بخشی از آموزش درست، مسافرت و مشاهده فرهنگ‌های دیگر است. این بدان معنا نیست که فرد به مشاهده بسنده کند و تحت تاثیر مشاهدات خود قرار گیرد، بلکه به مفهوم مشارکت و درگیر شدن است. تنها بدین سان است که می‌توان زمینه گفتگوی پرثمر میان ملت‌هایی که یکدیگر را به‌طور مساوی قبول دارند، فراهم کرد. آنچه در طول مبادله و مسافرت کشف می‌شود این‌است که ملت‌های دیگر و فرهنگ‌هایشان در حالی‌که متفاوت هستند، اصولاً چندان فرقی با یکدیگر ندارند. فرهنگ‌های دیگر نیز همان تجربیات انسانی را عرضه می‌کنند که ما هرروز در زندگی با آن روبرو هستیم.

گفتگوی تمدن‌ها، یکی از موتورهای پیشرفت بشریت است. زیرا امکان ترویج نوآوری‌های حاصله در هریک از تمدن‌ها را فراهم می‌سازد و عامل کمال نوع بشر در مجموع آن و اقدام ناتمام تمدن بشری و آنچه که بنام تمدن توافق شده‌است می‌باشد^۱. سازمان یونسکو در این راستا، گفتگوی تمدن‌ها را یکی از طرق نیل به هدف اصلی خویش که همانا حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است، قرار داده است.

گفتار سوم: ایجاد کمیسیون‌های ملی در کشورهای عضو

کمیسیون‌های ملی در واقع نمایندگی‌های سازمان یونسکو در سطوح ملی محسوب می‌شوند. فلسفه تشکیل این ارگان چیزی جز موثر نمودن فعالیت‌های سازمان و حمایت کافی از اجتماعات فکری، علمی و همکاری مردم در سطح ملی و منطقه‌ای نیست. اساسنامه یونسکو

۱ - خلیجی، محسن، گفت‌وگوی تمدن‌ها: عامل صلح و پیشرفت بشریت، نشریه نامه فرهنگ، شماره ۵۵، تابستان ۱۳۸۴، ص ۶۳.

در ماده ۷، دولت های عضو را موظف می نماید تا در سطح ملی خودشان با ایجاد تشکیلاتی، هیات های ملی منتفع در زمینه علمی، آموزشی و فرهنگی را در برقراری ارتباط با سازمان یونسکو یاری نمایند. این ماده تشکیل کمیسیون های ملی را، که در آن هم نمایندگان دولتی حضور داشته باشند و هم نمایندگان هیات های ذینفع، بر دیگر ترتیبات احتمالی ترجیح می دهد.^۱ در واقع ماده ۷ اساسنامه تاسیسی یونسکو به منظور تضمین مشارکت مراکز فرهنگی، علمی و آموزشی کشورهای عضو در فعالیت های سازمان، تشکیل کمیسیون های ملی را توصیه می کند. این ماده که در سه بند آورده شده و به معرفی کمیسیون ملی می پردازد، بیان می دارد:

۱- هریک از اعضاء با توجه به موقعیت خاص خود، اقدامات لازم را برای سهم کردن گروه های مهم ملی علاقمند به مسائل آموزشی، پژوهش های علمی و فرهنگی انجام می دهد. برای این کار ترجیحاً یک کمیسیون ملی به نمایندگی از دولت و گروه های مختلف مذکور تشکیل می دهد.

۲- کمیسیون ملی یا نهادهای ملی همکاری در صورت وجود، نقش مشاوره را نزد نمایندگی های ملی کشور خود در کنفرانس عمومی یا نماینده یا جانشین او در شورای اجرایی و نیز نزد دولت متبوع خود در تمام مسائل مربوط به سازمان ایفا می کند. در ضمن، نقش حلقه ارتباطی در تمام موارد مورد علاقه سازمان را نیز برعهده دارد.

۳- به درخواست یک دولت عضو، سازمان می تواند یکی از اعضای دبیرخانه خود را به عنوان نماینده موقت یا دائمی در کمیسیون ملی این کشور برای همکاری در انجام امور آن کمیسیون، معرفی کند. در واقع کمیسیون ها حضور دائمی یونسکو در کشورها را تضمین می کنند و از سوی دیگر ضامن مشارکت کشورها در برنامه ها و فعالیت های سازمان و همچنین ابزاری برای ترویج آرمان ها و اهداف آن به شمار می روند. کمیسیون های ملی یونسکو در کشورهای عضو، نقش رابط بین یونسکو و سازمان های فعال را در زمینه های فرهنگی، علمی و آموزشی دولت های عضو ایفا می کنند.^۲

حضور گسترده و دائمی یونسکو در سطح ملی به واسطه عملکردهای کمیسیون های ملی تامین می گردد. این ارگان ها در تلاش های سازمان یونسکو در راستای ترویج همکاری

44- Stephan S. Goodspeed, The Nature and Function of International Organization, New York. Oxford University Press, 1967, P. 447.

2 -UNESCO Instruction/www. unesco. org/general/eng/about/how. shtml(june 2003).

بین‌المللی در زمینه‌های فکری و معنوی، همکاری‌های وسیعی دارند. این کمیسیون‌ها منبع مهم اطلاعاتی برای یونسکو محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر، این ارگان‌ها، سازمان یونسکو را در تهیه برنامه‌های کاری خود، اطلاع رسانی از الزامات و اولویت‌های کشور متبوعشان در زمینه‌های آموزشی، علمی و فرهنگی یاری می‌رسانند.^۱ کمیسیون‌های ملی یونسکو، با ترکیبی از نمایندگان دولت‌ها، سازمان‌های غیردولتی و محققان برجسته در زمینه صلاحیت‌های یونسکو، فعالیت خود را به پیش می‌برند. تاسیس کمیسیون ملی یونسکو در هر کشور عضو، یک اقدام دولتی است که از طریق تصویب نامه یا وضع قوانین شکل می‌گیرد. تاسیس این کمیسیون‌ها اعم از دولتی، نیمه‌دولتی و یا مستقل بر اساس یک سند قانونی یا مصوبه دولتی صورت می‌گیرد. این کمیسیون‌ها در هر وضعی که باشند، باید بکوشند معرف ترکیب جامعه خویش باشند. تعادل ساخت کمیسیون‌های ملی ایجاب می‌کند که در کنار اعضای که توسط دولت منصوب می‌شوند، شخصیت‌های برجسته علمی و فرهنگی، و نیز نمایندگان مجلس، مؤسسات، سازمان‌های غیردولتی، سندیکاها و بخش‌های مختلف اقتصادی نیز به عضویت این کمیسیون‌ها درآیند تا بتوانند به ضرورت‌های مسوولیت خود در امر یکپارچه کردن منابع پاسخ دهند.

کمیسیون‌های ملی با هر وضع حقوقی، هر نوع ساخت و نحوه عمل، چهار نقش عمده به عهده دارند:

بند اول: نقش مشورتی

نقش مشورتی کمیسیون‌های ملی در ارتباط با دولت و هیات نمایندگی کشور در کنفرانس عمومی در مورد تمام مسائل مربوط به یونسکو و برنامه‌های آن انجام می‌گیرد. این نقش به فعالیت‌های رایج آموزشی، علمی و فرهنگی و خبری محدود نمی‌شود، بلکه به قلمروهای برنامه‌ریزی و توسعه اقتصادی و اجتماعی نیز گسترش می‌یابد. این نقش در درجه اول به هنگام تهیه برنامه و بودجه و نیز طرح میان مدت سازمان و در مرحله بعدی در اجرای فعالیت‌های مصوب کنفرانس عمومی اعمال می‌شود. یونسکو، در تمامی زمینه‌های کاری، یعنی آموزش، علوم طبیعی، فرهنگ، علوم اجتماعی و انسانی، ارتباطات و اطلاع رسانی، به دولت‌ها خدمات مشاوره‌ای ارائه می‌دهد.

۱ - مژگان پور، منبع پیشین، ص ۵۶.

بند دوم: نقش ارتباطی

کمیسیون های ملی باید از فعالیتهایی که در قلمرو صلاحیت آنهاست، چه در سطح ملی چه در سطح بین المللی، کاملاً آگاه باشد. انجام این مسولیت سبب می شود تا کمیسیون های ملی نقش ارتباطی را در این سطح بازی کنند. به این منظور، کمیسیون های ملی باید در سطح کشور مورد نظر، روابط دائمی با دستگاه های دولتی ذیربط برقرار سازند؛ از یک سو با مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی، موسسه ها، دانشگاه ها، انجمن های صنفی یا سندیکایی و نیز با شعب سازمان های غیردولتی، و از سوی دیگر با متخصصان کشور در زمینه های آموزشی، علمی و فرهنگی تماس داشته باشند و در سطح بین المللی اقدامات مشابه را به ویژه در مسیر یونسکو و یا سایر کمیسیون های ملی در کشورهای عضو دنبال کنند.^۱

بند سوم: نقش اجرایی

کمیسیون های ملی با شرکت در انجام فعالیتهایی که ملهم از امور کشور است یا اجرای طرح هایی که جنبه ملی یا بین المللی دارند، مسولیت های اجرایی نیز بر عهده دارند. شرکت کمیسیون های ملی در اجرای برنامه های سازمان به همکاری بین المللی در زمینه های گوناگون و در سطوح منطقه ای و زیرمنطقه ای، معنی و مفهوم می بخشد. تعاملات افراد، تهیه و تبادل مواد، نمایشگاه ها، تشکیل جلسات و گروه های مشترک، تهیه و اجرای برنامه های مشترک از جمله فعالیتهایی است که کمیسیون ملی باید با روح پی گیری و نوآوری، در آنها شرکت جوید و به همکاری های فکری، مبادله آزاد ارزش های فرهنگی، به خاطر هدف هایی که غنای متقابل آنها را در پی دارد، محتوایی مشخص و ملموس بخشد.

بند چهارم: نقش اطلاع رسانی

کمیسیون های ملی تمام امکانات خویش را برای گسترش مداوم تمام با مردم کشوری که در آن مستقر هستند به کار می برند و ترتیبی اتخاذ می کنند که یونسکو از همکاری مستقیم و غیر مستقیم اقشار گوناگون مردم برخوردار باشد. در این راستا، کمیسیون های ملی در سطح داخلی به معرفی هدف ها، راهبردها، برنامه ها و انتشارات یونسکو می پردازند. علاوه بر آن، برای معرفی برنامه ها، فعالیت ها و اولویتهای آموزشی، علمی، فرهنگی و ارتباطی کشور به

۱ - نادری قطب الدینی، عباس و حمید زنگنه، یونسکو، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۲، ص ۱۰۰.

یونسکو می‌پردازند. به‌طور کلی، انجام کامل وظایف کمیسیون‌های ملی در سطح کشور در زمینه همکاری بین‌المللی، هرچند تابعی از کارایی و قاطعیت دبیرخانه‌های آنهاست، اما به وسایل و منابعی که در اختیار کمیسیون‌هاست نیز بستگی دارد. تامین هزینه‌های کمیسیون‌های ملی بر عهده دولت‌های عضو است؛ این وظیفه‌ای است که با پیوستن به سازمان یونسکو بر عهده می‌گیرند.^۱

یونسکو دارای دفاتر منطقه‌ای نیز می‌باشد که این دفاتر به عنوان بخشی از دبیرخانه سازمان و به منظور جلوگیری از تمرکز بیش از حد کارها در دبیرخانه مرکزی، در چهار منطقه آسیا – اقیانوسیه (بانکوک)، آفریقا (داکار)، آمریکای لاتین (سانتیاگو) و کشورهای عربی (بیروت) تاسیس شده است. این دفاتر منطقه‌ای در عین برخورداری از استقلال داخلی، تحت نظارت دبیرخانه یونسکو قرار دارند و بر حسب نوع فعالیت و اختیارات خود می‌توانند دفاتر زیر منطقه‌ای دیگر به‌وجود آورند.^۲

همانطور که ذکر شد، کمیسیون‌های ملی به عنوان یک رابط بین سازمان یونسکو و کشورهای عضو، می‌توانند باعث ایجاد همکاری‌ها و ارتباطات بین اعضا در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای و حتی زیر منطقه‌ای شوند که در نهایت این تعاملات، باعث ایجاد همکاری میان کشورها می‌شود که این همان غایت نهایی یونسکو است که به صلح بین‌المللی خواهد انجامید؛ زیرا از طریق این کمیسیون‌ها، ملت‌ها با فرهنگ‌های هم آشنا شده و انواع پیمان‌نامه‌های فرهنگی، اجتماعی، آموزشی بین آنها منعقد می‌شود که این امر باعث اشاعه فرهنگ صلح و دوستی میان کشورها خواهد شد.

گفتار چهارم: ارتباط با سازمان‌های غیردولتی

یونسکو در یک نگاه کلی، سازمان‌های غیردولتی را نمایندگان جامعه مدنی تلقی می‌کند و افزایش آنها را موجب بارورتر شدن جامعه مدنی برای حرکت در مسیر دموکراسی می‌داند. اکنون نیز یونسکو با شناخت تاثیر روند جهانی شدن در عرصه‌های مختلف حیات بشری، می‌کوشد ضمن انطباق سیاست‌های خود با این روند، مشوق حرکت سازمان‌های غیردولتی

۱ گزانی، منبع پیشین، ص ۲۱-۲۲.

۲ - کمیسیون ملی یونسکو- ایران، گزارش کمیسیون ملی یونسکو در ایران درباره دفتر منطقه‌ای آسیا-اقیانوسیه، انتشارات کمیسیون ملی یونسکو-ایران، اردیبهشت ۱۳۷۰، ص ۱.

به سوی چندگانه پذیری و بین المللی شدن باشد و به همین دلیل، همکاری با سازمان های غیردولتی بین المللی را در اولویت قرار داده است. در میان مؤسسات تخصصی سازمان ملل متحد، یونسکو گرم ترین استقبال را برای همکاری با سازمان های غیردولتی به عمل آورده است. احتمالاً مهم ترین علت این گسترده گی روابط و همکاری ها، وسیع بودن حوزه های تحت صلاحیت یونسکو در مقایسه با سایر مؤسسات تخصصی سازمان ملل متحد است. طبق آماری که در ژوئن ۲۰۰۳ به عمل آمده، یونسکو با بیش از ۳۴۴ سازمان غیردولتی رابطه رسمی دارد. هرچند که تعداد بیشتری از این سازمان ها دارای روابط ناپایدار با سازمان یونسکو هستند.

اهداف سازمان های غیردولتی بین المللی در حقیقت دنبال کننده مقاصد سازمان های بین دولتی و حتی حکومت هاست. با توجه به پیچیدگی های زندگی امروزی، این سازمان ها همچون ابزار جهانی موثری ایفای نقش نموده اند؛ چرا که زندگی امروزه وجود تخصص های مختلف و جدید را ایجاب می کند. بدون شک، تاسیس و گسترش سازمان های بین المللی غیردولتی، که روز به روز هم تعدادشان رو به افزایش است، بیانگر تاثیر به سزای آن ها در جامعه بین الملل عصر حاضر است. این سازمان ها با فعالیت هایی که در جهت ارضای منافع جامعه بین المللی انجام داده اند، با ایجاد روحیه تفاهم و همکاری بین المللی، به طور مستقیم یا غیرمستقیم در میان مردم نقش مثبتی داشته اند.^۱ همکاری دوجانبه یونسکو با سازمان های غیردولتی، منافع و آثار مثبت متقابلی را برای طرفین به ارمغان می آورد. از طریق این همکاری، از یک طرف یونسکو از مشاوره فنی و اطلاعات این سازمان ها بهره مند می شود و از طرف دیگر، سازمان های غیردولتی ضمن استفاده از اسناد و اطلاعات یونسکو، مجرای برای معرفی برنامه های خود در سطح بین المللی می یابند. از نظر یونسکو، این سازمان ها اصولاً بر اساس یک توافق غیردولتی میان چند شخصیت حقیقی و یا حقوقی تاسیس می شوند و از لحاظ نظام اداری کشور متبوع، بودجه و تشکیلات، بخشی از دستگاه دولتی محسوب نمی شود. از سوی دیگر، این سازمان ها باید ماهیت غیرانتفاعی داشته باشند، هرچند که چنین ماهیتی آنها را از کسب درآمدهای محدود برای اداره تشکیلات باز نمی دارد. طبق ماده ۱۱ اساسنامه یونسکو، سازمان می تواند با دیگر مؤسسات تخصصی بین دولتی با

۱ - سوچینی لیندکر، روبرتو، سازمان های غیر دولتی و حقوق بین الملل، نشریه اتاق بازرگانی، شماره ۴۳۰، بهمن ۱۳۸۲، ص ۱۳.

وظایف و فعالیت‌های همسان با خود همکاری نماید. به این منظور، دبیرکل می‌تواند زیر نظر شورای اجرایی، روابط عینی با این سازمان‌ها و نهادها برقرار کند و کمیسیون‌های مرکبی را که برای همکاری مفید و لازم به نظر می‌رسد، تشکیل دهد و هر قراردادی را که لازم بداند با این سازمان‌ها و موسسات منعقد نماید. با توجه به اینکه ترغیب همکاری‌های بین‌المللی به منظور نیل به صلح جهانی از اولویت‌های اصلی یونسکو می‌باشد، این سازمان همکاری‌های مستقیم با سازمان‌های غیردولتی با ماهیت بین‌المللی و یا حداقل با کارکرد بین‌المللی را در اولویت قرار می‌دهد و همکاری با سازمان‌های غیردولتی ملی را عمده‌تاً از مجاری کمیسیون‌های ملی کشورهای عضو و یا دفاتر خارج از مقر یونسکو توصیه می‌کند.^۱

یونسکو با سازمان‌های غیردولتی که ماهیت بین‌المللی دارند در دو سطح روابط رسمی و روابط عملیاتی و کاری ارتباط برقرار می‌کند:

۱- سطح روابط رسمی

روابط رسمی برای یک دوره شش ساله قابل تمدید برقرار می‌شود و سازمانی که در این سطح قرار است با وی ارتباط برقرار شود باید حوزه فعالیتش در ارتباط با یک یا چند حوزه تحت صلاحیت یونسکو باشد و تمایل خود به مشارکت موثر در تحقق اهداف یونسکو، منطبق با اصول مندرج در اساسنامه یونسکو، را ابراز دارد. همچنین بایستی ضمن احترام به هویت‌های فرهنگی ملل مختلف، فعالیت‌هایی را در سطح بین‌المللی با روحیه دگرپذیری و همبستگی و برای منافع بشریت به انجام رساند. این گونه سازمان‌ها باید یک گروه به هم پیوسته و منسجمی را گرد هم آورد، به نحوی که این گروه به شکلی آشکار و نمایان، متعهد به تعقیب اهداف سازمان خود باشند.

۲- سطح روابط عملیاتی و کاری

یونسکو می‌تواند منوط به صلاحدید دبیرکل یونسکو، با برخی از سازمان‌های غیردولتی در چارچوب نوعی روابط عملیاتی همکاری کند. این نوع روابط به یونسکو اجازه می‌دهد تا در هر سازمانی از جامعه مدنی که در حوزه‌های ذی‌صلاح یونسکو فعالیت می‌کنند، شرکایی انعطاف‌پذیر و پویایی داشته باشد و از امکانات و ظرفیت‌های عملیاتی و همچنین شبکه‌های توزیع اطلاعات آنها استفاده نماید. این نوع روابط به ظهور سازمان‌هایی که جامعه مدنی را نمایندگی می‌کنند، کمک می‌کند و موجب مطرح شدن آنها در سطح بین‌المللی به ویژه در

۱ - نادری قطب‌الدینی، منبع پیشین، ص ۱۱۵

مناطق که این سازمان‌ها حالتی شکننده و منزوی دارند، می‌شود.^۱ یونسکو می‌تواند اعتبارات و امکاناتی را با اشکال مختلف به سازمان‌های قادر به همیاری برای تحقق اهداف یونسکو اختصاص دهد. این کمک‌ها می‌توانند به صورت پرداخت بر مبنای انعقاد قرارداد کاری و یا طرح‌های مشارکتی ارائه گردد، یا حالت یارانه‌ای داشته باشد. آنچه مهم است این است که این کمک‌ها عمدتاً به برنامه‌ها فعالیت‌هایی اختصاص می‌یابد که از جمله اولویت‌های یونسکو محسوب شوند و یا حداقل مکمل برنامه‌ها و فعالیت‌های یونسکو تلقی شوند.^۲

به‌طور کلی، هدف یونسکو از ایجاد رابطه و همکاری با سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی، افزایش ارتباط و همکاری بین ملت‌ها در سطح بین‌المللی جهت نیل به هدف اصلی خود که حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی است، می‌باشد؛ چراکه از طریق این سازمان‌ها می‌تواند باعث همکاری و ایجاد ارتباط میان کشورهای مختلف و از این طریق باعث نزدیکی و اتحاد هرچه بیشتر میان آنها گردد. همکاری و ارتباط کشورها به خصوص در زمینه‌های تحت صلاحیت یونسکو باعث تشکیل زنجیره مستحکمی میان آنها خواهد شد که به راحتی گسستنی نخواهد بود.

مبحث دوم: چالش‌های سازمان یونسکو

اگرچه یونسکو ذاتاً سازمانی مستقل محسوب می‌شود، با این حال با محدودیت‌هایی روبرو می‌شود که ریشه در حاکمیت دول عضو دارد. بر این اساس تفاهم یا عدم تفاهم با دول عضو، تنها معیار موفقیت یا ناکامی سازمان در رسیدن به اهداف و انجام وظایفش قلمداد می‌شود. سازمان یونسکو که دارای آرمانی ایده‌آل، یعنی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از طریق آموزش، افزایش آگاهی و همکاری ملت‌ها می‌باشد، در اجرای اهداف خویش به واسطه مسائلی همچون اصل عدم مداخله، فقر توسعه فرهنگی، فقدان فرهنگ دموکراسی و مسائلی از این قبیل دچار مشکل می‌شود که در این مبحث به بررسی آنها می‌پردازیم:

۱ - همان، ص ۱۲۵.

۲ - شایان ذکر است که این کمک‌ها و پرداخت‌ها هیچگونه تعهد دائمی برای یونسکو ایجاد نمی‌کند.

گفتار اول: اصل عدم مداخله

موضوع دخالت در امور داخلی دیگر کشورها تا پیش از تصویب منشور ملل متحد، از جمله موضوعاتی بود که با توجه به آزادی عمل کشورها در توسل به زور و آغاز جنگ با دیگران، ممنوعیت و محدودیت عام و مشخصی نداشت. لذا دخالت یا عدم دخالت در امور داخلی دیگران تابع اراده، خواست، منافع و قدرت کشور مداخله‌گر از یک سو و مانع و قدرت کشور هدف مداخله از سوی دیگر بود. سوای از این چارچوب، تنها ملاک موجود، قراردادهای پیمان‌ها و معاهدات دو جانبه‌ای بود که در زمینه‌هایی چون عدم تعرض، دوستی و اتحاد میان کشورها منعقد می‌گردید و بعضاً در دوره‌ای کوتاه، موجبات عدم دخالت دولت‌ها در امور داخلی یکدیگر را فراهم می‌آورد.^۱ اصل عدم مداخله در سیاست داخلی دیگر کشورها، یکی از اصول اعتقادی حکومت‌ها، پژوهشگران و سازمان‌های بین‌المللی است.^۲ با تصویب منشور ملل متحد برای نخستین بار ممنوعیت دخالت در امور داخلی سایر کشورها صریحاً مورد اشاره قرار گرفت. متعاقب این موضوع، مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز طی قطعنامه‌ها و اعلامیه‌های متعدد، بر لزوم رعایت این اصل تأکید کرد. با توجه به اینکه یونسکو یک مرجع بشری در حیطه وسیع آموزشی، علمی و فرهنگی می‌باشد، این یک امر عادی است که از نائل آمدن به تمام اهداف خود قاصر باشد؛ زیرا این اهداف به اندازه توانایی‌های خلاق ذهن بشری نامحدود است. اما اگر یونسکو به نحو مناسبی، به عنوان وسیله‌ای محسوب شود که به واسطه آن مردم بتوانند از طریق دولت‌هایشان روی اهداف با اهمیت زیاد، توافق یابند و سپس راهنمای عملی حصول به این اهداف مشترک را مورد تدبیر قرار دهند، شایسته رسیدن به اهدافش می‌باشد.^۳ در این خصوص اصل عدم مداخله یکی از مواردی است که مردم می‌بایست در مورد اهداف اساسی، جهت پیشرفت و ترقی کشور و جامعه‌شان، از میان بردارند.

به طور کلی، مبنا و شالوده اصل عدم مداخله را باید در اصول حاکمیت، تساوی کشورها و

۱ - عباسی اشلقی، مجید، مداخلات بشر دوستانه و اصل عدم مداخله، مجله سیاسی - اقتصادی شماره ۱۶۹-۱۷۰، سال ۱۶، مهر و آبان ۱۳۸۰، شماره اول و دوم، ص ۸۲.

۲ - دامروش، لوری فیسلر، سیاست بر فراز مرزها: اصل عدم مداخله و نفوذ غیر قهری بر مسائل داخلی، ترجمه علیرضا طیب، مجله سیاسی اقتصادی، آذر و دی ۱۳۷۰، شماره ۵۲ و ۵۱، ص ۱۹.

35- Wolter H. C. Ives, "UNESCO: Purpose, Progress, Prospects", Indiana University Press, 1957, pp 356-357.

عناصر به وجود آورنده نظم حقوقی بین‌المللی جستجو کرد. اصولاً شناسایی اصل حاکمیت به معنی استقلال و آزادی کشورها از هر گونه سلطه خارجی در تعیین سیاست‌های داخلی و خارجی خویش و تساوی کشورها بر طبق قانون است که مجاز بودن مداخلات طرف‌های ثالث را منتفی می‌کند. با این حال، قلمرو قاعده ممنوعیت مداخله در امور داخلی کشورها از سوی سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، هنوز از جمله موضوعات جنجال برانگیز به‌شمار می‌رود. تفاسیر متفاوت و مختلفی از منشور سازمان ملل متحد که یک معاهده و موافقت‌نامه همگانی و جهانی است صورت می‌گیرد و کشورها، دولت‌ها و حقوق‌دانان مختلف، برداشت‌ها و تفاسیر مختلفی از منشور ارائه می‌دهند. به طور کلی هر یک بر اساس منافع و مصالح خود تفسیر می‌کنند که این امر می‌تواند بر پیچیدگی و وخامت اوضاع بیفزاید و موجب مداخله بعضی کشورها و سازمان‌ها در امور کشورهای دیگر شود. عده‌ای با تفسیر موسع منشور سازمان ملل متحد درصدد هستند تا اختیارات و وظایف وسیعی را به سازمان ملل متحد و بالاخص شورای امنیت دهند تا در همه امور بین‌المللی دخالت کند که اینها بیشتر کشورهای بزرگ هستند. در مقابل بعضی‌ها با تفسیر مضیق منشور سازمان ملل متحد درصدد هستند که اختیارات و وظایف محدودی که دقیقاً در منشور قید شده را به این سازمان بدهند تا در همه امور جهانی و امور داخلی کشورها به هر بهانه‌ای مداخله صورت نگیرد.^۱ با این حساب، پذیرش تفسیر مضیق و محدود از قلمرو و اصل عدم مداخله منجر به این می‌گردد که اگر نه به شکل عام، حداقل تحت شرایط و اوضاع و احوال معین که به خوبی توصیف و مشخص شده باشد، جایی را برای مداخلات بین‌المللی در امور داخلی کشورها در نظر بگیریم. اما توصیف مجاز بودن مداخلات بین‌المللی به این شکل که باید در منشور سازمان ملل متحد دقیقاً قید شده باشد، نشان می‌دهد که در حال حاضر هیچ‌گونه اجماع نظری در خصوص معیار اوضاع و احوال مشخص و اینکه چه اقداماتی در جریان مداخله قانونی شناخته می‌شود، وجود ندارد.^۲ با تصویب منشور ملل متحد و درج ممنوعیت

۱ - بیگدلی، حسن، اصل عدم مداخله در امور کشورهای دیگر از دیدگاه حقوق بین‌الملل، پایان‌نامه دریافت درجه کارشناسی ارشد روابط حقوق کنسولی، دانشگاه حقوق وزارت امور خارجه، شهریور ۱۳۷۶، ص ۱۱۳ و ۱۱۴.

۲ - رضوانیان رهنی، مسعود، نظارت سازمان ملل بر وضعیت حقوق بشر در کشورها و مساله مداخله در امور داخلی آنها، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۳، ص ۸۵.

دخالت در امور داخلی سایر کشورها در ذیل بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد، سازمان ملل به عنوان رکنی که وظیفه نظارت و اجرای این سند بین‌المللی عام و جهانشمول را بر عهده دارد، ماموریت یافت که با ایجاد زمینه لازم برای همکاری میان کشورهای عضو، امکان نیل به اهداف منشور را فراهم می‌کند. این بند بیان می‌دارد:

"هیچ‌یک از مقررات مندرج در این منشور، ملل متحد را مجاز نمی‌دارد در اموری که ذاتاً جز صلاحیت داخلی هر کشوری است، دخالت نماید و اعضا را نیز ملزم نمی‌کند که چنین موضوعاتی را تابع مقررات این منشور قرار دهند. لیکن این اصل به اقدامات قهری پیش‌بینی شده در فصل هفتم لطمه وارد نخواهد آورد."

شارل روسو معتقد است که مداخله، نفوذ یک کشور در امور داخلی یا خارجی کشور دیگر است برای واداشتن آن کشور به انجام یا عدم انجام عملی یا پرداخت خاصی، که در این زمینه کشور مداخله‌گر با اعمال انواع فشار اعم از سیاسی، اقتصادی، روانی، نظامی می‌کوشد نظر خود را تحمیل کند.^۱ این تعریف شامل سازمان‌های بین‌المللی نیز می‌شود. سازمان یونسکو، به عنوان یکی از موسسات تخصصی سازمان ملل متحد که وظیفه حفاظت و حراست از صلح و امنیت بین‌المللی را از طریق آموزش و ایجاد همکاری‌ها بین کشورهای عضو دارد، نیز از این اصل مستثنی نیست. قطعاً آموزش، فرهنگ، علوم طبیعی، علوم اجتماعی، ارتباطات از جمله اموری هستند که به مسائل درون مرزی هر دولت مربوط می‌شود و درید دولتمردان و حکومت‌های داخلی قرار دارد که نمی‌توان بدون مجوز در این امور دخالت کرد. در این زمینه تا زمانی که دولت عضو یا حتی غیر عضو سازمان یونسکو رضایت نداشته و مجوز صادر ننماید، هر گونه پیشنهاد یا دخالتی در این امور می‌تواند از سوی کشور مزبور به استناد بند ۷ ماده ۲ منشور تحت عنوان اصل عدم مداخله غیر قابل قبول واقع شود. زیرا که این موارد جزء اموری هستند که در صلاحیت ذاتی کشورها قرار دارند.

این چالش، یکی از اصلی‌ترین چالش‌های سازمان یونسکو در اجرای رسالت اصلی خویش می‌باشد. یونسکو که قائل به برابری و آزادی زنان و مردان، علی‌الخصوص در امر آموزش می‌باشد، چگونه می‌تواند در جامعه سنتی همچون عربستان سعودی که برای زنان حق

۱ - ضیایی بیگدلی، محمد رضا، بررسی تفصیلی برخی مسائل حقوق بین‌الملل عمومی (جزوه درسی)، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق، سال ۱۳۷۸، ص ۷-۸.

آموزش قائل نیست، برنامه‌های آموزشی خود را که از جمله بخش‌های مهم یونسکو هستند را پیاده کند؟ قطعاً هرگونه اقدامی از سوی سازمان، واکنش جدی دولتمردان سعودی و امثال آن را در برخواهد داشت. چرا که این مساله در صلاحیت ذاتی داخلی آن کشور قرار دارد. در حوزه فرهنگ نیز وضع به همین منوال است. احترام به فرهنگ‌ها و حفظ آنها و تضمین اینکه فرهنگ‌های مختلف به یکدیگر احترام گذارند و برای حفظ یکدیگر بکوشند، به‌گونه‌ای که در عین تعادل و نزدیکی، تنوع و وحدت آنها حفظ شود، از وظایف اصلی سازمان یونسکو می‌باشد. اما در جامعه بسته‌ای همچون افغانستان که طالبان هیچ نوع فرهنگ و سنتی غیر از فرهنگ خود را قبول ندارند، چگونه می‌توان تنوع فرهنگی را ترویج داد و مردم را با فرهنگ‌های مختلف آشنا کرد؟ در این حوزه نیز واضح است که هر اقدامی از سوی سازمان یونسکو با واکنش تند و سریع دولت افغانستان به ویژه سران طالبان روبه‌رو خواهد شد. مثال دیگری که می‌توان زد در حوزه ارتباطات و اطلاع‌رسانی است. برنامه ارتباطات و اطلاع‌رسانی که ملهم از اساسانه یونسکو است و هدف اصلی یونسکو ایجاد جامعه‌ای دانش‌محور بر اساس دسترسی آزاد به اطلاعات و ارتباطات می‌باشد، اما چگونه یونسکو می‌تواند این رسالت خویش را در جامعه‌ای همچون کره شمالی که حق دسترسی آزاد به اینترنت برای همگان وجود ندارد اجرا کند؟ یا در جوامع دیکتاتوری که افراد تحت دستور فرد دیکتاتور هستند و از آزادی بیان و اطلاع‌رسانی همگانی به دور هستند، سازمان یونسکو که یکی از اهداف اصلی آن ترویج آزادی بیان و اطلاعات جهت نیل به صلح و امنیت بین‌المللی است، چگونه می‌تواند اهداف خویش را بدون مجوز دولت حاکم بر آن سرزمین پیاده کند؟ صاحبان قدرت و منافع، هم در سطح ملی و هم بین‌المللی، هرگز به این حقیقت که دیگری نیز حق دارد و یا سخنی برای گفتن دارد، گردن نمی‌گذارند و پیوسته در تلاشند تا موقعیت برتر خویش را تحکیم بخشیده و از موضع قدرت، به توجیه رفتار خود بپردازند.^۱ در واقع این افراد، در مقابل هرگونه واکنش سازمان‌های بین‌المللی یا سازمان‌های حقوق بشر دوستانه با ادعای اصل عدم مداخله به مقابله بر می‌خیزند و این‌گونه فعالیت‌ها را تحت صلاحیت داخلی خود فرض می‌کنند.

گفتار دوم: فقر توسعه فرهنگی

یونسکو با افزایش و تقویت مناسبات آموزشی، علمی و فرهنگی دو هدف را تعقیب می‌کند:

۱- توسعه، که ورای تقاضای ساده پیشرفت مادی، باید به طیف گسترده‌ای از خواست‌های انسان پاسخ گوید، بدون آنکه میراث نسل‌های آینده را به خطر افکند.

۲- برقراری فرهنگ صلح، بر اساس آموزش مسولیت شهروندی و مشارکت کامل در فرآیندهای بر پایه دموکراسی.

اما در جامعه‌ای که با فقر توسعه، به ویژه توسعه فرهنگی، روبروست دچار چالش می‌شود و قادر به انجام اهداف خویش نخواهد بود.^۱ توسعه بر خلاف رشد، که امری صرفاً اقتصادی – فناورانه و دارای مفهوم کمی است، امری پیچیده و چند وجهی است و به سادگی نمی‌توان آن را با چند شاخص کمی نظیر در آمد سرانه، تولید ناخالص ملی، افزایش پس انداز ملی و سرمایه گذاری، اندازه گیری کرد. توسعه علاوه بر بهبود وضع اقتصادی و پیشرفت فناورانه و افزایش ثروت ملی باید به تغییرات اساسی کیفی در ساخت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و کیفیت نیروی انسانی همراه باشد.^۲ به عبارتی، توسعه پیش از هر چیز باید انسانی باشد و به بهبود و کیفیت منابع انسانی بینجامد. توسعه، هنگامی همه جانبه، پایدار و انسانی است که بتواند موجبات توانمند سازی انسان و گسترش دامنه انتخابات او را فراهم کند. از سوی دیگر، همه جانبه بودن توسعه، لزوماً در همه جنبه‌ها، هم‌زمان روی نخواهد داد، از جمله زمینه‌هایی که توسعه در آن به کندی رخ می‌دهد؛ مثل توسعه فرهنگی.

یونسکو در دهه پایانی قرن بیستم، با اعلام دهه جهانی فرهنگ، دیدگاه‌های جدیدی را ارائه داد که همه نظریات مربوط به توسعه را دچار چالش کرد. اگر بنا به نظریات جدید یونسکو در دهه جهانی فرهنگ، توسعه فرهنگی را زیربنای هر نوع توسعه‌ای بدانیم، بدان معنا خواهد بود که صرف نظر از تقدم یا تاخر نوع اقتصادی و یا سیاسی توسعه در دیگر انواع آن، محور توسعه، توسعه انسانی و فرهنگی است. به عبارتی تقدم یا تاخر توسعه در گرو اندازه فاصله هر یک از توسعه از فرایند ایجاد امکانات توانمندی و انتخاب سازی برای انسان است. بدین ترتیب از آنجا که انسان محور توسعه است، تقدم و تاخری در کار نیست. بلکه مساله اصلی، ایجاد توازن در نسبت میان انواع توسعه با انسان است و فرهنگ در ایجاد چنین توازن و

7- UNESCO Basic Texts, General Conference, 36th Session, UNESCO, Paris, 2012, pp. 6-7.

۲ - نراقی، یوسف، جامعه‌شناسی و توسعه، نشر افزون، تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۱۸.

تعادلی دارای نقش اصلی است. بنابراین باید معین کرد که توسعه فرهنگی، مبتنی بر کدام تعریف از فرهنگ، چنین مأموریت خطیری دارد.^۱

در یک تعریف ساده می‌توان فرهنگ را مجموعه‌ای از تمام ویژگی‌های فکری، معنوی و عاطفی دانست که هر گروه اجتماعی یا جامعه‌ای را مشخص می‌کند. فرهنگ نه تنها شامل هنر و ادبیات است، بلکه شیوه‌های زندگی، حقوق اساسی بشر، نظام‌های ارزشی سنت‌ها و باورها را نیز شامل می‌شود.^۲ این مفهوم وسیع فرهنگ، با فناوری رابطه دیرینه دارد. زیرا انسان با به‌کارگیری ابزار قادر می‌شود تا نیازهای اولیه و خاص خود را پاسخ گوید و با محیط زندگی‌اش هماهنگ شود. این به معنای توانمندی است و به عبارتی دیگر، با گسترش دامنه ابزارها، انسان از حقوق بیشتری برخوردار می‌شود و می‌تواند گستره تسلط خود را در عرصه‌های مختلف توسعه دهد. پس فناوری هم خود جزئی از فعالیت‌های انسان است، بدین معنا که فناوری مجموعه‌ای از روش‌ها، تجربه‌ها و علوم عملی است که انسان برای تسلط بر محیط کار، به‌کار می‌گیرد. در واقع فناوری یکی از خصیصه‌های فرهنگی زیربنایی انسان است که برای موثر بودن باید با نیازها و غایات انسان هماهنگی داشته باشد.^۳ ارتباط بین فرهنگ و فناوری با بررسی نقش فناوری در تغییرات و ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قابل درک است؛ تغییراتی که با فرهنگ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جوامع سر و کار دارند. بنابراین فرهنگ تعیین‌کننده ابزارها و فناوری‌های مورد نیاز برای تغییرات اساسی یا اصطلاحات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است و تفاوت‌ها در جوه فناوری به تفاوت‌هایی در دیگر جوانب نظام سیاسی بر می‌گردد. فناوری مناسب یک مفهوم عام است که می‌تواند اشکال گوناگونی داشته باشد، مانند فناوری کم‌هزینه، متوسط کوچک مقیاس یا روستایی و از این قبیل، اما همواره فناوری مناسب خواهد بود که با بنیان‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه‌ای که از آن استفاده می‌کند سازگار باشد. بنابراین، فناوری مناسب در هر جامعه‌ای مفهومی خاص خواهد داشت. بدین معنا که درحالی که فناوری مناسب در جوامع صنعتی به‌طور وسیع بر چالش‌های محیط زیست، منابع طبیعی و فناوری‌های جوامع

۱ - زرشکن عابد، لیلا، تحلیل چالش‌های بخش فرهنگ با تأکید بر چالش‌های حوزه میراث فرهنگی و گردشگری، مجله مجلس و پژوهش، شماره ۴۴، پاییز ۱۳۸۳ (۱۳۸۳)، ص ۱۶.

۲ - یونسکو، راهبردهای ملی توسعه فرهنگی، نشر تیبان، تهران، ۱۳۷۹، ص ۷.

۳ - همان، ص ۹.

فراصنعتی متمرکز شده است، در جوامع در حال توسعه، به مشکلات فقر، اشتغال و نیازهای اولیه بشر توجه دارد. این فرض پذیرفتنی است که همه ملت‌ها به توسعه قابلیت‌های بدون فناوری نیازمندند، اما بسترهای فرهنگی متفاوت چنین توسعه‌ای در کشورها، محدودیت‌هایی در پذیرش ایجاد می‌کنند، به‌طوری‌که تفاوت در وضعیت توسعه یک ملت با تفاوت در قابلیت‌های فناورانه آن مترادف خواهد بود. بدیهی است که فرایند توسعه فناورانه، تنش‌های فرهنگی بسیاری به وجود می‌آورد. چرا که پذیرش این توسعه نمی‌تواند بدون وجود نیروهای انسانی آگاه و آشنا با فناوری و گسترش آموزش برای همه سطوح سنی، در کنار دسترسی به سرمایه، اتفاق بیفتد.^۱ مشخص است تا بسترهای فرهنگی توسعه در جوامع فراهم نباشد، توسعه با تهدید بنیان‌های کهن فرهنگی جوامع، فقط با واکنش‌ها و تنش‌های فرهنگی جوامع مواجه خواهد شد و این به معنای در جا زدن یا عقیم ماندن طرح‌های توسعه در این جوامع است. بنابراین اندیشه توسعه فرهنگی، به‌مثابه بستر توسعه همه جانبه، مطرح گردیده است.

تاکنون تعریف روشنی از توسعه فرهنگی داده نشده است. شاید دلیل آن، مفهوم وسیع فرهنگ یا تعاریف متعدد از این مفهوم واحد باشد. اما فرهنگ را عامل اساسی و مرجع ارزیابی سایر عوامل دانسته‌اند که اجرای توسعه را تشکیل می‌دهند. به عبارت بهتر، توسعه، فرایند فرهنگی شناخته شده‌ای است و نظر غالب آنست که توسعه‌ای که از حیات فرهنگی بهره‌مند نباشد و از روال‌های زندگی، نظام‌های ارزشی، سنت‌ها، باورها، دانش و مهارت‌ها صرف‌نظر کند، موفق نخواهد بود. در واقع توسعه‌ای که بعد فرهنگی را نادیده بگیرد، متکی به الگوهای خارجی می‌شود و خلاقیت فرهنگ بومی را از رشد باز می‌دارد و ظرفیت جامعه را برای مقابله با فرهنگ و الگوهای ناخواسته وارداتی سست می‌کند.^۲ از سال‌های میانی دهه ۱۹۶۰، نظریه پردازان توسعه به اندازه‌ای درباره جایگاه توسعه فرهنگی حساس شدند که کل فرایند توسعه را یک فرایند فرهنگی محض تلقی کردند. این اندیشه جدید، رفته رفته به کمال خود نزدیک‌تر شد تا جایی که در طول در دهه اخیر مشخص گردید که بدون توجه به محیط فرهنگی نمی‌توان اهداف توسعه، به‌خصوص مفهوم توسعه اقتصادی را تعیین کرد. زیرا

۱ - زرشن عابد، منبع پیشین، ص ۱۸.

۲ - یونسکو، فرهنگ و توسعه رهیافت مردم شناختی توسعه، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۶، ص ۱۴.

در چنین حالت عدم توازن اقتصادی و فرهنگی حاصل می‌شود و امکان استفاده بهینه از نیروی انسانی جامعه فراهم نمی‌آید. بنابراین باید پذیرفت که اولویت‌ها، انگیزه‌ها و اهداف توسعه را باید از فرهنگ استخراج کرد. این امر به یکی از مهمترین چالش‌های اصلی سازمان یونسکو در اجرای اهداف خویش تبدیل شده است. زیرا جامعه‌ای که با فقر توسعه فرهنگی روبروست، قادر به پیاده اهداف و اصول خویش نمی‌باشد. در همین راستا، سازمان یونسکو از سال ۱۹۸۸ با اعلام دهه جهانی توسعه فرهنگی با تکیه بر این رویکرد، چهار هدف را برای پر کردن خلا ناشی از توسعه فرهنگی در دستور کار خود قرار دارد که عبارتند از:

۱- دفاع از بعد فرهنگی توسعه،

۲- دفاع از هویت فرهنگی ملت‌ها (به‌ویژه خرده فرهنگ‌ها) و تعالی بخشیدن به آنها،

۳- گسترش مشارکت در زندگی فرهنگی،

۴- ارتقای همکاری فرهنگی بین‌المللی.^۱

از این میان، دو هدف دفاع از هویت خرده فرهنگ‌ها در مقابل فرهنگ جهانی و ارتقای همکاری فرهنگی بین‌المللی، همواره جز چالش‌های اصلی یونسکو محسوب می‌شود و نیازمند توجه بیشتری هستند. زیرا ورود جهان به عرصه انفورماتیک و استفاده گسترده از فناوری‌های اطلاعاتی، این الزام را در پی خواهد داشت که سیاست‌های راهبردی لازم را اندیشمندان حوزه فرهنگی تدوین کنند. همچنین توسعه فرهنگی در دو سطح ملی و بین‌المللی قابل بررسی است و هر یک از این سطوح دارای الزامات خاص خود هستند. اما آنچه انکار ناپذیر است و جز چالش‌های یونسکو محسوب می‌شود، این است که بدون تعریف توسعه فرهنگی در سطح ملی و تبیین الزامات آن، نمی‌توان در عرصه بین‌المللی گام گذاشت، لذا سازمان یونسکو برای بیان کردن سیاست‌های خویش در کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته که دارای فناوری و توسعه کمی هستند، یا اصولاً فاقد فناوری و توسعه و در نهایت فاقد توسعه فرهنگی هستند، با مشکلات عدیده روبه‌رو می‌شود. چرا که یکی از اهداف توسعه فرهنگی در اعلامیه دهه جهانی توسعه فرهنگی یونسکو، دفاع از هویت فرهنگی ملت‌ها و تعالی بخشیدن به آن بوده است. هویت فرهنگی، شامل هویت دینی، قومی، زبانی، هنری، تاریخی و جغرافیایی هر کشوری است که مستلزم توجه اساسی به آثار و بقایای هویت‌هایی است که به‌صورت آموزه‌های مکتوب یا شفاهی، اشیاء، مکان‌ها، سنت‌ها،

ارزش‌ها و باورها در جامعه حضور و نفوذ دارند. گستره این آثار و بقایای هویتی ایجاب می‌کند که نظامی منجسم و دولتی مشتمل بر برنامه‌های حمایتی، حفاظتی و ترویجی برای دفاع از هویت‌ها و تعالی بخشیدن به آنها و توسعه فرهنگی تدوین شود.^۱ این موارد نیازمند وجود فناوری پیشرفته و توسعه فرهنگی در یک کشور است. اما در کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته که دارای چنین فناوری‌هایی نیستند، سازمان یونسکو دچار چالش می‌شود.

گفتار سوم: فقدان فرهنگ دموکراسی در کشورها

در ادبیات سیاسی، فرهنگ دموکراسی به عنوان مجموعه روابط و اساس فکری و بینش جامعه دموکراتیک بیان شده است. بینشی که امکان تجدید حیات انحصار طلبی و دیکتاتوری را به مرور زمان ریشه‌کن می‌کند. این تعریف گرچه جنبه‌های مهمی پیرامون مبحث دموکراسی را پیش می‌کشد، اما هنوز تعریفی ناروشن و کلی است. شاید بتوان گفت که مفهوم واژه‌ای آزادی، آن طور که "روزا لوگزامبورگ"^۲ ابراز کرد، به درک وسیع‌تر مقوله فرهنگ دموکراسی کمک می‌کند. او در انتقاد به انحصار طلبی بلشویک‌های روس، در تعریف کوتاه و پرمعنی خود از آزادی اعلام نمود که: "آزادی، همواره آزادی دگراندیشان است". جامعه‌ای که در آن آزادی در انحصار یک قشر اجتماعی، یک حزب سیاسی یا هواداران یک جهان بینی خاص باشد و دگراندیشان از تبلیغ مرام و نظارت خود محروم بمانند، جامعه‌ای آزاد نخواهد بود. جامعه‌ای که حق آزادی اقلیت‌های قومی، مذهبی و سیاسی را محترم نشمارد و حقوق آنان را زیر پا بگذارد، مفهوم کلی و دقیقی از آزادی را کسب نکرده است.^۳ احترام به آزادی حتی در دوران‌های بحرانی از جمله تعرض به تمامیت ارضی کشور، هم می‌بایست از بدیهیات شمرده شود. بر همین اساس می‌توان تصویر دقیق‌تری از جوهر دموکراسی ترسیم نمود. تصویری که دربرگیرنده شرایط ساختاری و معیارهای سنجش دموکراتیک در جامعه باشد، چرا که دموکراسی و آزادی اجزای جدا ناپذیر یک مقوله در یک رابطه اجتماعی هستند.

۱ - زرشکن عابد، منبع پیشین، ص ۳۴.

2 - Rosa Luxemburg (1871-1919).

۳ - مسرت، محسن، فرهنگ و دموکراسی گذر از جامعه دو قطبی انحصار طلبی به جامعه دموکراسی - مدنی، مجله آئین، شماره ۲، آذر ۱۳۸۳، ص ۵۶.

سازمان یونسکو که از مهمترین موسسات تخصصی سازمان ملل می‌باشد، در دیباچه اساسنامه خود علت جنگ‌های خانمانسور اول و دوم جهانی را، انکار آرمان مردم مدارانه شرافت، برابری و احترام به نوع بشر و نیز نابرابری نژادها و انسان‌ها می‌داند و در بند ۱ ماده ۱ اساسنامه‌اش هدف اصلی خویش را ایجاد همکاری بین ملل جهان از طریق آموزش، علم و فرهنگ برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بیان می‌دارد که بایستی احترام به عدالت، قانون، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین بشر برای همگان پیش‌بینی شده در منشور ملل متحد را بدون تمایز و در نظر گرفتن نژاد، جنسیت، زبان یا مذهب به اجرا در آورده شود؛ اما در مملکتی که اساسی‌ترین حقوق بشر یعنی آزادی و دموکراسی رعایت نمی‌شود، چگونه می‌تواند رسالت خویش را اجرا کند؟ حکومت‌های دیکتاتوری تلاش می‌کنند که مردم تحت سلطه خویش را از هر گونه آگاهی و کمال به دور دارند تا بتوانند ریشه‌های حکومت خویش را مستحکم‌تر کنند و ابقای خویش بر حاکمیت را تضمین کنند. از طرف دیگر سازمان یونسکو که رسالت اصلی خویش و آگاه کردن مردم و در نتیجه نزدیک کردن ملت‌ها به هم می‌داند، در این راه با چالش مواجه می‌شود. زیرا فرهنگ دموکراسی هنگامی در جامعه پا گرفته است که اکثریت قابل ملاحظه‌ای از افراد و گروه‌های اجتماعی و احزاب سیاسی، حق موجودیت یکدیگر و اقلیت‌های قومی، دینی و مسلکی را بدون هیچ قید و شرطی به رسمیت شناسد و اصل عدم برتری بالقوه بیان یکدیگر را بپذیرند و بر این اصل تفاهم و توافقی اصولی داشته باشند و آن را ملاک عمل و اساس کارزار سیاسی و اجتماعی خود قرار دهند. این تعریف اگرچه تعریفی جامع و کامل از دموکراسی نیست و جامعه‌ای آرمانی را در بر می‌گیرد، که شاید تاکنون هم ایجاد نشده است، اما در جامعه‌ای که دموکراسی با چنین مفهومی پا گرفته باشد، جایی برای تجدید حیات انحصار طلبی باقی نخواهد ماند. جوهره دیدگاه اندیشمندان سیاسی درباره آزادی و اراده انسان این است که بشر به صرف بودن دارای یک‌دسته حقوق بینادی است که به هیچ بهانه‌ای نمی‌توان آنها را نقض کرد و مظهر این حقوق بنیادین، آزادی و خودمختاری است. معنای آزادی این است که مردم بتوانند سرنوشت خویش را به دست خویش تعیین نمایند. حکومتی که مظهر چنین واقعیتی باشد، یک حکومت دموکراتیک است!^۱ اما در حکومت‌های غیردموکراتیک که حکومت به‌صورت ارثی به

۱ - امیدی، علی، گسترش مفهومی حق تعیین سرنوشت: از استقلال ملل تحت سلطه تا حق دموکراسی برای همه، فصلنامه حقوقی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۷، ص ۳.

نسل‌های بعدی حکام انتقال می‌یابد و مردم هیچ‌گونه نقشی در تعیین سرنوشت خویش ندارند، آزادی، حقوق بشر و عدالت وجود ندارد و مردم مجبور به قبول حرف روسای حکومت هستند. در حالی که در حکومت‌های دموکراتیک، مردم خود صاحب اختیار سرنوشت خویش هستند و قدرت حکومت در دست مردم یا نمایندگان آنان است و تمام قدرت‌های حاکم بر مملکت ناشی از مردم است. بنابراین حکومت قراردادی است که انسان‌های آزاد برای تنظیم امور خویش منعقد می‌کنند. حکومت مجاز نیست اصلی بنیادین را که این قرارداد اجتماعی مبتنی بر آنست را نقض کند. این اصل بنیادین همان آزادی انسان‌هاست. روسو در این باره می‌گوید:

"تمام افراد بشر آزاد و مساوی خلق شده‌اند و هیچ‌یک از آنها بردیگری برتری ندارد و حق ندارد بر هموعان خود مسلط شود. زور نیز هیچ حقی را ایجاد نمی‌کند. بنابراین تنها چیزی که می‌تواند اساس قدرت مشروع و حکومت بر حق را تشکیل دهد، قراردادهایی است که به رضایت بین افراد بسته شده باشد."^۱

اما بسیاری از جوامع هم وجود دارند که این اصول در آنها رعایت نمی‌شود. افراد به عنوان برده و کارگر گماشته می‌شوند که تنها حق زندگی کردن را دارند. نه حق بر توسعه، نه حق آموزش، نه آزادی و نه حقوق بشر؛ از هیچ‌کدام از این حقوق برخوردار نیستند. این افراد محکوم به زنده ماندن هستند. مسلم است که در این جوامع که آگاه کردن و آموزش افراد بر خلاف منافع حاکمان است، نه تنها سازمان یونسکو بلکه هیچ سازمان دیگری نمی‌تواند در امور داخلی دخالت کند. تنها این شورای امنیت است که می‌تواند به بهانه نقض حقوق بشر به اقدامات نظامی دست بزند که در بیشتر موارد به دلایل سیاسی موفق به انجام آن نمی‌شود. در چنین جوامعی اقدامات سازمان یونسکو به دلیل عدم وجود دموکراسی و آزادی با گرایش‌ات نژاد پرستانه و فاشیستی روبه رو خواهد شد و موفقیتی کسب نخواهد کرد.

دموکراسی، روندی فرهنگی - اجتماعی است که در برخورد، رفت و آمد و تجربه اندوزی مردمان شکل می‌گیرد و هر پله از آن، که ضرورت و زمینه پله بعدی است، بر دوش گروه‌هایی از جامعه قرار دارد.^۲ برای به‌دست آوردن بینش صحیح درباره دموکراسی و دادن امکان واقعی برای درک آن، نه تنها باید به حضور دیگران (دیگر اندیشی) اندیشید، بلکه

۱ - رحیمی، مصطفی، قانون اساسی ایران و اصول دموکراسی، انتشارات ابن سینا، تهران، ۱۳۴۷، ص ۲۰.

۲ - ثقفی، مراد، دموکراسی و واقعیت اجتماعی، نشریه گفتگو، زمستان ۱۳۷۵، شماره ۱۴، ص ۱۲.

می‌بایست این دیگران را در مقام نیروی فرادست و خود را در جایگاه نیروی فرو دست جامعه جای داد و آن‌گاه دید که تحت کدام شرایط خود حاضر به همزیستی هستیم! اما در جوامع غیر دموکراتیک و دیکتاتوری، افرادی که در راس حکومت قرار دارند، به هیچ وجه حاضر به از دست دادن جایگاه خویش نیستند و به‌همین دلیل تحت هیچ شرایطی همکاری با سازمانی همچون یونسکو که رسالت و هدف اصلی آن آگاه کردن مردم جهان از طریق آموزش و در نهایت نزدیک کردن ملل با فرهنگ‌های مختلف به هم می‌باشد، که این امر نهایتاً به حفاظت از صلح و امنیت بین المللی می‌انجامد، نخواهد بود و اجازه فعالیت و انجام رسالتش را نخواهد داد.

اگرچه سازمان یونسکو در اجرای اهدافش با مشکلات و موانعی همچون اصل عدم مداخله، فقر توسعه فرهنگی و یا فقدان فرهنگ دموکراسی روبرو می‌شود، اما از سوی دیگر دست به راهکارهایی می‌زند که اگرچه این موانع را به‌طور کلی از بین نمی‌برد، حداقل بخشی از این نقاط ضعف را پر می‌کنند؛ از طریق جهانی کردن جامعه اطلاعاتی سعی در افزایش آگاهی و دانش مردم دارد و سوادآموزی جهانی از اصلی‌ترین دغدغه‌های یونسکو محسوب می‌شود. از طریق گفتگوی میان تمدن‌ها، تلاش می‌کند که ملت‌ها را با فرهنگ‌های مختلف آشنا کرده و از این طریق باعث نزدیکی هرچه بیشتر ملت‌ها به هم شود. با ارتباط و همکاری با سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی، بر فعالیت‌ها و کارکردهای خویش در حوزه‌های تخصصی‌اش می‌افزاید. از طریق این فعالیت‌ها و راهکارهاست که سازمان روز به روز به هدف آرمانی و غایی خویش، که همان حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی است، نزدیک‌تر می‌شود. قطعاً چنین صلحی که از طریق همکاری و ارتباط میان ملت‌ها، افزایش آگاهی و شناخت مردم با فرهنگ‌های مختلف ایجاد می‌شود، تاثیری دوچندان دارد نسبت به صلحی که از طرق نظامی و حتی قضایی ایجاد می‌شود.

نتیجه گیری

صلح و امنیت بین‌المللی دارای دو مفهوم منفی و مثبت می‌باشد، اما در این پژوهش هر دو مفهوم مثبت و منفی را در بر می‌گیرد. یعنی نه تنها صلح و امنیت در فقدان جنگ و خشونت به وجود می‌آید، بلکه باید ملت‌ها با یکدیگر دارای روابط دوستانه و همکاری‌ها در سطح اعلاای خود باشند. چنین صلح و امنیتی با حقوق بشر دارای ارتباط مستقیم است. در واقع می‌توان گفت داشتن صلح و امنیت بدین معنا، از اساسی‌ترین حقوق بشر محسوب می‌شود که سایر حقوق بشری، نظیر حق بر توسعه، آزادی و نظیر این‌ها، در سایه وجود این حق شکل گرفته و توسعه می‌یابند. صلح و امنیت تنها در جوامع دموکراتیک، که آزادی بیان و برابری شهروندان وجود دارد به وجود می‌آید.

سازمان ملل متحد که وظیفه اصلی حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی را به عهده دارد، طبق اساسنامه‌اش این وظیفه مهم را بر دوش شورای امنیت گذاشته است. اما شورای امنیت زمانی وارد عمل می‌شود که علیه صلح و امنیت تهدیدی جدی شده باشد، یا صلح و امنیت نقض شده باشد یا اینکه علیه آن تجاوزی صورت گرفته باشد. اما در این پژوهش ما به دنبال صلح و امنیتی هستیم که به راحتی قابل نقض شدن نباشد. برای نیل به این هدف، بایستی که پایه‌های صلح و امنیت چنان قوی باشد که با هر تهدیدی نلغزد و این میسر نمی‌شود مگر از طریق ایجاد ارتباط و همکاری میان ملت‌ها. یکی از مهمترین طریق ایجاد صلح و تفاهم میان ملت‌ها، ایجاد همکاری در قلمروهای تعلیم و تربیت، علم و فرهنگ می‌باشد. همکاری بین‌المللی در قلمرو امور فرهنگی و آموزشی از آن روی مفید می‌نماید که راه‌های تفهیم و تفاهیم متقابل ملت‌ها را هموار می‌سازد و به پیشرفت و گسترش علوم و در نهایت توسعه آموزش همگانی کمک می‌کند. در این راستا نقش سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو) به وضوح قابل درک است.

سازمان یونسکو از طریق توسعه همکاری‌های فرهنگی بین ملت‌ها، به برقراری صلح کمک می‌کند. این سازمان به طور تخصصی همکاری‌ها و روابط بین ملت‌ها را در پنج زمینه

آموزش و پرورش، علوم طبیعی، علوم اجتماعی، فرهنگ، و ارتباطات و گسترش روابط خارجی افزایش می‌دهد و از این طریق به هدف اولیه خویش که همانا افزایش همکاری میان ملت‌ها و در نتیجه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی نزدیک‌تر می‌شود. یونسکو در این راه انقلابی را آغاز کرده و قصد دارد تا از طریق افزایش آگاهی و همکاری میان ملل با فرهنگ‌های مختلف به هدف نهایی خویش دست یابد. یونسکو به‌عنوان یک مرجع جهانی علم و فرهنگ، مکان مناسبی برای تبادل آرا و نظریات بین‌المللی قلمداد می‌گردد، و در این عرصه امکان برقراری بیشتر نمایندگان کشورهای و نخبگان جهان وجود دارد تا ضمن تبادل نظر به تبیین مواضع و دیدگاه‌های خود بپردازند. هرچند این امکان در دیگر موسسات تخصصی وابسته به سازمان ملل وجود دارد، اما هیچ‌کدام از آنان جایگاه رفیع علمی و فرهنگی‌ای همانند یونسکو را ندارند و از این جهت این سازمان نسبت به دیگر موسسات تخصصی برتری ویژه‌ای دارد. در یونسکو این امکان وجود دارد تا با تقویت جریان علمی و روشنفکری، از سیاسی شدن آن و اینکه حربه‌ای شود که حکومت‌های دیکتاتور از آن برای اعمال نیات شوم خود بر مردم استفاده کنند، جلوگیری شود و در مقابل نقش تخصصی علم، فرهنگ، آموزش، و ارتباطات پررنگ‌تر گردد. شاید بتوان گفت که اقدامات یونسکو در این راه، اگر بیشتر و موثرتر از اقدامات سازمان ملل نیست، قطعاً کمتر هم نیست. زیرا در دنیای امروزی، صلحی که بر اساس دوستی و همکاری میان ملت‌ها ایجاد می‌شود، به راحتی توسط طرفین قابل نقض شدن نیست. با این وجود یونسکو در راستای اجرای برنامه‌های خویش با مشکلاتی مواجه می‌گردد که پیشنهاد می‌گردد کشورها به یونسکو به عنوان کانون و اتاق فکر سازمان ملل متحد بنگرند و آشنایی با سازمان یونسکو و اقدامات آن را در سطوح ملی نهادینه کنند که انجام این امر دست کمیسیون‌های ملی یونسکو در هر کشور را می‌بوسد. این کمیسیون‌ها بایستی به تعداد دفاتر و نمایندگی‌های خود در کشوری که در آن مستقر هستند بیفزایند و مردم را با این سازمان بیشتر آشنا کنند، انتشارات و مجلات یونسکو را در سطح کشور در اختیار عموم قرار دهند. قطعاً در صورتی که مردم با این سازمان و اقدامات تاثیر گذار آن بر صلح و امنیت بین‌المللی آشنا گردند، به حمایت از آن برخواسته و موانع موجود در سطح ملی برای اجرای این اهداف را از طریق نمایندگان‌شان برطرف خواهند کرد. به امید آن روز.

منابع و مأخذ

- (۱) آقای، داوود، سازمان‌های بین‌المللی، انتشارات سرای عدالت، تهران، ۱۳۸۷.
- (۲) ارشاد، سیاوش، "یونسکو در یک نگاه"، موسسه ارتباطات فرهنگی چشم انداز، شماره ۲۵، مرداد ۱۳۸۵.
- (۳) احتشامی، هادی، بررسی جهانی شدن دموکراسی و تأثیر آن بر صلح و امنیت بین‌المللی، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۱، بهار ۱۳۸۸.
- (۴) اعلامیه هزاره ملل متحد، مرکز مطالعات و اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران، ۱۳۷۹.
- (۵) الن ت، وود، دموکراسی‌های آسیایی، ترجمه زهرا زهرایی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۴.
- (۶) امیدی، علی، گسترش مفهومی حق تعیین سرنوشت: از استقلال ملل تحت سلطه تا حق دموکراسی برای همه، فصلنامه حقوقی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۷.
- (۷) امین زاده، الهام، مبانی اساسی منشور سازمان ملل در مورد ایجاد و حفظ صلح، نشریه دیدگاه‌های حقوقی قضایی، شماره ۴، زمستان ۱۳۵۷.
- (۸) امینی‌نیا، عاطفه، حق بر صلح و عملکرد سازمان ملل متحد، مجمع جهانی صلح اسلامی، (دپارتمان دانشگاهی)، ۱۳۸۹.
- (۹) اومالی، به راندان، آموزش برای همه کلید آینده، مجله پیام یونسکو، شماره ۳۸۹، سال سی و هفتم، بهمن ۱۳۹۱.
- (۱۰) بهادر، مریم، نگاهی به برنامه راهبردی میان مدت یونسکو و مساله ارتباطات و اطلاع رسانی، نشریه رسانه، سال دوازدهم، شماره سوم، ۱۳۸۰.

- (۱۱) بزرگمهری، مجید و علی نصیری‌طوسی، یونسکو و گفت‌وگوی تمدن‌ها، مجله سیاسی-اقتصادی، ۱۳۷۷.
- (۱۲) بیگدلی، حسن، اصل عدم مداخله در امور کشورهای دیگر از دیدگاه حقوق بین‌الملل، پایان نامه دریافت درجه کارشناسی ارشد روابط حقوق کنسولی، دانشگاه حقوق وزارت امور خارجه، شهریور ۱۳۷۶.
- (۱۳) برزونی، محمدعلی، اسلام و اصالت جنگ یا اصالت صلح، مجله حقوقی نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۳۳، سال ۱۳۸۴.
- (۱۴) بیت‌هام، دیوید، راهنمای نوآموز دموکراسی، ترجمه گروه دموکراسی و کرسی حقوق بشر، مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، ۱۳۸۹.
- (۱۵) بیگزاده، ابراهیم، در تکاپوی صلح پایدار، مجله دانشگاه علوم انسانی رضوی، شماره ویژه، ۱۳۸۷.
- (۱۶) _____، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، ۱۳۸۹.
- (۱۷) _____، در تکاپوی صلح پایدار، مجله تخصصی الهیات و حقوق/ پژوهش‌ها، شماره ۲۸، تابستان ۱۳۸۷.
- (۱۸) بیگزاده، ابراهیم و شهناز کلینی و منیژه یاقوتی، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، جلد اول، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۱.
- (۱۹) پیروznیک، مهرناز، اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی یونسکو، کمیسیون ملی یونسکو-ایران، پاییز ۱۳۹۰.
- (۲۰) ثقفی، مراد، دموکراسی و واقعیت اجتماعی، نشریه گفتگو، شماره ۱۴، زمستان ۱۳۷۵.
- (۲۱) جوانی، مارگریت، «نقش آراء دیوان بین‌المللی دادگستری در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی»، نشریه کانون وکلا، ۱۳۸۴.
- (۲۲) جهان‌پناه، سیمین دخت، سهم یونسکو در بهبود وضعیت زنان و برگزاری چهارمین کنفرانس جهانی زن، مجله سیاست خارجی، دوره ۹، شماره ۲، سال ۱۳۷۴.
- (۲۳) خلیجی، محسن، گفتگوی تمدن‌ها: عامل صلح و پیشرفت بشریت، نشریه نامه فرهنگ، شماره ۵۵، تابستان ۱۳۸۴.
- (۲۴) دهشیری، محمدرضا، سیاست فرهنگی یونسکو در آفریقا، فصلنامه مطالعات آفریقا، شماره ۱۵، بهار و تابستان ۱۳۸۶.

- (۲۵) _____، یونسکو از مذاکره تا تصمیم‌گیری، تهران- شرکت انتشارات علمی و فرهنگی- سال ۱۳۸۸.
- (۲۶) رنجبریان، امیرحسین و فریبا نواب دانشمند، "بررسی تاثیر آموزش حقوق بشر بر صلح و توسعه"، مجله اندیشه‌های حقوقی، سال پنجم، شماره ۱۲، بهار ۱۳۸۶.
- (۲۷) رحیمی، مصطفی، قانون اساسی ایران و اصول دموکراسی، انتشارات ابن سینا، تهران، ۱۳۴۷.
- (۲۸) رحیمی، رحیم، سال جهانی جوانان، نشریه روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، شماره ۳۴، بهار و تابستان ۱۳۶۴.
- (۲۹) رجبی هنجی، نسرین، بررسی توسعه و تحول اختیارات و وظایف سیاسی دبیرکل سازمان ملل متحد، رساله کارشناسی ارشد، به استاد راهنمایی دکتر ابراهیم بیگ زاده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۲.
- (۳۰) رضوانیان رهقی، مسعود، نظارت سازمان ملل بر وضعیت حقوق بشر در کشورها و مساله مداخله در امور داخلی آنها، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۳.
- (۳۱) زرشکن عابد، لیلا، تحلیل چالش‌های بخش فرهنگ با تاکید بر چالش‌های حوزه میراث فرهنگی و گردشگری، مجله مجلس و پژوهش، شماره ۴۴، پاییز ۱۳۸۳.
- (۳۲) ساعد، نادر، چارچوب گفتمانی صلح و ابهامات، رهیافت حقوقی، مجمع جهانی صلح اسلامی (دپارتمان دانشگاهی)، ۱۳۸۹.
- (۳۳) _____، گفتمان صلح عادلانه (مبنا و معنا)، مجمع جهانی صلح اسلامی، تهران، ۱۳۸۹.
- (۳۴) ساعد وکیل، امیر، حقوق بشر و صلح و امنیت بین‌المللی، چاپ دوم، مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، ۱۳۹۱.
- (۳۵) سیمونیدس، جانوس، "حقوق بشرابعاد نوین و چالش‌ها، دستورالعمل آموزش حقوق در دانشگاه‌ها"، جلد ۱، ترجمه محمدعلی شیرخانی، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۳.
- (۳۶) سعادت، عوضعلی، گفتگوی میان فرهنگی و توسعه اجتماعی، نشریه جامعه فردا، شماره ۱، تابستان ۸۵.

- (۳۷) شاکری، سید محمد، اصل عدم مداخله، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱، پاییز و زمستان ۱۳۷۸.
- (۳۸) شفیعی، نوذری، رابطه صلح و امنیت بین‌المللی یا حقوق بشر، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، آبان ۹۱.
- (۳۹) شیرعلی زاده، ابوالفضل، صلح و امنیت در پرتو تصمیمات شورای امنیت، مجله پیام قانون، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.
- (۴۰) شیخ زین‌الدین، حسین، نقش اداره اطلاعات عمومی سازمان ملل متحد، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۲.
- (۴۱) صدر، امین، دوسالانه یونسکو در مورد تحقیقات علمی و فنی در جهان، فصلنامه گفتگو، شماره ۵، پاییز ۱۳۷۳.
- (۴۲) صمصامی، غلامعلی، سازمان ملل متحد و موسسات تخصصی بین‌المللی، انتشارات تابان، تهران، ۱۳۳۱.
- (۴۳) ضیایی بیگدلی، محمد رضا، بررسی تفصیلی برخی مسائل حقوق بین‌الملل عمومی (جزوه درسی)، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق، سال ۱۳۷۸.
- (۴۴) طلایی، فرهاد، حقوق سازمانهای بین‌المللی، انتشارات جنگل، تهران، ۱۳۸۹.
- (۴۵) عباسی، علیرضا، امیر چینیان، منشور سازمان ملل متحد و اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، نشر جدید، تهران، ۱۳۸۰.
- (۴۶) علی آبادی، گیتا، اقدامها و فعالیت‌های یونسکو در زمینه جامعه اطلاعاتی، نشریه رسانه، سال دوازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۰.
- (۴۷) غالی، پطروس، تکاپوی جهان شمولی تأملاتی بر حقوق بشر، ترجمه اردشیر ارجمند، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۲۱ و ۲۲، سال ۱۳۷۷.
- (۴۸) _____، "حقوق بین‌الملل در تکاپوی ارزشهای خود: صلح، توسعه و دموکراسی"، ترجمه ابراهیم بیگ زاده، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۵ و ۳۶، بهار تا زمستان ۱۳۸۱.
- (۴۹) فریدی عراقی، عبدالحمید، روش‌های مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۳.
- (۵۰) فلسفی، هدایت الله، شورای امنیت و صلح و جهانی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۸، سال ۱۳۶۰.

- (۵۱) فدريكو مايور، آموزش مسئوليتی همگانی، مجله پیام یونسکو، شماره ۳۴۱، سال سی‌ام، اسفند ۱۳۷۱.
- (۵۲) فورنیه، فرانسین، گزارش همایش آشنایی با یونسکو و کمیسیون ملی یونسکو در ایران و راه‌های همکاری آنها، کمیسیون ملی یونسکو-ایران، ۱۳۷۲.
- (۵۳) قمری، داریوش، همبستگی ملی، مؤسسه نشر مطالعات ملی، تهران، ۱۳۸۴.
- (۵۴) قراگزلو، محمد، گفتگوی تمدن‌ها ایده فراموش شده، نشریه سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۸۹ و ۱۹۰، تیر و خرداد ۱۳۸۲.
- (۵۵) کاسسه، آنتونیو، نقش زور در روابط بین‌الملل، ترجمه مرتضی کلانتریان، انتشارات آگه، تهران، ۱۳۷۵.
- (۵۶) کابزودو، آلیشیا، صلح عادلانه و آموزش صلح، مجمع جهانی صلح اسلامی (منتخب مقاله‌ها)، تهران، سال ۱۳۹۱.
- (۵۷) کلییار، کلود آلبر، سازمان‌های بین‌المللی از آغاز تا به امروز، ترجمه هدایت اله فلسفی، نشر فاخته، تهران، ۱۳۷۱.
- (۵۸) کمیسیون ملی یونسکو- ایران، گزارش یونسکو و کمیسیون ملی یونسکو در ایران، اسفند ۱۳۷۵.
- (۵۹) _____، گزارش همایش آشنایی با یونسکو، تهران، اسفند ۱۳۷۵.
- (۶۰) _____، گزارش کمیسیون جهانی فرهنگ و توسعه، تهران، ۱۳۷۷.
- (۶۱) _____، آشنایی با کمیسیون ملی یونسکو- ایران- دیماه ۱۳۸۷.
- (۶۲) _____، مجله پیام یونسکو، شماره ۳۹۷، سال سی و نهم، شهریور ۱۳۹۱.
- (۶۳) _____، "مبارزه با انتقال غیر قانونی اموال فرهنگی"، ترجمه افسانه وثوق روحانی، ۱۳۸۹.
- (۶۴) کونیل لاکوست، میشل، همایش آشنایی با یونسکو-کمیسیون ملی یونسکو در ایران و بررسی راه‌های همکاری آنها، کمیسیون ملی یونسکو-ایران، ۱۳۷۰.
- (۶۵) _____، چهل و پنج سال فعالیت یونسکو، بخش اول، مجله پیام یونسکو، سال ۲۳، شماره ۲۵۷، آبان ۱۳۷۰.
- (۶۶) _____: بخش دوم، مجله پیام یونسکو، سال ۲۳، شماره ۲۵۸، آذر ۱۳۷۰.

- (۶۷) کلییار، کلود آلبر، سازمان‌های بین‌المللی از آغاز تا به امروز (همبستگی بین‌المللی) ترجمه هدایت الله فلسفی، نشر فاخته، تهران ۱۳۷۱.
- (۶۸) کلییار، کلود آلبر، نهادهای روابط بین‌الملل، ترجمه هدایت الله فلسفی، نشر نو، تهران، ۱۳۶۸.
- (۶۹) گاستون میلاره و یال ژان، تاریخ جهانی آموزش و پرورش، جلد دوم، ترجمه محمدرضا شجاع رضوی، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۱.
- (۷۰) گای اس، گودین گیل، انتخابات آزاد و منصفانه در حقوق و رویه بین‌المللی، ترجمه سید جمال سیفی و سید قاسم زمانی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، تهران، ۱۳۷۹.
- (۷۱) گزانی، مهین، نقش کمیسیون‌های ملی یونسکو، فصلنامه ملی یونسکو در ایران، شماره ۱۳ و ۱۲، ۱۳۶۷.
- (۷۲) ماتسورا، کوئیچرو (بخشی از متن سخنرانی در پانزدهم نوامبر ۱۹۹۹ در پاریس به مناسبت تصدی مقام دبیر کلی یونسکو)، مجله پیام یونسکو، شماره ۲۵۶، ۱۳۷۸.
- (۷۳) مارک سورل، ژان، سازمان ملل متحد و حل بحران‌های بین‌المللی، ترجمه ابراهیم بیگزاده، مجله نامه مفید، شماره ۱۴، تابستان ۷۷.
- (۷۴) مژگان‌پور، جلال، جایگاه یونسکو در تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل، پایان نامه دریافت مدرک کارشناسی ارشد، به استاد راهنمایی دکتر فضل‌الله موسوی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
- (۷۵) معتمد نژاد، کاظم، یونسکو و مسائل حقوقی بین‌المللی الکترونیکی، کمیسیون ملی یونسکو- ایران، تهران، خرداد ۱۳۷۶.
- (۷۶) _____، کاظم، گزارش ویژه حق دسترسی همگانی به اطلاعات در قرن بیست و یکم، نشریه رسانه، سال یازدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۷۹.
- (۷۷) مسرت، محسن، فرهنگ و دموکراسی گذر از جامعه دو قطبی انحصار طلبی به جامعه دموکراسی - مدنی، مجله آئین، شماره ۲، آذر ۱۳۸۳.
- (۷۸) موسی‌زاده، رضا، سازمان‌های بین‌المللی، نشر میزان و نشر دادگستر، چاپ اول، تهران، پائیز ۱۳۷۸.
- (۷۹) مشیر سلیمی، علی‌اکبر، کمیسیون ملی یونسکو در ایران و خدمات فرهنگی آن، انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران، تهران، اردیبهشت ۱۳۷۷.

- ۸۰) ____، چهل و پنج سال فعالیت یونسکو، بخش اول، کمیسیون ملی یونسکو-ایران، ۱۳۷۸.
- ۸۱) ____، گزارش همایش آشنایی با یونسکو، کمیسیون ملی یونسکو در ایران و بررسی راه‌های همکاری آنها، ۱۳۸۷.
- ۸۲) مصفا، نسرین، سازمان ملل متحد و حصول همکاری‌های اجتماعی، فرهنگی بین‌المللی، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۰.
- ۸۳) مهاجرانی، سید عطاالله، فرهنگ گفتگو، مجله پیام یونسکو، شماره ۳۷۹، سال سی و سوم، خرداد ۱۳۸۱.
- ۸۴) میرعباسی، سید باقر، حقوق بین‌الملل عمومی، جلد دوم، چاپ سوم، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۵.
- ۸۵) نادری قطب‌الدینی، عباس و حمید زنگنه، یونسکو، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۸۶) نراقی، احسان، یونسکو و نخستین مجمع جهانی گفتگوی فرهنگ‌ها، نشریه بخارا، شماره ۱۴، بهمن ۱۳۷۷.
- ۸۷) نراقی، یوسف، جامعه‌شناسی و توسعه، نشر افزون، تهران، ۱۳۸۰.
- ۸۸) نوروزیان، مهدی، آشنایی با سازمان آموزشی علمی و فرهنگی ملل متحد، مجله حقوقی رهیافت، شماره ۳۴، زمستان ۱۳۸۳.
- ۸۹) ولی، وهاب، جنگ و صلح، مجله فرهنگ، شماره ۹، ۱۳۷۰.
- ۹۰) هانتیگون، ساموئل، موج سوم دموکراسی، ترجمه احمد شهرسا، انتشارات روزنه، تهران، ۱۳۷۳.
- ۹۱) هانس جی، موگنتا، سیاست میان ملت‌ها، چاپ اول، ترجمه حمیرا مشیرزاده، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۴.
- ۹۲) هنجی، سیدعلی، حقوق بین‌الملل عمومی ۲، (جزوه درسی)، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۵.
- ۹۳) یوسفی، محمد مهدی، نقش سازمان‌های منطقه‌ای در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، مجله سیاست خارجی، سال دوازدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷.

- ۹۴) یونسکو، برنامه میان مدت ۲۰۰۲-۲۰۰۷ سازمان یونسکو، کمیسیون ملی یونسکو-ایران، سال ۱۳۸۲.
- ۹۵) _____، "فرهنگ صلح و یونسکو"، ترجمه کمیسیون ملی یونسکو-ایران، کمیسیون ملی یونسکو-ایران، تهران، ۱۳۷۸.
- ۹۶) _____، راهبردهای ملی توسعه فرهنگی، نشر تبیان، تهران، ۱۳۷۹.
- ۹۷) _____، فرهنگ و توسعه رهیافت مردم شناختی توسعه، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۶.

- 98) Bedjaoui, Mohammed. "the place of Interantional Court of Justice in General System fot the Maintenance of Peace, International Court of Justice Room Press, 1987.
- 99) BedJaoui. Mohammad, "Article 1. Commentaire General in Cotjean-Pellet
- 100) D. Cortight, Peace, A History of Movements and Ideas. Combridge, Combridge Uni. Press, 2008.
- 101) Decenciere-Ferrandire, "Qualeques Reflexion Touchant le Reglement des Conflits Interantionsaux" RGDIP(Revue generale de droit international public, pedone, Paris.),1929.
- 102) De Cuelar, Javiar Perez” The Role of UN Secretry-General”, in A. Reports and B. kingsbury leds. United Nations Divided World, Claredon Press, Oxford1993.
- 103) FEDERICO MAYOR,”The Role of UNESCO in the Construction of Peace, UNESCO pub, 1994.
- 104) I, Kate S. Pease, Kelly, "International organization perspectives on Governance in twenty-first century", (New Jersey, prentice-Hall), 2000.
- 105) Kelesen, Hans,” The Law of United Nation”, London, Stevens,1950.
- 106) Lynn Davies, UNESCO Assocceated Schools Project Network (ASPnet) and Peace Education, Center International Education and Research (CIRP), University of Birmingham. Uk.
- 107) Peter Lengyel, International Social Science: The UNESCO Experience, Transaction Books: New Brunswick (USA) and Oxford (UK), First Edition 1986.
- 108) Raredon, Betty. A,”Human Rights as Education for Peace,in Human Rights Education for Twenty-First century”ed. By George J. Andero Poulos and Richard Pierre claude, Philadelphia, University of Pennsylvavinna Press.
- 109) Robert L. Roth sein, "Democracy, Conflict, and Development in the Third World", in the Washington Quarterly, spring 1991.
- 110) Stephan S. Goodspeed, The Nature and Function of International Organization, New York. Oxford University Press,1967.

- 111) Stone, Adam, Human Rights Education and Public Policy in the United States: mapping the Road Ahead”, human Rights Quarterly, Vol. 24, 2002.
- 112) Sien Ho. Yee, Toward on International Law of Co-progressiveness, Lenden, Martinus, Nijhoff Pub., 2004.
- 113) Talaie. Farhad, International law and Human Right Protection, International, Regional and National Developments, the Iranian Journal of International Affairs, Vol. XV, Fall-Winter 2003- 2004.
- 114) Wolter H. C. Iaves,” UNESCO: Purpose, Progress, Prospects”, Indiana University Press, 1957.
- 115) UNESCO Basic Texts, General Conference, 36th Session, UNESCO, Paris, 2012.
- 116) UN Everyone's United Nation, Department of Public information, New York, 1980.
- 117) _____, A Handbook on the Work of the United Nations, Public of New York Department Information, 1986.
- 118) UNESCO and Peace/<http://www.unesco.org/General/Human Rights and Peace/pp 1-4>.
- 119) UNESCO Instruction/www.unesco.org/general/eng/about/how.shtml.
- 120) UNESCO and Education/<http://www.unesco.org/New/en/social-and-human science/ themes/ philosophy/ PP. 1-3>